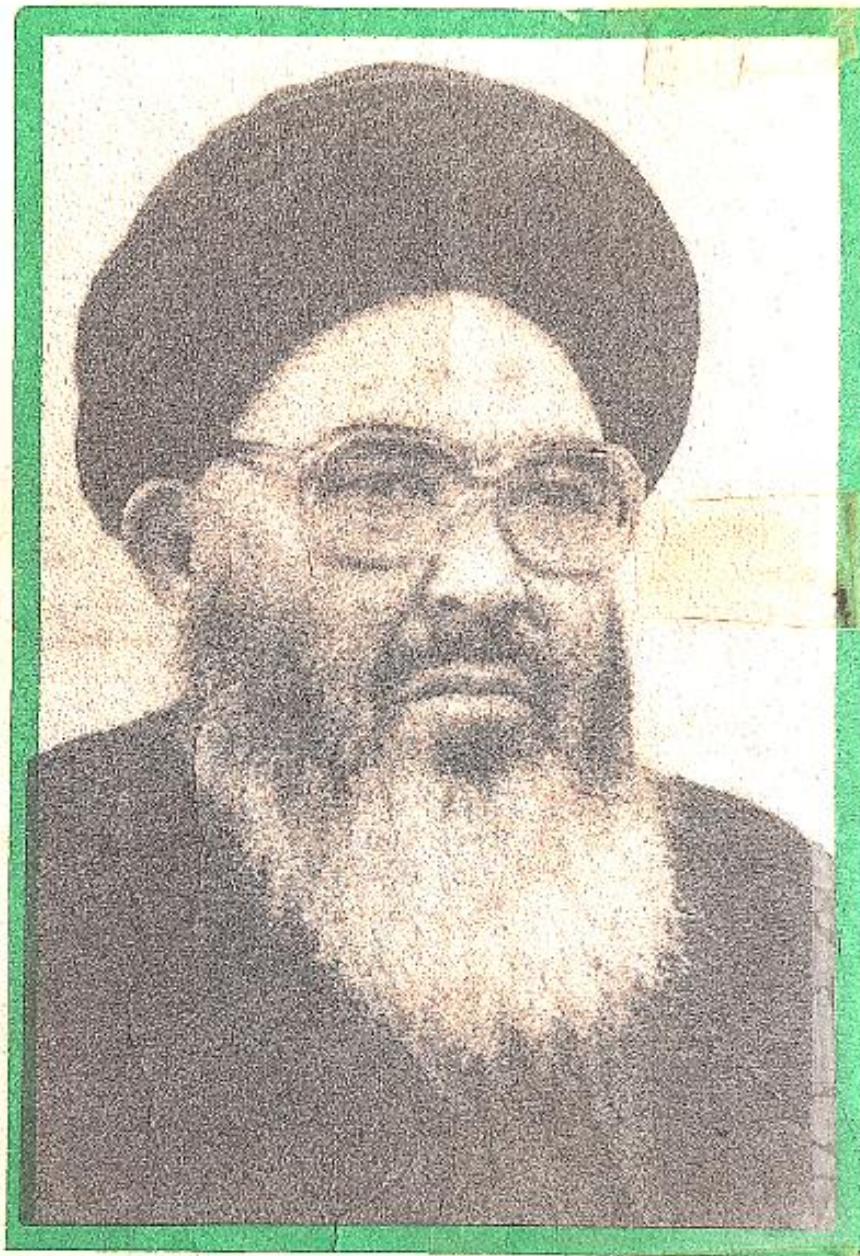


معمار وحدت



یادواره نخستین سالگرد رحلت آية الله المجاهد سيد علي بهشتي
بنیانگذار اولین حکومت جهادی و سازمانده وحدت سراسری شیعیان افغانستان

گردآورنده:
سيد عبدالوهاب رحمانی

معمار وحدت

یادواره نخستین سالگرد رحلت آیه الله المجاهد سید علی بهشتی قدس سره

بنیانگذار اولین حکومت جهادی و سازمانده وحدت سراسری شیعیان افغانستان

گردآورنده:

سید عبدالوهاب رحمانی

معمار وحدت یادوارہ نخستین سالگرد رحلت آیۃ اللہ سید علی بہشتی (قدس سرہ)

نام کتاب

سید عبدالوہاب رحمانی

گرد آورنده

مؤسسہ فرهنگی برہان

چاپ

چاپ اول پائیز ۱۳۷۶

نوبت چاپ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء:

به روان پاک علمای سلف و احیاگران مذهب
خونین تشیع در تاریخ معاصر افغانستان، به ویژه،
آنانکه توسط رژیم مارکسیستی به شهادت
رسیدند.

پیشگفتار

بدون تردید آیه الله سید علی بهشتی رحمته الله علیه از اکابر علمای امامیه اثنی عشریه در تاریخ معاصر افغانستان، از بنیانگذاران انقلاب اسلامی و یکی از مردمی ترین رهبران جهادی کشور و معمار بنای اولین وحدت سراسری تشیع در هزاره جات و مؤسس اولین حکومت موقت اسلامی و جهادی در قلب حاکمیت رژیم مارکسیستها در سال ۱۳۵۸ و خبرخواه ترین، دلسوزترین، مخلص ترین، رنج دیده ترین، مستقل ترین، مردمی ترین و مظلوم ترین شخصیتی بوده است که چه در مرحله جهاد و مبارزه ملت افغانستان علیه روسها و چه در مرحله پیروزی مجاهدین و جنگ های داخلی پس از آن، افغانستان مسلمان و بخصوص جامعه شیعیان این کشور به خود دیده است.

بحق می توان او را قهرمان وحدت خواهی در میان شیعیان افغانستان و اولین طراح و معمار اتفاق و اتحاد ملت شیعه و هزاره نامیده و یکی از ارکان اساسی جهاد پرافتخار افغانستان مسلمان بر علیه روسها دانست؛ او برای اولین بار وحدت سراسری شیعیان افغانستان را در آغاز جهاد سازمان داده و برای ملت شیعه و هزاره این کشور هویت مستقل سیاسی بخشید که می توان از آن بعنوان عصر طلایی هزاره جات و روزگار افتخارات تاریخی، صمیمیت ها، اخلاص ها، حضور ارزشهای جهادی، ایثارگری ها، شهادت طلبی های شیعیان افغانستان یاد نمود.

رهبری بهشتی رحمته الله علیه بزرگ طبیعی بوده و در اعماق قلب های مردم ریشه داشت و

برای اولین بار میلیونها نفر در مناطق مرکزی افغانستان، در آغاز جهاد بطور خودجوش و طبیعی رهبری او را اینگونه شعار دادند: «الله اکبر، خمینی رهبر، بهشتی رهبر، اسلام پیروز است، شوروی نابود است، آمریکا نابود است و ...». او در زمان حیاتش نیز مورد اتفاق بود و بدون هیچ رأی مخالفی بعنوان رئیس اولین وحدت سراسری تشیع در هزاره جات در ۱۳۵۸/۸/۱۵ برگزیده شد و مشروعیت مردمی و شرعی یافت و هم در زمان رحلتش، مورد اتفاق جناحها و گروهها بود که بدون کمترین مخالفتی، هماهنگ با میلیونها انسان، مجالس سوگواری ترتیب داده و یاد او را گرامی داشتند، زیرا چه در آغاز و چه در پایان حیات سیاسی خویش، اتفاق و اتحاد و وحدت شیعیان و مسلمانان افغانستان را می خواست و عملاً در طریق تفاهم و یکرنگی و یکدلی گام برمی داشت و در راه خودش ثابت قدم بود، برخلاف دیگران که در طول حیات سیاسی شان چندین بار گرفتار نوسانات سیاسی و فکری گردیدند و بزرگترین توانمندی و ابتکار و خلاقیت شان در ایجاد تفرق و تخریب تجلی پیدا کرد.

تشریح کامل ابعاد علمی، عرفانی شخصیت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه، اوصاف و خصائل بلند و متعالی و خدمات بزرگ اجتماعی و مذهبی و سیاسی ایشان و بیان نقش عظیم جهادی و داستان مرارت ها، رنج ها و مظلومیت های وی و تدوین تاریخ پرمجرای حیات سیاسی و جهادی او؛ تدوین چندین جلد کتاب قطور و پرمحتوا را می طلبد که قلم های منصف، شعور بالنده مردم و وجدان بیدار تاریخ، هرگز نقش عظیم تاریخی او را از یاد نبرده و به انجام این امر مهم مبادرت خواهند ورزید.

اما آنچه که اینک در پیش رو دارید؛ بلحاظ وجود محدودیت های مختلف زمانی و مکانی و امکاناتی و وجود موانع گوناگون، پرتو بسیار کم رنگی است از انوار شخصیت بهشتی بزرگ و خدمات علمی و مذهبی و اجتماعی و نقش عظیم جهادی او که بصورت یادواره ای تهیه گردیده و مختصری از زندگی علمی و سیاسی، و گزارشی فشرده از مراسم یادبود آیه الله بهشتی رحمته الله علیه، و دیدگاههای شخصیت ها در مورد وی، در قالب مصاحبه ها و سخنرانی ها و مقاله ها و غیره را

دربرداشته که تقدیم خوانندگان محترم می شود.

در خاتمه، لازم می دانم که در اینجا از کلیه برادران عزیزی که ما را در تهیه این یادواره یاری داده اند، بخصوص از برادر ارجمندم سید عبد القیوم سجادی که کار پیاده کردن بسیاری از نوارها را بعهده داشته و آقای سید ضیاء و آقای محمدانور محمدی و سایر همکاران گرامی صمیمانه تشکر نموده و همچنین از حجت الاسلام حاج آقا واعظ بهشتی مسئول کل هیئت عزاداران حسینی و مسئول روابط عمومی حزب وحدت در تهران و حجت الاسلام آقای سید حسین ناطقی مسئول تبلیغات هیئت، که بانی این امر خیر بوده اند و نیز از کلیه سروران اساتید و بزرگان و برادران عزیز هیئت حسینی، کمال امتنان و سپاس گزاری خویش را اظهار داشته و امیدواریم که با ارائه این یادواره ناقابل، ذره ای از حق عظیم تاریخی، مذهبی و جهادی آیه الله بهشتی (قدس سره) ادا گردیده و در آینده ای نه چندان دور، در جهت تبیین کامل ابعاد شخصیتی و ارائه کارنامه علمی و جهادی و چاپ و نشر دست نوشته ها و آثار علمی این بزرگ مرد تاریخ، گام برداریم؛ انشاء الله. والسلام علیکم وعلی عباد الله الصالحین

قم - حوزه علمیه

سید عبدالوهاب رحمانی

۱۳۷۶/۷/۲

« فهرست مندرجات »

پیشگفتار.....یا

بخش اول

سرگذشت خورشید

مروری بر زندگی علمی و سیاسی آیه الله بهشتی

« صفحه ۱ »

۳.....	مقدمه
۵.....	محیط پیدایش
۶.....	تحصیلات و مدارج علمی
۱۰.....	خدمات علمی، مذهبی و اجتماعی
۱۱.....	۱- تدریس
۱۲.....	۲- خدمات اجتماعی و مذهبی
۱۴.....	۳- آثار و کتب علمی
۱۵.....	فضائل اخلاقی
۱۶.....	نقش سیاسی و جهادی

بخش دوم

روایت هجران

گزارشی فشرده از

مراسم گرامیداشت آیه الله بهشتی در داخل و خارج کشور

« صفحه ۲۵ »

- ۱ - مناطق مرکزی افغانستان ۲۸
- ۲ - کابل ۳۲
- ۳ - کویته بلوچستان ۳۲
- ۴ - سوریه ۳۲
- ۵ - قم ۳۳
- ۶ - تهران و اطراف ۳۴
- ۷ - مشهد مقدس ۳۴

بخش سوم

حدیث دلتنگی

بخشی از پیام‌های تسلیت

شخصیت‌ها و نهادهای سیاسی و اجتماعی

بمناسبت رحلت آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله

« صفحه ۳۷ »

- پیام تسلیت آیه‌الله محسنی رهبر حرکت اسلامی افغانستان ۳۹
- پیام تسلیت رئیس شورای نمایندگی حزب وحدت در ایران ۴۰
- پیام تسلیت رئیس شورای نمایندگی حزب وحدت اسلامی ۴۲
- پیام تسلیت استاد سید حسین عالمی ۴۳
- پیام تسلیت سید هادی رئیس کمیته سیاسی حرکت اسلامی ۴۳
- پیام تسلیت آیه‌الله سید محمد محقق مقیم نجف اشرف ۴۴
- پیام رئیس شورای ولایتی جوزجان ۴۵
- پیام استاد محمد امیر سرابی ۴۶
- پیام تسلیت علماء، طلاب و فضلاء صفحات مرکزی افغانستان ۴۷
- پیام تسلیت هیأت عزاداران حسینی پایگاه مرکزی ۴۷
- پیام مسئول دفتر نمایندگی حزب وحدت اسلامی مشهد ۴۸
- پیام انجمن فرهنگی شهید حقجو ۴۹

پیام هیئت عزاداران حسینی مشهد	۵۰
پیام تسلیت به حاج آقای واعظ بهشتی	۵۱
پیام تسلیت مجمع فرهنگی بقیة الله (عج)	۵۲
پیام دفتر حزب وحدت (ستاد تبلیغات قم)	۵۳
پیام هیئت عزاداران حسینی بخش خواهران	۵۴
پیام تسلیت کتابخانه شهدای بغلان	۵۵
پیام تسلیت طلاب مدرسه علمیة چهارده معصوم	۵۶
پیام تسلیت انجمن اسلامی جوانان افغانستان	۵۷
پیام تسلیت کتابخانه ولی عصر (عج) پنجاب	۵۸
پیام تسلیت اعضای کتابخانه عمومی بصیرت	۵۹
پیام تسلیت کتابخانه استاد علامه ورسی	۵۹
پیام تسلیت دفتر حرکت اسلامی مشهد مقدس	۶۰
پیام تشکریه هیئت حسینی - پایگاه مرکزی	۶۰
پیام تشکریه حجة الاسلام والمسلمین واعظ بهشتی	۶۱
پیام تشکریه حاج فکوری بهشتی	۶۳

بخش چهارم

فریادهای تلخ

گزیده سخنرانیهای انجام شده در مراسم آیه الله بهشتی

« صفحه ۶۵ »

توصیه های جاودان

سخنرانی آید الله بهشتی

در میان جمعیت عظیم استقبال کنندگان در کابل سال ۱۳۷۳

تجسم ارزشهای قرآنی

سخنرانی حجة الاسلام والمسلمین آقای میرزائی

۷۲

جامع معقول و منقول

- سخنرانی آیة الله جوهری خراسانی ۷۸
- گامی بزرگ در تاریخ
- سخنرانی استاد شفق بهسودی ۸۴
- عصر طلائی تشیع در افغانستان
- سخنرانی حجة الاسلام والمسلمین جوادی غزنوی ۸۷
- نشانه های قداست و مظلومیت
- سخنرانی حجة الاسلام والمسلمین امینی سرخجوی ۹۲

بخش پنجم

نوشته های اشک آلود

گزیده مقالات و سوگ سروده هایی که در مراسم آیة الله بهشتی رحمته الله علیه

به خوانش گرفته شدند

« صفحه ۹۷ »

سند افتخار جهاد

- برادر احمدی ۱۰۰
- غروب در سکوت هندوکش
- سید جمال الدین موسوی ۱۰۴
- سلام فاطمه علیها السلام
- سید محمد عارف امینی ۱۰۷
- یادآور آیات قرآن
- آقای توسلی ۱۱۴
- در سرگ خورشید
- معصومه جعفری ۱۱۹
- اندوه هجران
- داود محمدی ۱۲۱

بخش ششم

انعکاس نور

مصاحبه با برخی شخصیت‌های علمی و سیاسی

«صفحه ۱۲۳»

- ۱۲۶ مصاحبه با آیه‌الله اسلامی شهرستانی
- ۱۳۰ مصاحبه با آیه‌الله محقق خراسانی
- ۱۳۲ مصاحبه با استاد شیخ رجب علی محقق ورسی
- ۱۳۵ مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد داد واعظ بندر
- ۱۳۷ مصاحبه با آیه‌الله علوی ورسی
- ۱۴۱ دیدگاه حجة الاسلام والمسلمین آقای رحیمی لعلی
- ۱۴۴ مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین آقای مرتضوی
- ۱۵۱ مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین آقای دانش ورسی
- ۱۶۲ مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین آقای نهضت
- ۱۶۴ مصاحبه با جناب آقای حقجو
- ۱۶۶ مصاحبه با حجة الاسلام آقای جوادی دره صوفی
- ۱۶۸ مصاحبه با حجة الاسلام آقای بیانی

بخش هفتم

تصویر آفتاب

عکسهایی از مراسم تشییع جنازه و مجالس یادبود آیه‌الله بهشتی

«صفحه ۱۷۱»

بخش اول

سرگذشت خورشید

مروری بر زندگی علمی و سیاسی آیه الله بهشتی



سر گذشت خورشید

مروری بر زندگی علمی و سیاسی آیت الله بهشتی (ره)

مقدمه

اذا مات المؤمن الفقيه ثلّم فی الاسلام ثلّمته لایسدّ هاشیء (۱)

امام صادق (ع) می فرماید: چون مؤمن عالمی بمیرد، رخنه در اسلام افتد که هیچ چیزی نتواند آنرا ببندد. سخن از رحلت جانگداز راد مردی است که بدون شک یکی از بزرگترین علمای مذهب امامیه اثنی عشریه در افغانستان و همچنین یکی از پر نفوذ ترین رهبران جهادی این کشور محسوب گردیده و در دهه های اخیر تاریخ معاصر افغانستان و دوران طلایی و پر تلاطم جهاد افغانستان نقش بسیار عظیم مذهبی - علمی - فرهنگی - و سیاسی - نظامی - اجتماعی را ایفاء نموده است.

یادکرد از پرواز ملکوتی آن روح بلند و آن عبد صالح و مخلص خداست که بحق تداعی گر، مفاهیم گران سنگ و والا قدر «عالم ربانی» و «مؤمن فقه» در ذهن ها بوده و مصداق بارز آن معنی است که امام صادق (ع) در حدیثی فرمود: «خداوند پس از آنکه علم را فرو فرستاد بر نمی گرداند، لیکن چون عالم بمیرد علمش برود و جای

خود را به مردم خشک و خشنی دهد که گمراه‌اند، و گمراه‌کننده و چیزی که بتون و ریشه ندارد خبر ندارد» ان الله عزّ و جلّ لا یقبض العلم بعد ما یهبطه و لكن یموت العالم فیذهب بما یعلم فتلیم الجفاه فیضلون و یضلون و لا خیر فی شیء لیس له اصل (۱).

فقدان درد ناک عالم وارسته و پارسا و برزگ مجاهد همیشه در صحنه و زجر کشیده انقلاب اسلامی و آغازگر جهاد مسلحانه علیه روسها در صفحات مرکزی افغانستان و مؤسس و رئیس اولین حکومت موقت اسلامی در قلب حاکمیت رژیم مارکسیستی، آیه الله سیّد علی بهشتی رحمته الله علیه، بدون تردید از آنگونه فقدانها و رحلت‌هائی است که امام کاظم علیه السلام در مورد آن فرمود: «چون مؤمن عالم بمیرد فرشتگان و بقعه‌های زمینیکه خدا را در آن عبادت می‌کرده بر او گریه کنند و درهای آسمانیکه اعمالش از آنها بالا می‌رفته است بر او گریه کنند و در اسلام رخنه‌ای افتد که چیزی آنرا نبندد، زیرا مؤمن دانشمند دژهای اسلامند، مانند دژهای اطراف شهر» اذا مات المؤمن بکت علیه الملائكة و بقاع الارض التي كان یعبد الله علیها و ابواب السماء التي كان یصعد فیها باعماله و ثلم فی الاسلام ثلثة لایسدّها شیء لانّ المؤمنین الفقهاء حصون الاسلام کحصن السور المدینة لها (۲) و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «مرگ هیچکس نزد شیطان محبوبتر از مرگ عالم نیست». ما من احد یموت من المؤمنین احبّ الی ابلیس من موت فقیه (۳).

معرفی کامل ابعاد شخصیت، کارنامه دقیق علمی - فرهنگی و جهادی او و بیان عمق عظمت و وسعت مظلومیت او و تدوین تاریخی دربار زندگی سیاسی او - بمثابة رهبر طبیعی‌ترین و مردمی‌ترین جریان سیاسی جهاد افغانستان - کاری است بس مشکل که تدوین کتاب بلکه کتابهای متعددی را می‌طلبد و آنچه را که ما درین کوتاه مقاله در صدد آنیم تصویری مختصری است از شخصیت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه و زندگی او که در محورهای ذیل ارائه می‌گردد:

۱ - اصول کافی، جلد اول، صفحه ۴۷ . ۲ - اصول کافی، جلد اول، صفحه ۴۷ .

۳ - اصول کافی، جلد اول، صفحه ۴۷ .

الف: محیط پیدایش

ب: تحصیلات و مدارج علمی

ج: خدمات علمی و اجتماعی و مذهبی

د: فضائل اخلاقی

ه: نقش سیاسی و جهادی

محیط پیدایش

«شخصیت هر کس تا حدود زیادی، به اوضاع خانوادگی و شخصیت و اخلاق پدر و مادر و محیط نشو و نما و بستگی دارد. پدر و مادرند که شالوده و اساس شخصیت فرزند را می‌ریزند و او را در قالب روحیات و اخلاق خودشان ریخته تحویل جامعه می‌دهند، بطوریکه می‌توان گفت: هر فرزندی نمونه و آینه تمام نمای شخصیت پدر و مادر و طرز تربیت آنها است.»^(۱)

بنابر این، عامل وراثتی، ژنتیکی و تربیت خانوادگی، یکی از عوامل عمده تکوین شخصیت انسانی بوده و در تنزل و سقوط یا تکامل و رقاء شخصیتی انسان تأثیر بسزائی دارد، و بدین لحاظ امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «فرزندان بشر باصلاحیت اخلاقی پدران خود از خطر انحراف مصون می‌ماند» *يحفظ الاطفال بصلاح آبائهم*^(۲) یکی از بزرگترین امتیازات آیه‌الله بهشتی رحمته الله در این بوده است که بستر وراثتی و خانوادگی تولد وی یکی از پاک‌ترین، نجیب‌ترین، بهترین و مذهبی‌ترین خانواده‌های منطقه و کشور بوده است. پدر و جد پدری ایشان، در زهد و پارسائی و سجایای عالی اخلاقی و قداست مذهبی، در میان مردم منطقه مشهور بوده و زبانزد و خاص و عام می‌باشد. ابوی ایشان مرحوم ثقة الاسلام حاج سیدنبی یکی از بزرگان مذهبی و مردمی در عصر خویش بوده و از طرف مراجع تقلید مخصوصاً از جانب

۱ - بانوی نمونه اسلام، ابراهیم امینی، صفحه ۱۹.

۲ - اخلاق آموزش، مهدی تاج لنگرودی.

امام خمینی رحمه الله خط وکالت داشته است. جد ایشان مرحوم حجة الاسلام سید طاهر، یکی از بزرگترین علمای عصر خویش و از پارسایان زمان خود بوده که در باب قداست وی داستانهای متعددی تاکنون بر سر زبان مردم منطقه است. چنانچه در مورد جسد مرحوم سید طیب، یکی از اقربای پدری آیه الله بهشتی رحمه الله، مردم داستانی را نقل می کنند که البته هضم اینگونه مقولات، برای مادیون و اصحاب حس دشوار می نماید.

والده ماجده آیه الله بهشتی رحمه الله بزرگ بانوی علویه و فاضله ای بوده است جدہ مادری آیه الله که در فضایل معنوی و استجابات دعا شهرت داشته است، در فاصله زمانی که والده آیه الله را در حمل داشته است، خواب می بیند که دختری را به دنیا آورده است و آن دختر خورشید را در آغوش گرفته است.

بهر حال، خورشید برفروغ بهشتی بزرگ در سال ۱۳۰۸ هـ ش در یک چنین افق دمیلی و محیط خانوادگی طلوع نمود و درخت پر بار علم و دانش و فضائل او در یکجنین بستر پاک و پربرکتی روئید و از آنجا ریشه گرفت و بعدها سر به آسمان سائید و اوج قله های مناعت و رفعت علمی و عرفانی را پیمود.

تحصیلات و مدارج علمی

مرحوم آیه الله بهشتی رحمه الله در سنین نوجوانی به تحصیل علوم دینی آغاز نمود، ابتدا در نزد مرحوم والدش برخی از کتب مقدماتی را فرا گرفت و سپس در نزد بعضی از اعظام منطقه مانند مرحوم شیخ ابراهیم عالمی و مرحوم شیخ محمد علی دایکندی و غیره تحصیل نموده اما تشنگی علمی بهشتی رحمه الله در هیچ جا فرو نمی نشست و همواره بدنبال گمشده ای می گشت تا اینکه پس از چو نندین سال گمشده اش را در سیاده پکه ولنگ یافت و آن عالم بزرگوار و عارف متقی، علامه «شیخ موسی کلانی پکه ولنگی» بود که بحق یکی از اجله علمای شیعه در صفحات مرکزی افغانستان محسوب می گردد، بهشتی بزرگ، سالها از محضر او کسب فیض نموده و در نزد او به مقام و منزلتی خاص نائل می گردد بگونه ای که بسیاری از

درسهای حاجی شیخ در موضوعات مختلف به عهده آیه الله بهشتی رحمته سپرده می شود و خود سطوح عالی را برای بهشتی رحمته و عده ای دیگر تدریس می کرده است

نکته ای که خیلی قابل توجه است، مخصوصاً برای طلاب جوان، اینست که بهشتی بزرگ به طلب علم از یک زاویه دیگری می نگریست و در پرتو یکچنین نگرش عمیق از طلب علم و مفهوم عالم بود که اهداف معنوی و مقدسی را در طلب علم دنبال می نمود. او طلب علم را فریضة الهی، کمال مغنوی و طریقی می دانست که پیمودن آن عبادت محسوب گردیده و سر منزل آن بهشت موعود می باشد. من سلک طریقاً یطنب فیه علماً سلک به طریقاً الی الجنة و ان الملائکه لتضع اجنحتها لطالب العلم رضاً به و یستغفر لطالب العلم من فی السماء و من فی الارض حتی الحوت فی البحر... (۱)

فرشتگان باخرسندی بالهای خویش را برای طالبان علم فرونهند و اهل زمین و آسمان حتی ماهیان دریا برای طالبان علم آموزش می طلبند. اما به آن شرط که طالب علم بگفته امام صادق علیه السلام علم را برای خدا بیاموزد و بدان عمل کند و بدیگران بیاموزد و درین صورت است که او را در مقامهای بلند آسمانها عظیمش خوانند و گویند: آموخت برای خدا، عمل کرد برای خدا، تعلیم داد برای خدا، من تعلّم العلم و عمل به و علّم الله دعی فی ملکوت السموات عظیماً فقیلاً: تعلّم الله و عمل لله و علّم الله (۲).

با چنین نگرشی بود که تحصیل علم در نزد بهشتی بزرگ، در ردیف عبادات شمرده شده و از تقدس خاصی برخوردار بود. و تلاش علمی وی همواره با تهذیب و اصلاح نفسانی همراه بوده است و او در سلوک طریقت علم و معرفت دینی، داشتن انگیزه های دنیوی و اهداف مادی را، نقض غرض طلبگی دانسته و آنها را از آفات علم و سر عدم موفقیت علمی و سلب توفیق می دانست و توجه به همین

ظرافت‌ها و رازهای معنوی بود که از یک طلبهٔ روستائی بهشتی و بهشتی‌ها ساخت.
نکته‌ای دیگر آن عشق بسیار جوشان و سیال و آن سعی و تلاش و پشت کار
بی‌حد و حصری است که مرحوم آیه‌الله بهشتی رحمه‌الله در دوران طلبگی از خود نشان
می‌داد و این مطلب برای نگارنده این سطور، از اهل و عیال و اقربای آقا و همدرسها
و دوستان ایشان، به تواتر رسیده است که ایشان با چه علاقهٔ زائد الوصفی در
مطالعه کتب علمی و درسی شبها را در کنار چراغ موشک قدیمی به صبح
می‌رسانده است و در راه کسب علم چقدر تکاپو داشته و خستگی شناس بوده
است.

بعنوان نمونه فاضل محترم حجة الاسلام آقای نهضت فرزند برومند مرحوم
حاجی شیخ موسی کلانی، برایم روایت کرد که در حوالی سالهای ۲۸ - ۳۴ هجری
شمسی که آقای بهشتی رحمه‌الله در نزد مرحوم ابوی تلمذ می‌کرد، در میان طلاب پدرم
برجسته‌تر از بهشتی وجود نداشت و اکثر درسهای مرحوم حاجی شیخ به او محول
شده بود و درس حاشیه و مطول‌اش در همان زمان بسیار عالی بود و ایشان در نزد
مرحوم ابوی از منزلت خاصی برخوردار بود. و اطاق ایشان در منزل ما بود و
بسیاری از شب‌ها من خود شاهد مطالعهٔ بی‌وقفه بهشتی بودم که بدون خستگی
شبها را به صبح می‌رساند و پشت را بدیوار تکیه می‌داد و ساعتها غرق در مطالعه و
تفکر بود.

و از اینجا است که ما به یکی از اسرار افول علمی در میان طلاب و فضیلا متأخر
و غنای علمی در میان عالمان سلف ما، پی می‌بریم و اینکه چرا و به چه دلیل
امروزه طلاب و علمای ماگاه چندین دهه در حوزه‌های علمیه نجف، قم و مشهد
می‌ماند ولی از فیض جوشش و ابتکار و غنای علمی چندان بهره نمی‌برند؟ و پیکرهٔ
علمی‌شان در لاغری و نازکی بسر می‌برد.

و اما چرا و به چه دلائلی امثال بهشتی رحمه‌الله با اینکه کمتر از یک دهه در حوزه نجف
اشرف بسر می‌برند و یا مدتی نسبتاً کمتری در خط تحصیل علم باقی می‌ماند، اما
چنان سرمایه‌ای از علم فراهم می‌آورد که بعد از او هر که از نجف یا قم یا مشهد در

منطقه می رود، وقتی با او مواجه می شود، ولو ۲۰ سال در حوزه مانده باشد، باز هم در مصاف با عمق علمی بهشتی جز اینکه به برتری علمی او اعتراف نماید راه دیگری را عادلانه نمی بیند؟ و ستر این موفقیت ها نیست مگر آن عشق وافر و آن تلاش و پشت کار بی وقفه و رنج فوق العاده ای که امثال بهشتی در طریق تحصیل علم از خود نشان داده و زحمات طاقت فرسا را تحمل می نموده است.

و با همین عشق وافر، بهشتی بزرگ، به مقصد تکمیل مدارج علمی، در حوالی سال ۱۳۳۴ هـ ش راهی نجف اشرف می گردد، و او در حالی عازم حوزه علمیه نجف بود که در این زمان خود عالم بزرگ گردیده و معظم کتابهای درسی سطوح را بوجه احسن و بیان شیوا تدریس می کرد، وقتی وارد حوزه علمیه نجف گردیده کرسی تدریس او در کتابهای مختلف درسی به زودترین فرصت دائر گردیده و در مدتی کمی شهرت درسی اش در میان طلاب نجف گسترش یافت. وی در آنجا به تکمیل تحصیلاتش در سطوح عالیه پرداخت و نیز در حلقه درسهای خارج فقه و اصول آیه الله حکیم و آیه الله سید محمود شاهرودی و آیه الله خویی در آمد و درین درسها حضور کیفی داشت و مخصوصاً در درسهای آیه الله خویی، اغلباً اعتراضات علمی اش را نیز مطرح می کرد که بعضی اوقات پاسخ اعتراض علمی امروز را در جلسه فردا می شنید و یا اینکه قسمت عمده اعتراض علمی اش را در جلسه فردا وارد می دانست اما براساس یک مبنای دیگر غیر از مبنای علمی استاد، که مرحوم بهشتی رحمه الله چندین مورد ازین گونه اعتراضات و گفتگوهای علمی را بطور جزئی و بعنوان خاطره از آیه الله خوئی رحمه الله به نگارنده این سطور حکایت نمود. او در کنار فقه و اصول، دروس عالی حکمت و علم و هیئت و تفسیر را نیز از اساتید بزرگ در نجف اشرف فرا گرفت.

در طی تحصیل درس خارج در نجف خود به تدریس سطوح عالیه مبادرت ورزیده بود البته این کار در پاسخ به تقاضای برخی از فضلا صورت گرفته بود که کرسی تدریس رسائل شان در نجف اشرف، در میان اقران افغانی شان، بی نظیر بوده است، و به روایت عالم ربانی استاد شیخ محمد داد واعظ بندر، از جمله تلامذه

درس رسائل ایشان، آقایان استاد شیخ زکی ورس استاد خلیل پنجاب، استاد تقدسی ترکمنی و برخی دیگر که اینک هر کدام به مقام استادی رسیده‌اند بوده است.

تحصیل و تدریس بهشتی بزرگ در نجف اشرف، بهمین منوال، تا سال ۱۳۴۱ هجری شمسی طول کشیده است، و در سال یاد شده به دنبال درخواست عده‌ای از مؤمنین و صلاح دید مراجع تقلید و اجازات و اختیارات معتبر آنها، از نجف اشرف بوطن برگشت و مشغول تدریس و تبلیغ و نشر احکام اسلام و نیز خدمات ارزنده علمی و اجتماعی گردید.

خدمات علمی، مذهبی و اجتماعی

بر اساس نگرش عمیق و متعهدانه آیه‌الله بهشتی رحمته که در باب «طلب علم» و «تفقه در دین» علم را برای علم و تفقه را برای تفقه، نمی‌خواست و مانند خیلی‌ها در نجف اشرف نرفته بود که تا در آنجا بماند بلکه خود را مسئول هدایت و ارشاد مردم و حفظ دین دانسته و برای علم و تفقه هدفی و رسالتی قائل بود و برای هجرت علمی و تفقه در دین، مرحله دیگری نیز قائل بود و آن رجعت به سوی قوم و انداز آنان و هدایت و ارشاد مردم بوده است لیستفقوها فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهیم لعلهم یحذرون^(۱) و بهشتی بزرگ که خود مصداق بارز العلماء ورثة الانبیاء^(۲) بود به مفهوم ژرف و سازنده آن به معنای واقعی کلمه توجه داشت که عالمان وارثان پیامراند، یعنی در تعهدات و تکالیف انسانی و اجتماعی و دینی پیامبر وارث اویند و جانشین و کسی هستند که باید رسالت پیامبر را در میان قوم برسانند. و او به عمق این مطلب رسیده بود که الفقهاء امناء الرسول^(۳) عالمان دین، امانتداران فرستاده خدایند و امانت همان محتوای رسالت است که در رابطه علم و

تعهد و اقدام، به عالم می‌رسد. و عالم باید در نشر و تبلیغ آن بکوشد، و به هنگام حضور مانع، برای رفع آن قیام کند، چنانچه پیامبر ﷺ قیام کرد، و جباران، قدرتمندان، زورگویان، بهره‌کشان، مرامسازان، فاسدان و مفسدان، همان سنگها و خارهایی هستند که در جامعه می‌رویند و نمی‌گذارند در سرزمین نفوس بشری گل‌های فضیلت و حق و عدل کاشته شود و بروید و باید رفت و آنان را کنار زد.

و از آنجا که بهشتی بزرگ خودش را در قبال حفظ دین و هدایت و ارشاد مردم مسئول می‌دانست، چنانچه در سخنرانی اش در کابل فرمود: «ما موظف هستیم که مکتب اسلام را بطور خالص به نسل‌های آینده خود تحویل دهیم و گرنه مسئول هستیم». فلذا او نمی‌توانست پس از ۸ سال اقامت در نجف اشرف و طی مدارج علیای علمی، باز هم در آنجا بماند و اوضاع نابسامان مردمش و فقر معنوی و مادی آنان را از دور به نظاره بگیرد و یا احیاناً با یک مشت واژه‌های دهن پرکن و حرف زدن و شعار دادن، خود و دیگران را بفریبد و از عمل به مسئولیت خطیر دینی و روحانی شانه خالی نماید! ازین رو، بهشتی بزرگ، پس از اتمام تحصیل و کسب سرمایه عظیم علمی در زمینه‌های ادبیات عرب، فقه، اصول، حکمت هیئت، تفسیر و برخی فنون و علوم دیگر، در سال ۱۳۴۱ هـ ش از نجف اشرف به افغانستان عودت می‌نمایند و از آن تاریخ تا آغاز انقلاب اسلامی افغانستان، بطور مستمر به تبلیغ و تدریس و نشر احکام اسلام و اصلاح و ارشاد مردم می‌پردازند که اینک گوشه‌هایی از خدمات علمی، مذهبی و اجتماعی او را، مرور می‌کنیم:

۱- تدریس:

هر چند کرسی تدریس او در نجف اشرف از رونق بسزایی برخوردار بود اما بعد از افغانستان، یکی از مهمترین حوزه‌های علمیه شیعه درین کشور را تأسیس نموده و آوازه بلند تدریس بهشتی و توانمندی کم نظیر او درین میدان، در سراسر صفحات مرکزی و سائر نواحی افغانستان پیچیده و شهره آفاق گردید.

چنانچه محقق و افغانستان شناس غربی آقای «اولیورروا» در کتاب مهم

«افغانستان، اسلام و نوگرایی سیاسی» آیه الله بهشتی رحمته را یکی از احیاءگران معاصر شیعه در افغانستان دانسته و یکی از سه رکن علمی و مهم شیعه در دهه ۶۰ میلادی به حساب می آورد. نویسنده یاد شده در صفحه ۸۴ کتاب مذکور تحت عنوان: «تجدید حیات مذهب شیعه» مطلبی دارد. او در ابتدا می نویسد:

«تا سالهای دهه ۵۰ میلادی جامعه تشیع افغانستان در انزوای کامل بود، درین دوره جنبش به رهبری بزرگان مذهبی بازگشته از نجف و ایران نظیر پیر سید اسماعیل بلخی (که در زمان نخست وزیری داود زندانی و احتمالاً به قتل رسید) میر علی احمد آقا و آقا میر آقا، این جامعه را از رخوت بدرآورد و جانی تازه بخشید...»

و بعد ادامه می دهد:

«در سالهای ۶۰ میلادی چندین مدرسه علوم دینی از سوی شیعیان در ولایات افتتاح شد و مدارس شهرنوسازی شدند، در هزاره جات سید بهشتی رحمته به افتتاح مدرسه تخت ورس همت می گمارد، این مدرسه محصلان دبیرستانها را نیز در دوره تعطیل دبیرستانها می پذیرد...»^(۱)

در مدرسه سفید سنگگ تخت ورس، جوش و خروش علمی خاصی بوجود می آید و از نواحی ورس، پنجاب، شهرستان، دایکندی، لعل، یکه ولنگ و بعضاً از نواحی ترکستان، طلاب علوم دینی بدانجا سرازیر می شدند و از محضر پر برکت آیه الله بهشتی رحمته کسب فیض می نمودند، بگونه ای که اغلب بزرگان دینی و اساتید و فضلاء افغانی در منطقه و یا حوزه های علمی مشهد و قم و نجف و سوریه و اکثر مسئولان سیاسی - جهادی منطقه، در زمره شاگردان ایشان محسوب می شوند.

۲ - خدمات اجتماعی و مذهبی:

علاوه بر تأسیس مدرسه علمیه تخت ورس و مدرسه علمیه باقریه در سراب که

مرحوم شیخ باقر سرابی، از علمای تحصیل کرده نجف اشرف، آقای را وصی خویش گرفته و به تأسیس آن مدرسه وصیت کرده بود و علاوه بر تدریس مستمر علوم دینی در طی چندین دهه و تربیت شاگردان کثیر، آیه الله بهشتی رحمته، خدمات ارزنده دیگری نیز برای جامعه اسلامی و شیعی افغانستان انجام داد که از اهم آنها ترویج و تبلیغ و تطبیق ارزشها و احکام اسلامی در جامعه و مبارزه با فساد و منکرات رایج در جامعه بوده است، زیرا جامعه آنروز در شرایطی که بهشتی بزرگ از نجف برگشته بود، قطع نظر از شرایط حاکمیت طاغوت مرکزی افغانستان، در وضعیت اسفبار و تاریک و ظلمانی فقر معنوی و مادی بسر می برد و بسیاری از مظاهر جهل و فساد و منکرات و خرافات در جامعه وجود داشت و الحق والانصاف که بهشتی بزرگ نوری بود که درین شرایط ظلمانی درخشید و تا حدود زیادی موانع رشد و هدایت و اصلاح مردم را از سر راه برداشت و محیط نسبتاً مناسب مذهبی و اجتماعی را بوجود آورد و این نبود مگر در اثر زحمات طاقت فرسا و تلاشهای مستمر و بی وقفه وی در جهت رفع و دفع موانع ذهنی و عینی هدایت و ارشاد و اصلاح مؤمنین و بذر ارزشهای والای اسلام در قلبها و نفوس آنان

از جمله خدمات بسیار مهم ایشان حل و فصل دعاوی قضائی و مرافعات مردم بوده است که در چند دهه اخیر معظم الله مصروفیت های اجتماعی شان همین امر عظیم اسلامی و الهی بخود اختصاص می داده است. زیرا در شرایط حاکمیت طاغوت بر افغانستان و وجود قضاوت جور در نواحی مختلف کشور، بر اساس متبوله عمر بن حنظله رضی الله عنه ^(۱) مردم نمی بایست در امر قضاوت به پادشاه وقت با قضاات رسمی حکومت مراجعه کنند و الا به طاغوت متوسل شده، در صورتی که بنا به فرمان الهی باید به طاغوت کفر ورزند. بلکه مردم باید درین شرایط به راوی حدیث ائمه علیهم السلام و عالم به حلال و حرام و عارف به احکام خدا رجوع نمایند. فلذا

مردم صفحات مرکزی افغانستان علاوه بر اینکه در مسائل مهمه به ایشان رجوع می‌کردند، در منازعات حقوقی و مرافعات کیفری عموماً به نزد بهشتی بزرگ مراجعه می‌کردند و این روند ادامه داشت تا آغاز جهاد اسلامی افغانستان بر علیه روسها که در صفحات مرکزی نخستین فتوای جهادی را بهشتی بزرگ سر داده و علم آغازگری جهاد را برافراشت و به اتفاق آراء بعنوان اولین رئیس حکومت جهادی در صفحات مرکز در قلب کشور افغانستان مارکسیستی، انتخاب گردیده و مستقیماً و بلا مانع، اجرای احکام اسلامی را بدوش داشت.

۳- آثار و کتب علمی

گر چند محیط صفحات مرکزی افغانستان، محیط تحقیقات و چاپ و نشر آثار علمی نمی‌توانست باشد بلکه بلحاظ اقتضائات محیط و شرایط اجتماعی بیشتر به محیط ارائه خدمات علمی و مذهبی و اجتماعی، نزدیک است، از این رو، اکثر علمای تحصیل کرده نجف که به آنجا رفته‌اند ناگزیر به ارائه اینگونه خدمات پرداخته‌اند. با وجود این، بهشتی بزرگ، صاحب تألیفات قابل توجهی بوده است که اکثر آنها تاکنون در دست چاپ سپرده نشده است و فقط معدودی از آنها منتشر گردیده است که در اینجا به آنها مروری می‌نمایم.

الف: تقریرات درس خارج فقه آیه الله سید محسن حکیم رحمته الله علیه

ب: تقریرات درس خارج اصول آیه الله خوئی رحمته الله علیه

ج: تقریرات درس خارج فقه آیه الله سید محمود شاهرودی رحمته الله علیه

د: کتابی مستقل در اصول بنام «الارجوزة فی اصول الفقه»

ه: نوشته‌هایی در شرح رسائل و شرح قوانین الاصول

و: شرح حاشیه المنطق ملا عبدالله

ز: نوشته‌ای در شرح حکمت منظومه ملاهادی سبزواری

ح: نوشته‌ای در اصول عقاید امامیه

ط: کتابی در اخلاق و تربیت خانواده که در پاکستان چاپ گردیده است

ی: کتابی به اسم «تجربه و مبارزه» که در پاکستان طبع گردیده است
یا: جزوه‌ها و رساله‌های دیگر مانند «الاعتدال» و غیره که در داخل بصورت
پل کپی در اختیار قرار گرفته است.
لازم به یادآوری است که متأسفانه برخی از دست نوشته‌های ایشان در جریان
حوادث جنگ‌های داخلی ناقص گردیده و یا به جنگ یغما رفته‌اند و اغلب دست
نوشته‌های فعلاً موجود می‌باشند.

فضائل اخلاقی

سخن گفتن از فضائل اخلاقی علامه مجاهد آیه الله بهشتی رحمته الله علیه اولاً، بسیار دشوار
است، زیرا یک مجموعه عینی از فضائل علمی و انسانی و سجایای پسندیده
اخلاقی را در چند صفحه کاغذ به تصویر کشیدن، ممکن نیست، چگونه می‌شود
حقیقت حق شخصیت عرفانی و شهودی و جوهره اصلی فضائل بلند و ملکات
اخلاقی یک انسان بزرگ را کما هو حق ادراک نموده و در صفحات کاغذ آورد؟ و
ثانیاً و در یک ادراک ضعیف و کمرنگی، اگر این مطلب میسر گردد باز هم کتاب قطور
و مستقلى را می‌طلبند و مثنوی هفتاد من کاغذ ناگزیر به اشاره‌ای بسنده کرده و
طالبان حقیقت را به مردمی حواله می‌دهیم که پروانه وار دور شمع وجود بهشتی
بزرگ عاشقانه چرخیدند و فروغ و گرمای این عالم ربانی و این وارث برحق پیامبر را
از نزدیک شهود کردند. آنانکه بهشتی بزرگ نیز در میان آنها زاده شد و در میان آنان
زیست نمود و هجرت و رجعت و خدمت‌اش بخاطر آنان بود و سرانجام هم در
میان آنان از این سرای فانی رخت بر بست و از میان آنان بسوی خدای پرواز نمود.
بهشتی بزرگ مجموعه‌ای بود از حلم و بردباری، صبر و استقامت، مدارا و
مروت، ملائمت و ملاطفت، عزت و مناعت طبع، عفو و گذشت، خیرخواهی و
اخوت، غیرت و حمیت دینی و مذهبی، زهد و پارسایی، تقوی و پرهیزگاری، عفت
و پاکی، اخلاص و توکل و مقام رضای او به قضای الهی، و قار علمی و روحانی
اعتماد به نفس، خلق خوش و معاشرت جذاب، عفت زبان، دل صاف و بی‌کینه،

صداقت و وفاداری، راستی و درستی، تواضع بسیار بالا و فروتنی، ایثار و فداکاری، از خودگذری و مصلحت خواهی، خوش بینی و حسن ظن و حسن نیت نسبت به افراد، روح سالم و شفاف و خالی از عقده، تعصب شدید نسبت به معتقدات دینی و مذهبی، حساسیت شدید نسبت به التقاط و اباحه گری و بدعت گذاری، حساسیت شدید نسبت به پیدایش موجبات تنازع و تفرقه در بین مردم، علاقمندی بسیار شدید نسبت به اتفاق و اتحاد شیعیان و سپس مسلمانان افغانستان، علاقه و ارادات شدید نسبت به خاندان عصمت و اهل بیت طهارت علیهم السلام، علاقه خاص نسبت به وصال و لقای پروردگار متعال (جل جلاله) و دهها اوصاف متعالی دیگری که شرح هر یک درین کوتاه مقال نگنجد و مقام دیگر خواهد و وجود هر کدام برای رشد و تعالی و مبارزه با عوارض و آفات نفسانی رایج در جامعه، از اشد ضرورتها و در حکم توتیای احمر است، مخصوصاً برای برخی از طلاب جوان که در اعماق سیاه چالهای غرور و غفلت و جهالت و عصبیت قرار دارند.

نقش سیاسی و جهادی

پس از کودتای مارکستی عوامل روسها در افغانستان، در برج ثور (اردیبهشت) سال ۱۳۷۵، موقعیت علمای مذهبی افغانستان بدلیل اعتراض و مقاومت علیه بی دینی در مخاطره شدیدی قرار گرفته و بسیاری از علمای طراز اول شیعه و سنی افغانستان در کابل و شهرهای بزرگ دیگر کشور، چون از نظر این سرسپردگان ماتریالیسم دیالکتیک، با حرکت تاریخ در تعارض بودند فلذا می بایست از صفحه تاریخ برداشته می شدند، و از این رو، عده ای از علمای بزرگ ما بوسیله این تازه بدوران رسیدگان ماتریالیست و این ناشیان مارکسیست - لنینیست، گرفتار شدند و اغلب آنها در همان روزهای اول شربت شهادت نوشیدند، و این حرکت ناشیانه مارکسیستها، در تولد احساسات جهادی مردم بر علیه کمونیسم و تکوین نطفه های اولیه جهاد افغانستان، تأثیر بسیار عظیمی داشت.

اما در مناطق اطراف و نواحی مرکزی افغانستان قبل از آنکه مجریان حاکمیت

مارکسیستی، در جهت تداوم پالیسی «محو فیزیکی روحانیت اسلام»، گامی مؤثری بردارد، آتش قیامهای مردمی و اسلامی شعله‌ور می‌گردد، و به رهبری روحانیون منطقه، سیل عظیم انقلاب، مزدوران رژیم را از منطقه جاروب می‌نماید.

که در این میان، در صفحات مرکزی افغانستان، آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله، از بزرگترین علمایی بوده است که علم جهاد را برافراشت و با فرستادن نامه‌های متعدد به علما، موسفیدان و متنفذین سراسر مناطق هزاره‌جات، ارتباط عمومی میان دسته‌جات، و قیامهای پراکنده را برقرار نموده و برای اولین بار هزاره‌جات پراکنده و مشتعل شده را بسوی وحدت و نظم رهبری کرد^(۱). من جمله پس از ۱۲ ثور ۱۳۵۸ که مجاهدین دایکندی ولسوالی پنجاب را از چنگال کمونیستها آزاد کردند و برگشتند و در تاریخ ۱۷ ثور ۱۳۵۸، کمونیستها بصورت بسیار گسترده به مرکز پنجاب یورش بردند و آنجا را مملو از تانک و نفربرهای نظامی ساختند و پیش روی بسوی ورس را آغاز کردند. و مجاهدین با امکانات اندک و ابتدائی و نفرات کم در آستانه فرار بودند و درین شرایط حساس و مآلامال از خطر، آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله مردم را به استقامت دستور داده و به جهاد عمومی فرا خواند و فرمان صادر کرد تا تمام اسلحه غنیمت توزیع شوند و در اثر این تصمیم انقلابی یکعهده از مسلمانان مجاهد و سرشار از ایمان و فداکاری به سنگرها رفتند، و آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله در آن شب با کمال جدیت به تمام افراد و نواحی فرمان صادر کرد و نامه‌ها فرستاد و مردم را به جهاد عمومی دعوت نمود. فردای آن شب آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله بیانیه‌ای مؤثر و انقلابی ایراد فرمود و آنان را دسته دسته و فوج فوج بطرف پنجاب اعزام نمود.

و مردان مجاهد، در حصص^{حصه} نیقول و پای بوم طرف غرب و جنوب پنجاب، چون دره فولادین، از پیشروی کمونیستها جلوگیری بعمل آوردند و چند روزی اعزام مجاهدین از طرف آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله و تزايد مجاهدین دوام کرده و بعد از چند

۱ - درین چند پاراگراف از یادداشتهای محترم سید تقی سجادی با توجه به اینکه با گزارشات شفاهی بسیاری از قوماندان جهادی مطابقت دارد استفاده شده است.

روز خداوند متعال در دل کفار، خوف و رعب و آنان پنداشتند که دور و اطراف شان را مجاهدین احاطه کرده اند لذا با سرافکنندگی و شکست شگفت انگیزی طرف بهسود فرار نموده و در آن سامان متمرکز شدند.

و بعد از واقعه یاد شده آیه الله بهشتی رحمه الله بطرف شهرستان، دایکندی و نواحی ورس نامه های متعددی فرستاده و آنان را به تعقیب فراریون مارکسیست دعوت کردند. که فوج فوج از مناطق شهرستان و غیره آمدند و آیه الله آنانرا بطرف پنجاب اعزام داشتند و برادرش سید میر محمد واعظ را طرف تربلاق فرستاد تا از مجاهدین دایکندی احوال بگیرد و خودش همراه مجاهدین ورس در حالی که بیرق سبز بلند، پیش روی شان در اهتزاز بود طرف پنجاب رفتند و در دهن سیاه دره، مجاهدین چهار ولسوالی شهرستان، ورس، پنجاب و دایکندی تجمع نموده و تحت ریاست آیه الله بهشتی رحمه الله جلسه ای تشکیل دادند و در همان جلسه نمایندگان بهسود آمدند و از آیه الله بهشتی رحمه الله بحیث فرمانده عمومی استمداد نمودند و آیه الله بهشتی رحمه الله عده ای از مجاهدین را از همانجا طرف بهسود اعزام نموده و قسمت از مجاهدین پنجاب و یکه و لنگ را طرف بامیان اعزام نمودند، و در آن مجلس آیه الله بهشتی رحمه الله گفت این اولین جلسه ما است که ما مجاهدین را به طرف بهسود و بامیان اعزام کردیم و جلسه دیگر ما آن وقتی است که نواحی مرکزی ما از لوث وجود رژیم منحوس مارکسیستی پاک شود و ما قدرت حاکمه تشکیل داده و حکومت الله را در سرزمین خود بنگریم، فردای آنروز بیانیه ای مبنی بر الغای فرامین «۶، ۷، ۸» حکومت کمونیست، در بازار پنجاب ایراد فرمودند، و آن روز نخستین روزی تلاش و کوشش برای پی ریزی ساختمان شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان و سر آغاز تعیین سرنوشت مردم صفحات مرکزی شمرده می شد، بعد از فتح بهسود، آیه الله طرف ورس آمده و مجاهدین در یک بسیج وسیع از صفحات مرکزی به طرف بامیان قومانده دادند و محور دیگر فرمانده بسوی کاسی مرکز استان غور بود. بعد از حدود دو ماه اکثر نواحی علاقه داری شنبل، شیخ علی، ترکمن، سرخ و پارسا بدست مجاهدین فتح گردید. و در همین اوقات آیه الله بهشتی رحمه الله نامه هایی به

اطراف فرستادند و بعضی‌ها را ذریعه تلفن خواستند و نمایندگان از یک‌ه و لنگ، پنجاب، لعل و سرچنگل، حصه اول و حصه دوم بهسود، جاغوری، قره‌باغ و جغتو و دایکندی و شهرستان و نمایندگان صفحات شمال، در مرکز ورس آمدند و در تاریخ ۱۵ سنبله (مردادماه) ۱۳۵۸ در ورس، مجلسی با عظمتی منعقد گردید که تاریخ هزاره‌جات نظیر آنها بیاد ندارد. و در این مجلس، شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان، تأسیس و آیة‌الله بهشتی رحمته به اتفاق آراء بعنوان رئیس شورا انتخاب می‌شود.

در نتیجه می‌توان گفت که جلسه یاد شده، بهترین و طبیعی‌ترین مجلس ملی صفحات مرکزی بوده و تشکیل دهندگان آن از خبره‌ترین و بهترین رجال مذهبی، دانشگاهی و اجتماعی هزاره‌جات بوده است و بدون تردید این مجلس تاریخی بهترین و با صلاحیت‌ترین مجلس خبرگان مناطق شیعه‌نشین و صفحات مرکزی افغانستان بوده است، و فضای آن روز جهاد و آن جلسه تاریخی صمیمی‌ترین و سالم‌ترین فضای بوده که تاکنون افغانستان بخود دیده است، هیچ‌گونه فشاری از خارج و داخل بر آن حکمفرما نبوده و فقط مصالح علیای مذهبی و دینی و دفاع از دین و وطن و ناموس مد نظر بوده است، فلذا می‌توان گفت که انتخاب آیة‌الله بهشتی رحمته درین جلسه بحیث رئیس شورا با کمال متانت و از روی دقت انجام شده است. و برخلاف نظر یک‌عده صاحبان غرض این انتخاب یک انتخاب آنی نبوده و کاملاً بر اساس زمینه‌های قبلی و موقعیت عظیم جهادی که آیة‌الله بهشتی رحمته قبلاً بدست آورده است، استوار بوده و درین انتخاب علاوه بر تأثیر شخصیت بی‌مانندی علمی، مذهبی و اجتماعی ایشان، نقش درجه اول‌شان در سازماندهی جهاد و پاکسازی مناطق مرکزی، نیز موثر بوده بلکه تأثیر آن بیشتر بوده است.

وقایع تاریخی مربوط به نقش درجه اول آیة‌الله بهشتی رحمته در پاکسازی مناطق مرکزی افغانستان، از لوث عوامل روسها، و تشکیل شورا که شمه‌ای از آنرا ما درین کوتاه مقاله آوردیم، با این کیفیت، در میان اکثر مردم صفحات مرکزی که هنوز غرض و مرضی نفوس بشری آنرا مسخ نکرده است، آنقدر روشن است که یک محقق

می‌تواند در یک تحقیق جامعه شناسانه، به سادگی، تأیید ۹۰ درصد مردم را احراز کند.

چنانچه در کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر نوشته میر محمد صدیق فرهنگ که بهترین کتاب‌های تاریخی در مورد افغانستان و واقع بین‌ترین آنها می‌باشد، مطالب یاد شده با تکیه بر منابع معتبر، بدین صورت آمده است:

«در هزاره‌جات در مرحله‌ای اول اهالی از اداره حکومت سرباز زده بودند به تشکیل انجمن‌هایی به نام کمیته پرداختند سپس در ماه سپتمبر سال ۱۹۷۹ نمایندگان چهل و دو ناحیه، در ورس اجتماع نموده و شورایی بنام شورای انقلابی اتفاقاً صالایم افغانستان تشکیل دادند که در آن نمایندگان ایماق‌های سنی مذهب ولایت غور هم شرکت داشتند. شورا که از سه عنصر ملاکان، عالمان دینی و جوانان دارای تعلیم عصری تشکیل یافته بود. سید علی بهشتی را بحیث رئیس، حسن ناصری را به حیث دبیر کل و سید حسن جگرن به حیث قوماندان نظامی تعیین کرد، علی‌رغم فقر و عقب ماندگی هزاره‌جات که حتی در افغانستان هم کم نظیر بوده شورا موفق شد تا یکنوع اداره ابتدائی اما منظم را در مناطق مربوطه قائم سازد. خطوط تلفون منطقه به کار افتاد، قواعدی برای جمع‌آوری مالیه و محصول وضع شد و از همه مهمتر خدمت عسکری بر مبنای روایات محلی تنظیم یافت^(۱).

و نیز از جمله نویسندگان و مورخین داخلی ما برادر بسیار منصف و واقع بین ما آقای انجینر علیداد می‌باشد که در کتاب علمی، روشمند و فنی «سیری در هزاره‌جات» چنین نوشته است:

«اولین جرگه سراسری که به اهمیت و نقش تاریخی روحانیون صبحه گذاشت در ۱۵ سنبله ۱۳۵۸ در ورث پایه‌گذاری گردید و آقای سید علی بهشتی یکی از علمای اعلام به مقام ریاست شورا به اتفاق همگانی، برگزیده شد و پس از آن

اداره هزاره جات به دست قشر روحانیون و علمای مذهبی قرار گرفت^(۱).

و نیز همچنین نویسنده در کتاب یاد شده در صفحه ۲۸۳ که ۲۳ تن از شخصیت شهیر و قهرمان روحانی را نام می برد و در رأس آنها آیه الله بهشتی رحمه الله را اینگونه توصیف می نماید:

« ۱ - آیه الله بهشتی از ورث: فاتح ورث و سازمانده اولین وحدت سراسری

مردم تشیع در هزاره جات»^(۲)

علاوه بر نویسندگان و مؤرخین داخلی، یک تعداد از افغانستان شناسان خارجی مانند، «اولیورروا» در کتاب «افغانستان، اسلام و نوگرایی سیاسی» و کتاب «جنگ افغانستان» و آقای آنتونی هایمن در کتاب «افغانستان زیر سلطه شوروی» و آقای «ویلhelm دیتل» در کتاب «گذرگاه افغانستان» و غیره، مطالب مورد نظر را آورده است که ذکر هر یک در اینجا به درازا می کشد.

اما نکته مهمی که می توان نتیجه گیری کرد اینست که با توجه به این روایات مسلم در مورد نقش جهادی بهشتی بزرگ و کیفیت تشکیل شورا، هم حاکمیت شورای اتفاق و هم حکومت آیه الله بهشتی رحمه الله به صفحات مرکزی افغانستان، از دو نوع مشروعیت برخوردار بوده است. ۱ - مشروعیت مردمی، که بهترین خبرگان مردم یکچنین نهاد و یکچنین رئیسی را به اتفاق آراء انتخاب کردند. ۲ - مشروعیت دیگر از ناحیه خود شخصیت کبیر آیه الله بهشتی رحمه الله بوجود آمده است که بمثابه افضل و اصلح اعضای آن جلسه تاریخی هزاره جات، بحیث رئیس انتخاب می شود، و هکذا از این نظر که از جانب با فضلترین و صالح ترین روحانیون مناطق مرکزی که در جلسه حضور داشتند به صفت رئیس برگزیده می شود، و این مشروعیت های یاد شده به شورا و شخص رئیس آن، آنچنان یک حقانت شرعی و مقبولیت عقلانی و سیاسی ایجاد می کند که برای هرگونه حرکت نظامی - سیاسی

۱ - سیری در هزاره جات، انجیر لعلی، صفحه ۱۴۸.

۲ - سیری در هزاره جات، انجیر لعلی، صفحه ۲۸۳.

برهم زننده این تشکیلات و این شخصیت باید در پیشگاه خالق لایزال و مردم و تاریخ، دلائل کافی ارائه کرد و الا در غیر آن وظیفه شرعی و عقلی، حفظ آن بوده است و محکومیت و تقصیر را ناگزیر باید پذیرفت.

و با توجه به این حقانیت و مشروعیت شورا و شخصیت رئیس آن، اگر به جنگهای داخلی که بعداً بوقوع پیوست، نظر افکنیم و آنها را مورد ارزیابی قرار دهیم، عمق مظلومیت او نمودار می‌گردد، زیرا عمق مظلومیت در اینست که یک بزرگی در عین اینکه از نظر مشروعیت کاری و اهلیت و شخصیت، افضل عصر خویش، یا یکی از آنها باشد، ولی با وجود آن، به سبب عوامل خاصی، بعنوان بدترین افراد عصر خویش، در اذهان قالب گردد، مخصوصاً که پس از شکست ظاهری بهشتی علیه السلام، گروههای آشوب کننده، که اغلباً فرزندان شرایط بیرونی هزاره جات بودند، از اکثر شعارهایی که با توسل به آنها به تضعیف شورا و رئیس آن پرداختند، عدول نموده و بلکه فراتر از آن، خودشان چندین برابر آن اتهاماتی را که به طرف می‌بستند، مرتکب گردیدند!

ما در اینجا بخاطر حفظ مصلحت وحدت، به ذکر مظلومیت‌هایی که بهشتی بزرگ در جریان جنگ‌های داخلی کشیده است، نمی‌پردازیم، از سالهای آوارگی او در ناهور و آن گلوله بارانهای بین راه در «برجگی» و آن احوال خاص کودکان، چیزی نمی‌گوئیم و از آن هنگام که بهشتی بزرگ در سال ۱۳۶۳ از ناهور برگشته و در ورس بود و در نزدیکی ماه محرم از طرف مقابل مهلت آتش بس خواست تا مردم عزاداری نمایند ولی آن جواب نامردانه طرف در آن شب کذایی قرائت گردید که ما ترا (بهشتی علیه السلام) از پشت سر ذبح خواهیم کرد، و آن سخنرانی آیه‌الله که یادآور شب عاشورا بود و به یارانش فرمود که شما بروید آنان فقط مرا می‌خواهند و اعلام وفاداری یاران که با اشک‌ها و گریه‌ها از بومان مجاهد آغاز گردیده و همه را فرا گرفت و ... را یاد آوری نمی‌کنیم. و نیز از اسارت اطفال و زنان آیه‌الله بهشتی علیه السلام و منسوبین ایشان و آن تراژدی بزرگ که همه مردم منطقه جزئیات آنرا و پلان گزاران و مجریان آنرا به روشنی به یاد دارند. (که متأسفانه اکثراً از طلاب آیه‌الله بوده‌اند و

اینک اظهار پشیمانی می نمایند) و آن صحنه های تداعی کننده کاروان اسرای کربلا را و... نمی گوئیم و همچون زهر هلاک قورت می دهیم و می گذاریم به روز کاری که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند و به این جنایات رسیدگی شود.

بهر حال بعد از اتمام جنگ داخلی در سال ۱۳۶۸ و درک بعضی واقعیت ها و ضرورت ها و تشکیل حزب وحدت اسلامی، نیز، آیه الله بهشتی رحمته الله صادقانه و بدون توقع به این حزب پیوست و از همه گذشته ها گذشت و همواره حزب و هیئت رهبری آنرا از اندیشه های خیرخواهانه و مصلحانه خویش بهره مند می گردانید، منتهی در اولین وهله ای که به حزب پیوسته بود در بامیان در یک جلسه ای تذکر داده بود که من صادقانه می آیم و هیچگاه تعهدم را نمی شکنم ولی من می دانم که سرانجام هر کدام از شما به سویی خواهد رفت و فقط بهشتی مظلوم می ماند که در این وسط صادقانه طپیده و به وحدت واقعی پایدار خواهد ماند. او در سفر کابل، که استقبال وسیعی از ایشان گردید، در طی سخنرانی اش فرمود:

«اگر وحدت داشتید هم عزت دارید و هم شرافت دارید و هم قدرت دارید و هم حقوق

شما حفظ می شود»

«اینجانب سعادت دنیا و آخرت اهل تشیع افغانستان را در وحدت می دانم»

«اگر مسلمان وحدت را همانگونه که خدا و پیامبرش فرموده حفظ کنند و به تمام قوانین

اسلام عمل نمایند، بر تمام مشکلات غلبه نموده و پیروز خواهند شد»

«ما سرمایه ای داریم که نه شرقی ها دارند، و نه غربی ها و آن وحدت معنوی ما است»

«از همه شما خواهش می کنم که دست اختلاف در بین شما کار نکند»

«ما موظف هستیم که مکتب اسلام را بطور خالص به نسل های آینده خود تحویل دهیم و

گر نه مسئول هستیم»

درود خدا بر تو ای فرزند زهرا علیها السلام که از نسل پاک بودی و پاک و غریبانه زیستی و

پاک و غریبانه غروب کردی.

بخش دوم

روایت هجران

گزارشی فشرده از

مراسم گرامیداشت آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله در داخل و خارج کشور



روایت هجران

گزارشی فشرده از

مراسم گرامیداشت آیه الله بهشتی رحمته در داخل و خارج از کشور

رحلت جانگداز فقیه مجاهد، عالم ربانی و اولین مبشر و مؤذن صبح جهاد در افغانستان، حضرت آیه الله بهشتی رحمته، تأثیرات وسیع و عمیقی بر دلهای مردم مسلمان افغانستان برجای گذاشت، و ملت مسلمان افغانستان و بویژه جامعه تشیع این کشور را (چه در داخل و چه در خارج از کشور) در ماتم و اندوه بزرگ فروبرده و سوگوار نمود. شاید تاریخ افغانستان، ماتم و سوگواری و عزاداری باین عظمت و وسعت مردمی و صداقت و صافی، به خویش ندیده است. میلیونها انسان مسلمان در مناطق مرکزی و سایر نقاط افغانستان غرق در ماتم گردید، میلیونها مهاجر مسلمان و شیعه افغانی در کشورهای دیگر بخصوص در ایران، پاکستان و سوریه و سائر کشورها مراسم عزای بپا داشته و برای تجلیل از مقام شامخ این بزرگمرد علم و جهاد، محافل بزرگ بوجود آوردند. روایت تفصیلی این مجالس که با اطلاعیه ها و اعلامیه های دردآلود مستند شده باشد، خود تدوین کتاب قطوری را می طلبد که باید در فرصت مناسب صورت گرفته و به حافظه تاریخ سپرده شود و اینک تنها فشرده ای از این دلتنگی های امت برای هجران رهبر، را ارائه می نمائیم:

۱- در مناطق مرکزی افغانستان

آیه الله بهشتی رحمته در تاریخ ۱۳۷۵/۷/۱۳، شب جمعه، مقارن سحر، در بیمارستان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در یکاولنگ د عوت حق را لبیک گفته و پرواز پر شکوه روحانی و معنوی خویش را آغاز نمود، با انتشار این خبر تأسف بار، انبوهی از جمعیت در مرکز یکاولنگ هجوم آورده و سراسر بازار و مردم این شهر سیاهپوش گردید، زمانی که پیکر پاک رهبر را می خواستند به سوی زادگاهش، ورس حرکت دهند، مردم یکاولنگ، مسئولین حزب وحدت و عاشقان آیه الله بهشتی رحمته، دلتنگی داشتند که مهمان را در همین جا بگذارید! و سرزمین یکاولنگ را بوجود بقعه این عالم جلیل القدر تشیع، مفتخر نمایید، اما سرانجام بر طبق وصیت آن مرحوم کاروان عظیم حامل جنازه رهبر به سوی پنجاب و ورس به حرکت در آمد در حالیکه دهها کیلومتر تا زادگاهش در تخت ورس، در پیش رو داشت و هزاران نفر مردم عاشق و داغدار مناطق مرکزی در طول راه، حد به حد، تجمع نموده و منتظر ورود کاروان پرشکوه پیکر مراد و مقتدای شان بودند و مردم دلسوخته و نیروهای مسلح از هر جناحی که بودند، شدیداً متأثر بودند و با شدت تمام اشک می ریختند.

کاروان حامل جنازه، پس از چندین ساعت طی طریق، به پنجاب رسید در حالیکه از در و دیوار بازار پنجاب عزا و ماتم می بارید، جمعیت عظیم از مردم و مسئولین جناحهای حزب وحدت در بازار پنجاب تجمع کرده بودند، به اصرار مردم و مسئولین، مدت یک ساعت کاروان در آنجا توقف کرد و مراسم عزاداری و روضه خوانی بعمل آمد که دلتنگی های شدید مردم را در برداشت آنها با صدای

بلند و شور و شکوه وصف ناپذیر برای هجرت روحانی رهبر، در نقطه‌ای گریه می‌کردند که در آغاز جهاد در همان نقطه (پنجاب) فرمان‌های جهادی و سخنرانی سرنوشت‌ساز و تاریخی او را برای تشکیل جهاد در همانجا می‌شنیدند.

کاروان به سوی ورس به حرکت افتاد، اما پس از هر ساعت، نیم ساعت، ده دقیقه‌ای، تجمع مردم در مسیر راه و آبادیها و بازارها، کاروان را متوقف می‌کرد و با باران اشکها و ناله‌ها آنها استقبال مینمود و موتر (ماشین) حامل جنازه را غرق بوسه‌های عاشقانه و مخلصانه خویش می‌نمودند. شب هنگام، کاروان به شهر نو ورس رسید و در آنجا توقف نمود، و صبح روز شنبه ۷۵/۷/۱۴ همراه با جمعیت عظیمی از مردم به سوی «تخت» براه افتاد، و هر قدر به سوی قله‌ها و دره‌های تخت نزدیکتر می‌گردید، تجمع‌های مردم بیشتر و عظیم‌تر در طول راه جلوه‌گر می‌شد، و به کاروان می‌پیوست، زمانی که هزاران عاشق همراه کاروان جنازه از قله‌های «چنبر تخت» به سوی منزل رهبر سرازیر می‌شد، انگار اقیانوسی از انسانهای پاک و مؤمن و داغ‌دیده، به تلاطم در آمده و با شکوه وصف‌ناپذیری، بلندی‌ها، قله‌ها و پشته‌های وسیع خاکی را درمی‌نوردیدند و بسوی دره‌ای نه چندان عمیق سفیدسنگ تخت سرازیر میشد، خدایا! این امواج پر شکوه مردم است یا صحرای محشر است؟! تلاطم پر ابهت اقیانوس است یا طوفان سهمگین صحرا؟ خروش بمانند تندر است یا غرش خشمگین ابرهاست؟ صلابت شگفت‌آور هندوکش و باباست یا تندیس امواج آمودریا است؟

بعد از ظهر روز شنبه کاروان به منزل رسید. آنگونه که رود جیحون از بلندای پامیر به جهیل اورال می‌رسد و آنگونه که هیرمند پس از طی طریق طولانی کوه‌های بابا و پهن‌دشت بکوا به وادی سیستان می‌رسد، هزاران نفر از مناطق مختلف هزاره‌جات به کاروان پیوسته و دهها دسته سینه زنی و نوحه‌خوانی هماهنگ با مردم ناله می‌کردند و در هر تجمعی شعارهایی از قبیل «عزا عزاست امروز بهشتی قهرمان پیش خداست امروز» زمزمه می‌شد، بغضها فرصت یک ثانیه گره خوردن در گلو را نداشت و مردم با صداهای بلند و اشک‌های بی‌امان، عقده‌های گره خورده و

سنگین دل‌شانرا سبک می‌کردند مردم نواحی ورس و تمامی قریه‌های تخت از کوچک و بزرگ و زن و مرد با پرچمها و پلاکارتهای و عکسها و با حالت گریه‌ها و اشک‌های وصف ناپذیر به سوی جایگاه رهبر و منزل او هجوم آورده بودند.

میخواستند بعد از ظهر شنبه ۷۵/۷/۱۴، پیکر پاک رهبر را به خاک بسپارند اما در اثر دثرت تجمع و ازدحام مردم این امر میسر نشد، اعلام کردند که مراسم دفن فردا انجام خواهد شد، ولی باز هم مردم متفرق نشدند و هزاران نفر آن شب را در هوای سرد در کوهها و تپه‌ها بسر بردند و قسمتی از جمعیت به روستاهای نزدیکتر پناه گزیدند و قریه‌های تخت با ایثارگری تمام آنشب از مردم صحرانشین پدیرایی نموده و هرچه در توان داشتند صمیمانه در طبق اخلاص گذاشتند.

صبح روز یکشنبه ۷۵/۷/۱۵، قیامتی دیگر برپا شد و صحرای محشری دیگر به نمایش گذاشته شد، زیرا، علاوه بر جمعیت عظیم روز گذشته جمعیت‌های عظیم دیگری از مناطق دوردست هزاره‌جات مانند لعل و غزنی و دایکندی و اشترلی و شهرستان و بهسود و بامیان و یکاولنگ و پنجاب و غیره نیز سرازیر شدند و تپه‌های سفیدسنگ تخت غرق در طوفان تجمع مردم گردید. شاید هزاره‌جات یکچنین تجمعی را در تاریخ خود ندیده باشد و نیز یکچنین اتفاق و هماهنگی را، که درین روز بیادماندنی، مردم و دسته‌های سیاسی و نظامی، از هر حزبی و هر جناحی و هر منطقه و هر فکر و سلیقه‌ای که بود در یک چیز کاملاً اتفاق داشتند و آن احساس جای خالی بهشتی بزرگ و احساس تجلیل و تمجید از گذشته پرشکوه و نقش او در تاریخ جهاد، و ابراز اندوه و تأثر عمیق و گریه‌های شدید و اشک‌های بی‌امان بود و ... بود.

خداوند! بهشتی مظلوم، عزیز زهرا علیها السلام و محبوب مردم، دستگاههای تبلیغاتی نداشت، کیپهای فیلمبرداری نداشت، گروهها و شبکه‌های حمایت کننده نداشت و ... نداشت. تا این صحنه‌های بی‌نظیر در تاریخ تشیع افغانستان را ضبط نموده و منعکس نماید، اما ای شاهد مطلق! ای ناظر و حاضر! تو می‌دانی و شاهد و حاضر بودی و هستی که در آن روز، بر آن تپه‌ها و دشت‌ها و صحراها، بر قلبهای آن توده

عظیم و خروشان مردم چه گذشت؟

در این روز در طی مراسم سخنرانی، آقایان واعظی سلطان رباط و احمدی تخت و استاد محقق و رسی سخن گفتند و از مقام شامخ آیه الله بهشتی رحمته و خدمات جهادی و اجتماعی و زحمات طاقت فرسای ایشان برای مذهب و ملت تجلیل بعمل آوردند.

در نزدیکی های ساعت دو بعد از ظهر مردم پیکر پادشاه و پیر و مراد و باورشان را با دست خویش به خاک سپردند و با کمال ناامیدی امیدشان را در جوار حوزه علمیه آیه الله بهشتی رحمته و مدرسه ای که سالها در آن به کرسی تدریس نشسته بود دفن نمودند.

و در تاریخ ۷۵/۸/۴ مراسم اربعین آیه الله بهشتی رحمته را در جوار مرقدهش برگزار کردند که در آن محفل عظیم از سراسر هزاره جات و مناطق ورس، پنجاب، یکاولنگ، بامیان، لعل، ساحات ارزگان بهسود و غزنی مردم، نمایندگان احزاب و جناحهای حزب وحدت، علما و نیروهای نظامی، شرکت نموده بودند. مراسم با قرائت قرآن توسط حاج آقای واعظ آغاز گشته و سرود زیبایی توسط شاگردان مکتب شهید مهدوی سراب، در رثای بهشتی بزرگ اجرا گردید، سپس خواهر طاهره خاوری به نمایندگی از خواهران رنج دیده هزاره جات در اطراف شخصیت رهبر و این ضایعه جبران ناپذیر به تفصیل سخن گفت. و متعاقباً شاگردان لیسه تخت در سوگ رهبر مراسم سینه زنی را بعمل آوردند، و سپس پیامهای واصله از سوی شخصیت های علمی و سیاسی و گروه ها و نهادها در داخل و خارج توسط حجة الاسلام بیانی قرائت گردید.

در بخش دیگر آقای مبارز به نمایندگی از حزب وحدت جناح آقای اکبری به ایراد سخن پرداخت وی با اشاره به نقش وحدت آفرینی آیه الله بهشتی رحمته و خیرخواهی و دلسوزی ایشان پیشنهاد نمود که اینک نیز دو جناح باید در جوار مرقده پرچمدار وحدت با هم بنشینند و مشکلات شان را از طریق گفتگو حل و فصل نمایند.

سپس آقای محققزاده به نمایندگی از مرکزیت حزب وحدت در بامیان، سخنرانی نموده و ضمن تشریح ابعاد شخصیت علمی و فقهی آیهالله بهشتی رحمته، به مظلومیت ایشان اشاره نمود و اینکه از جمله مظلومیت‌های او این بود که در وطن خودش و خانه خودش مهاجر گردید و سالها در آوارگی بسربرد و سختی‌های جسمی و روحی بسیار کشید.

مراسم با سخنان و دعای آیهالله محقق لعلی به اتمام رسید. و نیز مراسم متعددی در سراسر هزاره جات در طول چهل روز برگزار گردید که در آن مردم به مرثیه سرایی و روضه خوانی پرداختند.

۲- کابل

در عین اینکه کابل در آنروزها بدست طالبان سقوط کرده بود، شیعیان این شهر در غرب کابل در مسجد بزرگ امام خمینی رحمته، بمناسبت رحلت آیهالله بهشتی رحمته مراسم پرشکوهی را برگزار نمودند که در آن آیهالله تقدسی سخنرانی نمود و از رادیو کابل نیز اعلام گردید.

۳- کویته بلوچستان

مراسم پر شکوهی از جانب تحریک نفاذ فقه جعفریه پاکستان در کویته برگزار گردید و در این محفل حجة الاسلام توسلی مسئول تحریک در بلوچستان سخنرانی نموده و مراسم شبیه آن از طرف حجج اسلام اسدی و اکبری جاغوری و استاد مهدوی و مهاجرین افغانی و شیعیان مقیم کویته بلوچستان تشکیل گردیده و از مقام شامخ و خدمات ارزنده آیهالله بهشتی رحمته تجلیل به عمل آمد.

۴- سوریه

مجلس با شکوهی از طرف حوزه علمیه زینبیه در دمشق به مناسبت رحلت جانشوز آیهالله بهشتی رحمته برگزار گردید که در آن صدها تن از مهاجرین افغانی مقیم

دمشق، علما و فضلا و طلاب افغانی سوریه، آیة الله خادم حسین فاضلی و آیة الله شیخ سلطان فاضل از مدرسین برجسته درس خارج شرکت نموده بودند و سخنران جلسه پیرامون شخصیت والا و نقش جهادی ایشان سخن گفت. و نیز جلسات مشابهی بدین مناسبت از طرف نمایندگی های حزب وحدت اسلامی به ریاست آقای ناصری و حرکت اسلامی و سفارت دولت اسلامی افغانستان در دمشق برگزار گردید.

۵ - قم

در تاریخ ۱۳۷۵/۷/۲۰ محفل بزرگی از سوی بستگان آیة الله بهشتی رحمته الله علیه، علما و طلاب مناطق مرکزی، هیئت عزاداران حسینی در مسجد اعظم، در جوار مرقد کریمه اهل بیت علیهم السلام برگزار گردید. در این محفل پر شکوه و به یادماندنی، نمایندگان مقام معظم رهبری آیة الله خامنه ای، آیة الله ناصر مکارم شیرازی، آیة الله فاضل لنکرانی و نمایندگان سایر مراجع عظام، آیات عظام، فضلا، علما و طلاب و مخصوصاً روحانیت افغانی مقیم حوزه علمیه قم، نمایندگان جناح های حزب وحدت و مسئولین دفاتر، نمایندگی حرکت اسلامی، شخصیت های علمی و فرهنگی و سیاسی و مهاجرین داغ دیده و عاشق بهشتی بزرگ، از شهرهای تهران و حومه کرج، سمنان و سائر جاها، به طور گسترده شرکت نموده بودند، به گونه ای که هر دو شبستان مسجد اعظم و صحن بیرونی آن مملو از جمعیت بود. پلاکارتهای، عکس ها و پوسترها به طور منظم آرایش یافته بود. این مجلس به قدری پر شکوه بود که به جرأت می توان گفت که نظیر این مجلس برای یک شخصیت خارجی در قم و در مسجد اعظم تاکنون برگزار نشده است.

در این محفل پر شکوه سخنور توانا حجة الاسلام والمسلمین میرزایی سخنرانی نمود و آن قدر حال مستمعین مساعد بود و آن قدر بغض ها آماده ترکیدن بود که با اندک اشاره سخنران به مظلومیت های بهشتی بزرگ صدای جمعیت به گریه بلند می شد و شانه های بیش از ده هزار انسان مرید و عاشق و موافق و مخالف به شدت

تکان می خوردند و می گریستند. این مجلس برای بسیاری از شخصیتها و محافل ایرانی عجیب و آگاهی بخش بود. بسیاری از آنها در شگفت بودند که این بهشتی چه کسی بوده است که این گونه قلبهای هزاران انسان برای او عاشقانه و بی آلاش و به دور از تبلیغات های رایج و ریاکاری ها، می طپد؟ و نیز مراسم دیگری از جانب دو جناح حزب وحدت، هیئت عزاداران حسینی، دفتر آیه الله محقق کابلی، برادران امینی و غیره در مساجد بزرگ قم برگزار گردید.

۶- تهران و اطراف

در مراسم و مجالس پر شکوه از طرف مردم با هماهنگی هیئت عزاداران حسینی از لحظه استماع خبر رحلت آیه الله بهشتی رحمته الله تا روز چهارم ایشان، در سراسر شهرهای استان تهران مثل شهر ری، شهریار، رباط کریم، کرج، قوچ حصار، خاتون آباد ورامین، سمنان، شاهرود، فردوس شهریار، هفت جوی کرج و غیره برگزار گردید که کاملاً خودجوش و مردمی و بدون کمترین پشتیبانی و پشتوانه ای انجام می گرفت و تقاضاهای برگزاری محفل یادبود از سوی مردم به حدی بود که به اکثر مناطق و حوزه های متقاضی، تا چهارم رحلت آیه الله بهشتی رحمته الله و بعد از آن نوبت نرسید. در بیشتر این مجالس به سبب درخواست مکرر مردم عالم گرانقدر و خطیب توانا حجة الاسلام آقای میرزایی سخنرانی نمودند.

۷- مشهد مقدس

مهاجرین شهر مشهد مقدس با استماع خبر رحلت آیه الله بهشتی رحمته الله پرچم های سیاه بر سر در خانه ها و منازل شان بستند و به طور خودجوش هر روز قبل از ظهر و بعد از ظهر در مساجد بزرگ گلشهر، ساختمان و غیره گرد آمدند و مراسم عزاداری برپا کردند.

در تاریخ ۱۳۷۵/۷/۱۶ در مسجد صادق الائمه علیه السلام مجلسی برگزار گردید و در آن حجة الاسلام سجادی لعلی پیرامون شخصیت مبارزاتی، علمی و سیاسی آیه الله

بهشتی علیه السلام سخن گفت. و در اخیر حضرت آیه الله محقق گلشهری پیرامون شخصیت بهشتی بزرگی به تفصیل سخن گفت و او را رهبر نیرومندی دانست که با فقدان او ثلمه جبران ناپذیری بر پیکر مردم مظلوم مناطق مرکزی وارد گردید. در این محفل مهاجرین، روحانیون، نهادها و کانونهای فرهنگی به نحو گسترده شرکت کرده و با اندک اشاره آیه الله محقق زلزله ای از گریه و ناله مردم بلند می شد.

در تاریخ ۱۳۷۵/۷/۱۷ مجلسی از سوی هیئت عزاداران حسینی و روحانیت مناطق مرکزی در مسجد صادق الائمه علیه السلام برگزار گردید و پیام های تسلیت توسط حجة الاسلام سجادی لعلی قرائت گردید و سپس حجة الاسلام علوی جنگانی سخنرانی نمود.

در تاریخ ۷۵/۷/۱۸ محفلی در مسجد صادق الائمه علیه السلام بر پا گردید و در آن حجة الاسلام آقای محمد محقق مسئول دفتر حزب وحدت در مشهد، راجع به خدمات علمی و عملی و فرهنگی و جهادی و مبارزات و اهداف و آرمانهای آیه الله بهشتی علیه السلام مبسوطاً سخنرانی نمود.

در تاریخ ۱۳۷۵/۷/۲۰ مجلس بزرگی از سوی دفتر حزب وحدت در مسجد فقیه سبزواری برگزار گردید که در آن اقشار مختلف مردم، روحانیت، شخصیت های علمی و سیاسی و به ویژه آیه الله محسنی رهبر حرکت اسلامی و بازاری ها و نهادها شرکت کرده بودند.

در این محفل ابتدا حجة الاسلام محمد محقق پیرامون شخصیت علمی و اهداف آیه الله بهشتی علیه السلام سخن گفته و در اخیر حضرت آیه الله محقق گلشهری در اطراف ارزش حکومت و رهبری فقهای اسلام شناس، وحدت گروه ها، ویژگی های فقیه اهل بیت حضرت آیه الله بهشتی علیه السلام سخنان گران قیمتی را بیان فرمودند.

در تاریخ ۱۳۷۵/۷/۱۹ در مسجد امام حسین علیه السلام در ده متری ساختمان، مجلس بزرگداشتی از سوی مهاجرین، روحانیت و هیئت حسینی برگزار گردید. در این مجلس آقای اکبری سرپرست طلاب غیرایرانی در مشهد، نمایندگان ارگانهای جمهوری اسلامی ایران، سپاه چهارم انصار، هیئت بررسی حوزه علمیه مشهد،

آیت الله سید محمد علی شیرازی، نمایندگان کنسولگری دولت اسلامی افغانستان و غیره شرکت نموده بودند. و در این جلسه پر شکوه حضرت آیت الله جوهری خراسانی پیرامون شخصیت، ابعاد علمی، جامعیت و موقعیت تاریخی آیت الله بهشتی (ره) مبسوطاً سخنرانی نمود.

بخش سوم

حدیث دلتنگی

بخشی از پیام های تسلیت

شخصیت ها و نهاد های سیاسی و اجتماعی

بمناسبت رحلت آیت الله بهشتی (ره)

پیام تسلیت آیه الله محسنی رهبر حرکت اسلامی افغانستان (اِنَّاللَّهَ وَاَنَا اِلَيْهِ رَاْجِعُوْنَ))

درگذشت اسفناک دانشمند عالی قدر و مجاهد بزرگوار مرحوم مغفور له حضرت آقای بهشتی رضوان الله علیه را به خانواده شریف شان و همه مؤمنین تسلیت می گویم و قیام مردانه ایشان در دفاع از دین مقدس اسلام و حمایت از مسلمین از هجوم کمونیستهای داخلی و خارجی هیچگاه فراموش نسلهای آینده و ما نخواهد شد. خداوند روح این سید جلیل القدر را غریق رحمت فرموده و معظم له را با اجداد طاهرین شان محشور فرماید.

مشهد مقدس محمد آصف محسنی ۷۵/۷/۲۰

پیام تسلیت رئیس شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی اِنَّاللَّهَ وَاَنَا اِلَيْهِ رَاْجِعُوْنَ

باتأثر فراوان و اندوه عمیق رحلت حضرت آیه الله بهشتی عضو شورای عالی نظارت را به اعضای محترم آن شورا، شورای مرکزی، شوراهای ولایتی دفاتر نمایندگی خارج از کشور و اعضای مؤمن حزب وحدت اسلامی افغانستان، علما و طلاب حوزات علمیه، خانواده معظم بویژه خلف صالح آن جناب حاج آقای فکوری عضو محترم شورای مرکزی و تمام دوستان و بستگان فقید سعید تسلیت عرض نموده از خداوند بزرگ استدعا دارم که آن عالم جلیل القدر را در بهشت جایگزین و به خانواده داغدارشان صبر جمیل و اجر جزیل مرحمت و این ضایعه بزرگ را جبران فرماید. بدون شک مرحوم آیه الله بهشتی یکی از استوانه های انقلاب اسلامی افغانستان به شمار می رفت که فقدان او در این مقطع از تاریخ جبران ناپذیر می باشد. باور داریم که فرزند صالح آن فقید سعید جناب آقای فکوری خلافتقدان آن فقیه مجاهد را در حزب وحدت و جامعه اسلامی جبران سازد. والسلام

محمد اکبری - رئیس شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان

پیام تسلیت رئیس شورای نمایندگی حزب وحدت در ایران

بسم الله الرحمن الرحيم
« اِنَّ اللهَ وَاَنَّالیه راجعون »

حضرت آیه الله بهشتی دبیر شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی و یکی از بنیانگذاران انقلاب اسلامی و نهضت مسلحانه در افغانستان و هزارستان بزرگ به ملکوت اعلی پیوست و مردم تشییع و هزارستان را در ماتم نشانند و بدین ترتیب ثلثه ای بزرگ در جهان اسلام و حوزات علمیّه وارد شد. مرحوم بهشتی، فقیه مجاهد، عالم عامل و آگاه به مسائل فقه، اصول، نحو، صرف و علم کلام و دارای مقام شامخ علمی و پایگاه وسیع حوزوی بود. مرحوم بهشتی، شخصیتی بود که عمر گرانبهای خویش را در راه خدمت به اسلام و مسلمین و ترویج احکام اسلامی با دنیایی از خلوص و صداقت صرف نمود. آیه الله بهشتی، چهره سرشناس و شخصیت آشنا به محافل علمی، سیاسی و اجتماعی از معدود شخصیت هایی بود که زندگی در کنار مردم محروم فقیر و مخلص مناطق مرکزی را از زندگی رفاهی در خارج از کشور ترجیح داد. او پس از تحصیل و اندوختن علم و دانش در حوزه علمیّه نجف اشرف با کوله باری از مسئولیت و آگاهی در میان مردم خویش بر اساس مفاد آیه «نفر» برگشت و تا به امروز درخشیده، مردم مخلص و دانش دوست ورس در پرتو خورشید وجود فقیه مخلص و مجاهد نستوه و ارشادات مرحوم بهشتی بود که بعد از کودتای هفت ثور و به قدرت رسیدن تفاله های کمونیست در افغانستان، قیام ملی و اسلامی و نهضت مسلحانه را به منظور دفاع از اسلام و میهن و برخورد با مزدوران اجنبی براه انداختند. مرحوم آیه الله بهشتی، پیشاپیش انقلابیون در این خیزش عمومی همواره به پیش می تاختند و هر روز دست به پیروزی تازه می یافتند. نقش حضرت آیه الله بهشتی در این نهضت مسلحانه و شکست مزدوران اجنبی در نتیجه آزادسازی مناطق مرکزی و در تشکّل و سازماندهی، وحدت و انسجام ملی و مردمی تشییع و هدایت این موج عظیم اسلامی و ملی از هر شخصیت مبارز و انقلابی دیگر در هزارستان برجسته تر و

مهم تر بود. لذا دیری نگذشت که مرحوم بهشتی، در داخل و خارج از کشور به عنوان یکی از رهبران انقلاب اسلامی افغانستان، در محافل سیاسی و نظامی مطرح شد.

بزرگترین خصیصه‌ای که مرحوم بهشتی را از دیگر رهبران ممتاز و جدا می‌سازد، این است که او پس از راه انداختن انقلاب اسلامی و قیام عمومی اسلامی و ملی ملت مسلمان افغانستان همچنان در کنار مردم ماند تا در مصیبت و فشار، فقر و محرومیت، خوشحالی و پیروزی مردم محروم شریک باشند. مرحوم بهشتی، در روزگاری که شعله‌های جنگ داخلی در راستای توطئه‌های استکبار جهانی در خرمن وحدت مردم و سنگرداران فاتح هزارستان روشن شده بود و هر روز جان تعدادی از انسانهای بی‌گناه را در کام خود فرو می‌برد و می‌رفت تا توان نظامی و اقتصادی هزارستان بزرگ را به تحلیل برده و از نظر سیاسی با توجه به جنگهایی کور و بی‌حاصل به انزوا بکشاند؛ در مهار کردن این جنگهای خانمانسوز داخلی و اختلافات سلیقه‌ای همچون دیگر دلسوزان به انقلاب اسلامی و مردم ما نقش بسزا داشت که هیچ کس قادر به انکار آن نیست. او بود که در ایجاد وحدت و همسوئی و بستن درهای جامعه بر روی دشمنان عزت و آرمان تشیع و تشکیل حزب وحدت، دوشادوش دیگر رهبران پیوسته تلاش می‌نمود. نقش آیه‌الله بهشتی در تشکیل و تداوم حزب وحدت و هدایت مداوم مردم تشیع بسوی اهداف و آرمان والای تشیع و مهار کردن هرگونه اختلاف و کشمکشهای داخلی چه در زمان حیات دیگر پرچمداران وحدت: شهید صادقی نیلی و شهید مزاری و چه پس از شهادت شهید استاد مزاری بسیار برجسته و مهم بود.

آیه‌الله بهشتی هرگز به آرمان مردم و وحدت ملی - اسلامی هزارستان پشت نکرد و در جهت تحکیم آن پیوسته گام برمی‌داشت. او در کنار مردم عزت و اقتدار آنان را جستجو می‌کرد و سرانجام در کنار مردم خویش به ملکوت اعلی پیوست. ما این مصیبت عظمی و ثلمه بزرگ را به پیشگاه امام زمان (عج) و مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای و عموم جهان تشیع و حوزات علمیه، شورای

عالی نظارت و شورای مرکزی و دبیرکل حزب وحدت اسلامی استاد خلیلی و
ملت قهرمان و سوگوار هزارستان و خانواده بزرگ آن مرحوم بخصوص برادر
داغدارش جناب آقای واعظ بهشتی تسلیت عرض می‌کنیم. از پیشگاه خداوند علو
درجات و مغفرت برای آن مرحوم و صبر برای خانواده‌اش را خواستاریم.

والسلام

سید عبدالعظیم فاضل حسینی

رئیس شورای نمایندگی حزب وحدت اسلامی افغانستان - تهران

۱۳۷۵/۷/۱۵

پیام تسلیت رئیس شورای نمایندگی حزب وحدت اسلامی

بسمه تعالی

یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی
وادخلی جنتی «قرآن کریم»

روح ملکوتی عالم عامل، فقیه مجاهد، استاد حوزه‌های علمیه، شخصیت
علمی جامعه تشیع افغانستان، اسوه تقوا و فضیلت، یکی از بنیانگزاران جهاد و
مقاومت در مناطق مرکزی افغانستان، حضرت آیه‌الله الحاج سید علی بهشتی به
ملکوت اعلی پیوست. خبر ناگوار درگذشت آن فقیه سعید، جامعه تشیع بویژه
حوزه‌های علمیه و علماء اعلام، ملت مظلوم و مهاجرین داغدار این کشور را در غم
و اندوه فرو برد.

حضرت آیه‌الله بهشتی، عمر گرانمایه خویش را صرف ترویج و تبلیغ احکام و
مذهب پربرکت تشیع نموده و از آغاز کودتای کمونیستی، رهبریست قیام مسلحانه
مناطق مرکزی را بعهده گرفته بود و در این راه لحظه‌ای از پا ننشسته و از جان و مال
خود مایه گذاشت. حزب وحدت اسلامی افغانستان این ضایعه بزرگ را به پیشگاه
حضرت ولی عصر (عج)، مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، حوزه‌های

علمیه، آیات عظام، امت اسلامی و ملت قهرمان افغانستان اعم از علماء، طلاب، مهاجرین، شورای عالی نظارت و مرکزی و نمایندگی های حزب وحدت اسلامی بخصوص بیت آن فقید سعید تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و به بازماندگان ایشان اجر و صبر جزیل خواستاریم.

عبدالحق شفق

رئیس شورای نمایندگی حزب وحدت اسلامی افغانستان

تهران ۱۳۷۵/۷/۱۵

پیام تسلیت استاد سید حسین عالمی

اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

برادر عزیز و گرامی الحاج فکوری یادگار عزیز حضرت آیه الله بهشتی رحمه الله علیه خبر رحلت جانکاه حضرت آیه الله بهشتی پدر مهربان شما و رهبر محبوب تشیع مظلوم افغانستان، اینجانب را سخت متأثر ساخت. وی در شرائط بس حسّاس و خطرناک، پرچم جهاد را به دوش گرفت و در راستای مبارزه با کفر و الحاد و در نهایت با متجاوزین شوروی، مردم را خوب رهبری کرد. رحلت آن بزرگ که متأسفانه مورد قدر ناشناسی قرار گرفت و طوریکه باید، از حضور بابرکت وی استفاده نگردید و به فریادهای مدبرانه و وحدت طلبانه وی گوش فراداده نشد، سرانجام این درّ گران بها و منادی مخلص وحدت در شرائطی از دست ما رفت که مردم ما بوجود او نیاز مبرم داشت.

این ضایعه اسفناک را به جنابعالی، برادر محترم واعظ بهشتی و همه اعضا خانواده این سید فقیه و جلیل القدر تسلیت عرض نموده، برای آن روح بلند از خداوند متعال علو درجات و برای بازماندگان آن مرحوم، اجر و صبر و زندگی باعزت را خواستاریم.

سید حسین عالمی - معاون اول شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی

پیام تسلیت سید هادی رئیس کمیته سیاسی حرکت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم
اِنَّا لله وَاِنَّا اليه راجعون

با کمال تأسّف و تأثر شدید، شب ۱۴ میزان رحلت حضرت آیه الله سید علی بهشتی عضو شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی افغانستان را از طریق رادیو دری مشهد خبر شدیم که بدینوسیله برای بازماندگان و دوستان آن حضرت تسلیت عرض نموده و از خداوند کریم، صبر جمیل برای آنها آرزو نموده و خود را در این مصیبت شریک می دانم.

آیه الله بهشتی، یکی از شخصیت های پرنفوذ جامعه تشیع بود که قبل از انقلاب اسلامی حوزه علمیه داشت و دروس عالی فقه و اصول را تدریس می نمود و در آغاز انقلاب، فرمان جهاد را صادر و خود پیشاپیش، ملت مجاهد هزاره جات علمدار سترگ قیام بود که با آزادی اکثریت ولسوالی های هزاره جات و مجمع نمایندگان تشیع، او را بعنوان رئیس شورا انتخاب نمودند. که مجاهد بزرگوار حضرت آیه الله بهشتی با اراده قوی و پشتیبانی بنی دریغ مناطق مرکزی شورای انقلاب اتفاق اسلامی را در زمان اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق در متن افغانستان هزاره جات تأسیس و بخش های اداری خود را عملاً بعنوان یک دولت فعال ساخته و رهبری جهاد را عهده دار و تا پایان عمر با برکت خویش در خدمت مردم در متن جامعه زندگی را ادامه دادند و سرانجام در کنار ملت مظلوم هزاره جات داعی حق را لبیک گفته و مؤمنین را به سوگ نشانده که بار دیگر بخانواده معظم له و همه اقارب و دوستانش این ضایعه بزرگ را تسلیت عرض می نمایم.

خداوند ایشان را با اجداد اطهارش محشور و عزّت و صبر مزید برای بازماندگانش عنایت فرماید.

سید محمدهادی هادی - رئیس کمیته سیاسی حرکت اسلامی افغانستان

۷۵ / ۷ / ۱۶



پیام تسلیت آیه الله سید محمد محقق مقیم نجف اشرف

بسمه تعالی

ضایعه جبران ناپذیر درگذشت مجاهد بزرگ مرحوم آیه الله بهشتی قدس سرّه الشریف را بر عموم مؤمنین و دوستان بالخصوص محضر آقای سید واعظی و سایر بازماندگان و بیت شریف ایشان و سید عبدالقیوم تسلیت عرض می کنم. خداوند جمیع بازماندگان ایشان را اجر جزیل و صبر جمیل عنایت فرماید و مرحوم را با اجداد طاهرین ایشان محشور نماید.

و السلام

سید محمد محقق

۱۴۱۸ / ۴ ربیع الثانی



پیام رئیس شورای ولایتی جوزجان

اذا مات العالم تلم في الاسلام ثلثة لا يسدّها شيء

با کمال تأثر رحلت فقیه عالیقدر و مجاهد توانمند، زاهد و عارف کم نظیر، حضرت آیه الله سید علی بهشتی، عضو شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی افغانستان را از رادیو شنیدیم که به جوار رحمت حق شتافته، علماء، دانشمندان و مجاهدین و قاطبه ملت را به سوگ خویش نشانید.

آیه الله بهشتی از شخصیت‌های جهادی و علمی نامی کشور بود که در طول زندگی پربار خویش برای ملت رنج فراوان دید خصوصاً پس از فراغت از تحصیل در نجف اشرف و آمدن در وطن و مبارزه با فقر و بی سواد و اربابان زور و زور و تزویر و حکومت ظالم و جابر خاندان آل یحیی که غیر از پشتون را کسی برده هم نمی پنداشت. بعد از آن در دوران اشغال افغانستان یکی از پرچمداران مجاهد و جهادی در کشور بود که در مناطق مرکزی به عنوان محور موقف گرفت. ملت مظلوم شیعه را با کمال اطمینان، با قدرت منطق استوار، با شمول مناطق شمال در

مقابل حکومت کمونیستی خلق و پرچم، اداره و سرپرستی می کرد و مردانه با ایشان مبارزه می نمود که همچنین در ایجاد حزب وحدت اسلامی نقش تعیین کننده داشت و بسیار تلاش نمود و ایثارگرانه با یک دنیای عشق و محبت وارد میدان وحدت شد و تا آخرین لحظات عمر خود در راه وحدت مردم تلاش داشت و می طپید.

این ضایعه بزرگ را محضر مبارک حضرت ولی عصر (عج) و عموم مسئولین دلسوز و مجاهدین غیور کشور و بیت شریف شان تسلیت عرض نموده، برای آن شخصیت بزرگ، علو مقام و برای بازماندگان اخصاً خانواده آن مرحوم صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می نمایم.

والسلام

رئیس شورای ولایتی ولایت جوزجان

سید حسن رضا عادل بلخابی

۱۳۷۵/۷/۱۷



پیام استاد محمّد امیر سرابی

بسمه تعالی

به محضر مبارک روحانیون حوزه ورس مقیم جمهوری اسلامی ایران و هیئت محترم عزاداران حسینی و تمام مهاجرین افغانستان خونبار در جمهوری اسلامی

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نخست رحلت جانگاہ فقیه اہلبیت، رہبر کبیر تشیع در افغانستان، حضرت آية الله العظمی الحاج بهشتی را به محضر بقية الله الاعظم فی الارض مهدی موعود (عج) و تمام شیعیان جهان و شما عاشقان و دوستان آن حضرت تسلیت عرض می کنم.

آری، آن عالم بزرگ در روز جمعه ۶ جمادی الاولی برابر با ۱۳ میزان سال ۱۳۷۵ مصادف با سالروز شهادت جدّه اش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در بیمارستان صلیب سرخ یکاولنگ داعی حق را لبّیک گفت و ما را در غم فقدان خویش قرار داد.
محمد امیر سرابی ۱۳۷۵/۷/۱۷



پیام تسلیت علماء، طلاب و فضلاء صفحات مرکزی افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

اذا مات المؤمن (الفقیه) بکت علیه الملائكة وبقاع الارض التي كان يعبد الله عليها وابواب السماء التي كان يصعد فيها باعماله، وثلث في الاسلام ثلثة لايسدّها شيء لانّ المؤمنين الفقهاء حصون الاسلام كحصن سور المدينة لها امام كاظم عليه السلام

رحلت جانگداز و فقدان دردناک فقیه وارسته و عالم عامل، حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله، که به حق تداعی گر مفاهیم گرانسنگ و والا قدر «عالم ربّانی» «مؤمن فقیه» و مصداق بارز آنها و بزرگ مجاهد همیشه در صحنه و زجرکشیده انقلاب اسلامی و آغازگر جهاد مسلحانه بر علیه روسها در صفحات مرکزی و مؤسّس و رئیس اولین حکومت موقت اسلامی، در قلب حاکمیت رژیم مارکیستی و یکی از اکابر علمای امامیه اثنی عشریه در افغانستان بود، رابه پیشگاه حضرت ولی عصر (عج) و مراجع عظام و حوزات علمیّه و مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای مدّظله و عموم مسلمانان و شیعیان جهان اخصّاً مهاجرین مقیم جمهوری اسلامی مخصوصاً خانواده مکرم شان، تسلیت عرض نموده و از خداوند (ج) برای آن فقید علو درجات و برای بازماندگان و عموم مؤمنین طلب اجر و صبر می نمائیم.

علماء، فضلاء و طلاب مناطق مرکز افغانستان



پیام تسلیت هیأت عزاداران حسینی پایگاه مرکزی

به اطلاع اُمّت مسلمان و مهاجر افغانستان می‌رساند که روح بلند و ملکوتی فقیه مجاهد، مؤسس دولت موقت، پرچمدار جهاد مسلمانان علیه روسها، بنیانگذار وحدت تشیع، شخصیت بزرگ علمی، سیاسی، معنوی، حضرت آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله رئیس شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی افغانستان، که مدت ۱۷ سال ملت تشیع را در سخت‌ترین شرایط هدایت و رهبری نمود و تا آخرین لحظه حیات پربار خویش، عرصه‌های جهاد و مبارزه و ملت مظلوم را ترک ننمود و بعنوان یک محور قوی و مطمئن برای یکپارچگی و وحدت اُمّت اسلامی و تداوم جهاد لحظه‌ای درنگ نداشته که در روز جمعه ۷۵/۷/۱۳ در افغانستان به ملکوت اعلی پیوسته است.

هیئت عزاداران حسینی، این مصیبت و ضایعه عظمی را به پویشگاه مقدس ولی عصر (عج) و مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای و بیت معظم شان و برادر ارجمند آن فقید سعید جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا واعظ بهشتی و حوزات علمیّه، علماء و طلاب و نیروهای هیئت عزاداران حسینی و عموم مسلمانان و مهاجر تسلیت عرض می‌نمائیم.

بهمین مناسبت مراسم‌های عزاداری از سوی هیئت عزاداران حسینی و مهاجرین متعاقباً در تهران و حومه و قم و سایر شهرستانها از سوی ستاد برگزاری مراسم عزاداری که بهمین مناسبت تشکیل شده به اطلاع عموم برادران و خواهران مهاجر خواهد رسید.

هیئت عزاداران حسینی



پیام مسئول دفتر نمایندگی حزب وحدت اسلامی مشهد

اذا مات العالم تلم في الاسلام ثلثة لايسدّها شيء

با کمال تأسف شدید، مطلع شدیم که فقیه مجاهد و عالم خدمتگزار، «حضرت آیه‌الله بهشتی» عضو محترم شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی

افغانستان، بجوار حق شتافته و ملت مسلمان و مجاهدین قهرمان افغانستان را در سوگ خویش عزادار نمود.

حضرت آیه الله بهشتی، یکی از شخصیت‌های بزرگ سیاسی و مذهبی کشور، سالها در سنگر تبلیغ و تدریس، برای رشد و شکوفائی فرهنگ اصیل اسلام و معارف اهل البیت علیهم السلام، خدمت نموده و در دوران جهاد حق طلبانه و انقلاب اسلامی افغانستان، بعنوان محور و مرکز مهم مبارزه، در مناطق مرکزی و پس از پیروزی مجاهدین، برای تشکیل حکومت اسلامی فراگیر، در قالب احزاب جهادی و اسلامی و ملیت‌های مسلمان افغانستان، مردم مظلوم و داغ‌دیده ما را هدایت و رهبری نمود.

حضرت آیه الله بهشتی در دوران زندگی پربرکت خویش برای ایجاد وحدت و هماهنگی مجاهدین و مقابله با توطئه‌های دشمنان اسلام، نقش بارز و مهمی ایفاء کرده و با تلاش پیگیر و همکاری شخصیت‌های سیاسی و جهادی کشور، حزب وحدت اسلامی افغانستان را پایه‌گذاری نمود و یقیناً در شرایط بسیار حسّاس حاکم بر افغانستان، رحلت اندوهبار وی، ضربه بزرگ، در روند مبارزات حق طلبانه ملت قهرمان ما محسوب می‌شود.

دفتر نمایندگی حزب وحدت اسلامی در مشهد مقدّس، این ضایعه بزرگ را به پیشگاه ولی عصر (عج) و مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای و حوزات علمیه، بالخصوص مردم مسلمان و رنج‌دیده افغانستان، اعضای محترم شورای عالی نظارت و مرکزی و سایر مسئولین و مجاهدین حزب وحدت اسلامی افغانستان، بویژه بیت شریف‌شان تسلیت عرض نموده و برای آن شخصیت بزرگ و فقیه مجاهد علوّ درجات و برای بازماندگان اخصاً خانواده آن بزرگوار صبر و اجر از خداوند مسئلت داریم.

والسلام مسئول دفتر نمایندگی مشهد

محمد محقق



پیام انجمن فرهنگی شهید حقجو

بسمه تعالی

انا لله و انا اليه راجعون

روح اعلی و ملکوتی عالم ربّانی، فقیه مجاهد و عالیقدر، استاد حوزات علمیّه، شخصیت علمی جامعه تشیّع، چهره بارز فضیلت و انسانیت و یکی از بنیانگذاران جهاد و مقاومت در مناطق هزارستان، حضرت آیه الله الحاج سید علی بهشتی رحمته الله رئیس محترم شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی افغانستان به ملکوت اعلی پیوست. خبر جانگداز رحلت آن فقید سعید، علماء و حوزات علمیّه، مجاهدین و مهاجرین مظلوم افغانستان را داغدار نموده و در غم و اندوه فرو برد.

حضرت آیه الله بهشتی عمر پربرکت خویش را صرف ترویج و تبلیغ احکام مذهبی جامعه تشیّع نموده و از آغاز کودتای ننگین کمونیستی رهبری قیام مسلحانه مناطق هزارستان را تا چندین سال به عهده داشت و در این راه لحظه ای از پاننشسته؛ فداکاری و ایثارگری فراوانی نمود.

اعضاء و همکاران انجمن فرهنگی شهید مصطفی حقجو این ضایعه بزرگ را به پیشگاه ولی عصر (عج)، مراجع عظام، دبیرکل حزب وحدت اسلامی، اعضای محترم شورای عالی نظارت و مرکزی، مدافعان و سنگرداران حریم حریت و آزادی (در هزارستان) و سایر نقاط افغانستان، بویژه به بیت آن فقید سعید تسلیت عرض نموده، غفران الهی را برای آن مرحوم آرزو و به بستگان ایشان اجر جزیل و صبر جمیل خواستارم.

انجمن فرهنگی شهید مصطفی حقجو



پیام هیئت عزاداران حسینی مشهد

انا لله و انا اليه راجعون

برادر خردمند، فرزند خلف، و یار همیشه رازدار رهبر فقید، عظیم الشان حضرت آیه الله المجاهد بهشتی رحمته الله و باقی اعضای بیت آن بزرگوار و فرماندهان و

نیروهای مسلح جهادی، شورای محترم مرکزی و شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی افغانستان، اخضاً حجة الاسلام والمسلمین حاج محقق ورسی، ملت مؤمن و وفادار ورس، و تمامی مناطق مرکزی صفحات شمال، مردم دربند کابل و....

با سلام و درود و درد آکنده از عمق قلوب شکسته و داغدار، این مصیبت عظمی ارتحال جانکاه و نابهنگام حضرت آیه الله بهشتی رحمته، آغازگر انقلاب اسلامی، اولین مؤسس حکومت موقت اسلامی در افغانستان، مناطق مرکزی، را به شما تسلیت گفته، برای آن بزرگوار غفران و رضوان الهی و برای رهروان واقعی رهبر و اعضای بیت آن عزیز تازه سفر پاداش، خوبی دنیوی و اخروی را مسئلت می نمایم.

والسلام

هیأت عزاداران حسینی

۱- پایگاه

۲- ساختمان ده متری

۳- خط سیمان قرقی

۴- اردوگاه تربت جام

۵- پایگاه شهید لم لم



پیام تسلیت به حاج آقای واعظی بهشتی

بسمه تعالی

حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای واعظی بهشتی برادر رهبری دامت تأییداته

با کمال تأثر فراوان، ارتحال جانکاه فقیه اهل بیت، حضرت آیه الله المجاهد بهشتی رحمته آغازگر انقلاب اسلامی افغانستان، و اولین مؤسس حکومت موقت اسلامی را بجناب عالی و سایر همکاران تان تسلیت گفته، برای آن بزرگوار غفران الهی

و برای حضرتعالی در برابر این ضایعه جبران ناپذیر و ثلمه عظیم، اجر و مزد بی شماری را از پیشگاه امام زمان (عج) مسئلت داریم.

والسلام

هیأت عزاداران حسینی (مشهد)

مؤسسه فرهنگی تحقیقی آیه الله بهشتی رحمته

روحانیت مناطق مرکزی افغانستان



پیام تسلیت مجمع فرهنگی بقیه الله (عج)

بسم الله الرحمن الرحيم

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ينتظر و ما بذلوا تبديلا

من سعادت دنیا و آخرت ملت افغانستان را در وحدت آنان می بینم.

حضرت آیه الله بهشتی رحمته

در تاریخ بشریت ابرمردان تاریخ ساز و بزرگی بوده اند که صفحات تاریخ را درخشان و نورانی نموده اند و الگو و نمونه برای جوامع بشری بوده و سرنوشت جامعه را به سوی سعادت رقم زده اند که رفتار و عملکرد آنان مایه عزت و سرافرازی و سازندگی ملتها بوده اند که نام شان به زیبایی و اقتدار ملّی در تاریخ ثبت شده است. مرحوم حضرت آیه الله بهشتی رحمته بحق از مصادیق اکمل آنان بود که با تأسف و تأثر فراوان ضایعه بس بزرگ و جانگداز رحلت رهبر مستضعفین و بنیانگذار انقلاب اسلامی در افغانستان، عالم عامل، حضرت آیه الله علامه حاج سید علی بهشتی رحمته را بساحت مقدّس بقیه الله الاعظم، ولی امر مسلمین جهان حضرت آیه الله العظمی خامنه ای «دام ظلّه»، ملّت مظلوم و ستم دیده تشییع افغانستان و برادر بزرگوارش جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج آقای واعظ بهشتی تسلیت عرض می نمایم. مجمع فرهنگی بقیه الله (عج) پیمان می بندد با

روح مطهر آن سید فرزانه از سلاله پاک فاطمه اطهر که راه تو را که راه آزادی و حاکی از قهرمانی های ملت مظلوم افغانستان است، ادامه دهیم و خواهان حکومت صد درصد اسلامی در افغانستان هستیم.

دشمنان انقلاب اسلامی بدانند که با رفتن امثال بهشتی انقلاب ما متوقف نخواهد شد و پرچم سرسبز «لا اله الا الله» را در سرتاسر افغانستان برپا خواهیم کرد.

والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مجمع فرهنگی بقیة الله (عج) ۷۵/۷/۲۵



پیام دفتر حزب وحدت (ستاد تبلیغات قم)

بسمه تعالی

اذا مات العالم الفقیه ثلم فی الاسلام ثلثة لایسدّها شیء

با کمال تأثر و تأسف مطلع شدیم عالم وارسته، مجاهد خستگی ناپذیر حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه عضو شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی افغانستان در اثر ناراحتی و مریضی که داشته است روز جمعه ۷۵/۷/۱۳ در بیمارستان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در یکشنبه و ننگ به ملکوت اعلی پیوسته است.

حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه از آن نادر فرزندگان مملکت ما بود که مانند شمع سوخت تا جامعه اسلامی اش را روشنی ببخشد، او با تمام وجود، خودش را وقف ارشاد و هدایت مردم و پیشبرد اهداف الهی و جهاد مقدس مردمش علیه اشغالگران و کمونیستها نموده بود.

حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه با تمامی مظلومیتهای، همیشه منادی انسجام و وحدت جامعه شیعی کشور بود. بعد از تشکیل حزب وحدت اسلامی، این فقیه مجاهد در بالاترین مرکز و جایگاه قانونی و تصمیم گیری حزب، ریاست شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی قرار گرفت.

این فقید سعید تمام سعی و تلاشش را برای استمرار و تداوم وحدت اسلامی بکار بست و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزید. اما اینک ضایعه فقدانش ثلمه جبران ناپذیری بر پیکر رنج‌دیده جامعه اسلامی ما وارد ساخته است. ملت مسلمان مخصوصاً شیعیان مظلوم افغانستان را در سوگ و ماتم نشانده است. حزب وحدت اسلامی دفتر قم و شورای روحانیت این مصیبت عظمی را به ساحت مقدس بقیه الله الاعظم امام زمان (عج)، نایب برحقش ولی امر مسلمین حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی، مراجع عظام تقلید، حوزه‌های علمیه، شورای عالی نظارت و مرکزی حزب وحدت اسلامی و عموم مجاهدین و ملت ستمدیده افغانستان، مخصوصاً خانواده محترم و بازماندگان عزیز آن مرحوم تسلیت عرض می‌نمائیم.

دفتر حزب وحدت اسلامی (ستاد تبلیغات قم) و شورای روحانیت

۷۵/۷/۱۶



پیام هیئت عزاداران حسینی (بخش خواهران)

با درگذشت آیه الله بهشتی رحمه الله، افغانستان، یک انقلابی آزاده و تاریخ ساز و عالم اسلام، رهبری بی نظیر را از دست داد که با زندگی پرافتخارش، موجب بیداری تشیع در افغانستان و عظمت اسلام ناب محمدی گشت، بهشتی بزرگ نمونه واقعی و مصداق کامل یک رهبر اسلامی بود و بیانات ایشان در بعد مذهبی، سیاسی، اجتماعی و عقیدتی می‌تواند ما را با جهان بینی یک رهبر اسلامی آشنا سازد و آیه الله بهشتی نخستین کسی بودند که بعنوان پشتوانه محکم مردمی در برابر منافقین و متجاوزین ایستادند و مردم را به مبارزه تحریک نمودند و تمام تلاشها و فعالیتهای هیئت عزاداران حسینی در راستای رهنمودهای این بزرگوار بوده است و ما بر خود واجب می‌دانیم که خط و مشی این بزرگوار را ادامه دهیم و همچنین

حکومت اسلامی یک تکلیف الهی است که بر دوش افراد واجد شرائط نهاده می شود و باید که بوسیله مردم تعیین و معرفی می شود و هر فرد این حکومت موظف است که برای تحقق اهداف جامعه خود تلاش نماید و در صورت عدم انجام این وظیفه، در برابر خداوند مسئول و باید سنجگو باشد. یکی از راههای رسیدن به آرمانهایمان، انتخاب راهبری واجد شرایط می باشد و ما نیز بعد از بهشتی بزرگ، یکی از نزدیکان رازدار ایشان حجة الاسلام والمسلمین واعظ بهشتی مسئول کل هیئت عزاداران حسینی و آقای فکوری را می پذیریم و سعی می کنیم که بر این خط و هدف خود تا پای جان و حیات خویش استوار باشیم و از نثار جان و مال خویش در رسیدن به آرمانهایمان دریغ نمی ورزیم.

هیأت عزاداران حسینی بخش خواهران.



پیام تسلیت کتابخانه شهدای بغلان

بسمه تعالی

اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

با کمال تأثر و تأسف مطلع شدیم عالم مجاهد حضرت آیه الله بهشتی رحمه الله علیه عضو شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی افغانستان روز جمعه ۱۳۷۵/۷/۱۳ در بیمارستان یکاولنگ دار فانی را وداع گفته و به لقاء الله شتافته است.

این عالم فرزانه، یکی از بنیانگذاران انقلاب اسلامی علیه متجاوزین و رژیم کمونیستی وقت در افغانستان بود. او که با تمام وجود، خودش را وقف مردم اسلام نموده بود با تأسی به اجداد طاهرینش، مصدر خدمات ارزنده ای در جامعه اسلامی افغانستان گردید.

حضرت آیه الله بهشتی رحمه الله علیه مصالح علیای اسلام و مردم را بر تمامی منافع شخصی مقدم می داشت. نقش این عالم جلیل القدر در کلیه مراحل حزب

وحدت اسلامی سازنده بود و می‌کوشید از مسائل اختلافی جلوگیری نماید. حضرت آیه‌الله بهشتی رحمه‌الله علیه بارها تنقیر و انزجار عمیق خویش را از تفرقه و اختلاف بوجود آمده میان شیعیان کشور، ابراز نموده و بویژه این شخصیت والامقام معتقد بود از اختلافات نیروهای جهادی، مشتی انسانهای منحرف و عقده‌ای بهره‌مند شده و در مقابل همه جهادیون متضرر و ضعیف می‌گردند. اما اینک این عالم ربانی با همه دلسوزیها و فداکاریها و جهاد مقدس چندین ساله به آرامش ابدی رسید و قلب میلیونها انسان دردمند کشور اسلامی ما در ماتم فقدان ایشان خونبار گردیده است.

مسئولین کتابخانه شهدای ولایت بغلان، ضایعه جبران‌ناپذیر ارتحال ملکوتی حضرت آیه‌الله بهشتی رحمه‌الله علیه را به پیشگاه مقدس ولی عصر (عج)، مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای، مراجع عظام تقلید، حوزه‌های علمیه، شورای عالی نظارت و مرکزی حزب وحدت اسلامی و همه مجاهدین مهاجرین مردم مسلمان و به سوگ نشسته، مخصوصاً بیت عظیم و رفیع ایشان و سایر بازماندگان تسلیت عرض می‌نماید.

کتابخانه شهدای ولایت بغلان پلخمری



پیام تسلیت طلاب مدرسه علمیه چهارده معصوم علیه السلام

بسمه تعالی

اذا مات العالم تلم في الاسلام ثلثة لایسدھا شیء

در این برهه حساس از تاریخ خونبار ملت محروم و ستم‌کشیده افغانستان، اخصاً جامعه تشیع که با تندبادهای بی‌عدالتی، تبعیض، انحصار، جنگ و نفاق داخلی در نبرد است؛ یکی از استوانه‌های اصلی وحدت جامعه تشیع و از پیشگامان نهضت اسلامی در مناطق مرکزی و یکی از بنیانگذاران حزب وحدت اسلامی افغانستان و از یاران باوفای مکتب خونین علوی، حضرت آیه‌الله سید علی بهشتی دعوت حق را لبیک گفت، و ملت رنج‌دیده ما را در ماتمی عمیق فرونشاند.

باری، مردم رنج‌دیده ما یکی از صدیق‌ترین حامیان و مخلص‌ترین رهبران نهضت اسلامی خود را از دست داد.

نهضتی که با اهدای خون بیش از یک میلیون شهید و هفتاد درصد ویرانی و حوادث و فجایع بیشمار دیگر که به دست ما رسید. ما طلاب مدرسه علمیه چهارده معصوم علیهم‌السلام این ضایعه اسفناک را به محضر صاحب‌الزمان «عج» و مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی و بیت شریف معظم له و حضرت آیه‌الله‌العظمی محقق کابلی (دام ظلّه)، آیات عظام، علمای اعلام، مراجع تقلید، حوزات علمیه و نهضت‌های آزادیبخش اسلامی در سراسر جهان و شما ملت داغدار تسلیت عرض می‌کنیم. و علو درجات این عالم اندیشمند را از خداوند باری‌تعالی خواستاریم.

طلاب مدرسه علمیه چهارده معصوم علیهم‌السلام



پیام تسلیت انجمن اسلامی جوانان افغانستان

بسمه تعالی

یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی
وادخلی جنتی «قرآن کریم»

روح ملکوتی عالم عامل، فقیه مجاهد، استاد حوزه‌های علمیه، شخصیت علمی جامعه تشیع و یکی از بنیانگذاران حزب وحدت اسلامی افغانستان، اسوه تقوا و فضیلت و یکی از بنیانگذاران جهاد و مقاومت در مناطق مرکزی افغانستان، حضرت آیه‌الله الحاج سید علی بهشتی رحمته‌الله به ملکوت اعلی پیوست.

خبر ناگوار درگذشت آن فقیه سعید جامعه تشیع بویژه حوزه‌های علمیه و علماء اعلام، ملت مظلوم و مهاجرین داغدار این کشور را در غم و اندوه فروبرد.
حضرت آیه‌الله بهشتی عمر گرانبه‌ای خویش را صرف ترویج و تبلیغ احکام و مذهب پربرکت تشیع نمود و از آغاز کودتای کمونیستی، رهبری قیام مسلحانه

مناطق مرکزی را بعهده گرفته بود و در این راه لحظه‌ای از پاننشسته و از جان و مال خود مایه گذاشت.

انجمن اسلامی جوانان افغانستان، یکی از حوزه‌های حزب وحدت اسلامی، این ضایعه بزرگ را به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج) و مقام معظم رهبری آیه الله العظمی خامنه‌ای، حضرت آیه الله العظمی محقق کابلی و حوزه‌های علمیه، آیات عظام و ائمه اسلامی و ملت قهرمان افغانستان اعم از علماء و طلاب و مهاجرین و انجمن اسلامی جوانان افغانستان و حوزه‌های مربوطه حزب وحدت اسلامی بخصوص بیت آن فقید سعید تسلیم عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و برای بازماندگان ایشان بالاخص برادر آن مرحوم حاج آقای واعظ بهشتی اجر جزیل خواستاریم.

بخش روابط عمومی انجمن اسلامی جوانان افغانستان



پیام تسلیت کتابخانه ولی عصر (عج) پنجاب

یا ایته النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه

مجاهد مردان و شیفتگان بخدمت و عاشقان به دین و دیانت و وحدت در پرتو ولایت و معنویت در جهت نیل باهدف والای انسانیت دائماً در سیر و حرکتند. فقیه مجاهد و نستوه حضرت آیه الله بهشتی عضو محترم شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی افغانستان بحق یکی از این چهره‌ها بود که با کمال تأثر و تأسف با عروج ملکوتی اش جهان تشیع و ملت شهیدپرور ما را بسوگ نشاند.

اعضای کتابخانه ولی عصر (عج) مربوط پنجاب این مصیبت عظمی و ضایعه بزرگ را به پیشگاه مقدس آقا ولی عصر ارواحنا له الفداء و ملت قهرمان و غیور افغانستان مخصوصاً ریاست محترم شورای مرکزی حضرت حجة الاسلام و المسلمین استاد اکبری و اعضای شورای محترم عالی نظارت و مرکزی حزب وحدت اسلامی و بیت معظم و سایر بستگان فقید قدس سره الشریف تسلیت

عرض نموده و ابراز همدردی می نماید، یادش گرامی و راهش پررهرو باد.
 بامید پیروزی حق بر باطل و نور بر ظلمت
 کتابخانه ولی عصر (عج) پنجاب ۷۵/۷/۱۵
 * * *

پیام تسلیت اعضای کتابخانه عمومی بصیرت

انا لله و انا الیه راجعون
 «قرآن کریم»
 با کمال تأسف و تأثر اطلاع حاصل شد که مصلح صالح، فقیه مجاهد، حضرت
 آیه الله بهشتی عضو محترم شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی افغانستان
 روز جمعه ۱۳۷۵/۷/۱۳ دار فانی را وداع گفته و تشنگان صلح و صمیمیت را
 سوگوار نمود.

اعضای کتابخانه عمومی بصیرت - خارج از کشور - ضمن تقدیر شایان از
 زحمات اصلاح گرانه این عالم خدمتگذار، درگذشت تأسف بار و تأثرانگیزشان را
 به پیشگاه مقدس امام زمان (عج)، ملت مسلمان افغانستان اعضای محترم شورای
 عالی نظارت و مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان، خصوصاً خانواده مکرم
 ایشان تسلیت عرض می نمایند.

اعضای کتابخانه عمومی بصیرت - خارج از کشور

* * *

پیام تسلیت کتابخانه استاد علامه ورسی

انا لله و انا الیه راجعون

رحلت تأسفبار حضرت آیه الله بهشتی، در این شرائط حساس که ملت مظلوم
 افغانستان بیش از گذشته، نیاز به چنین شخصیتهای خدمتگذار دارد. ضایعه بزرگ
 به شمار می آید.

فقدان این عالم ربانی را به پیشگاه حضرت امام زمان (عج)، حوزات علمیه،

ملت مظلوم افغانستان، شورای محترم عالی نظارت و مرکزی حزب وحدت به
خصوص خانواده داغدار ایشان تسلیت عرض می نمایم.

کتابخانه استاد علامه ورسی



پیام تسلیت دفتر حرکت اسلامی مشهد مقدس

بسمه تعالی

ارتحال جانسوز مجاهد مرد دانشمند، حضرت آیه الله بهشتی ضایعه جبران ناپذیر
برای ملت افغانستان و شیعیان جهان بود.

دفتر حرکت اسلامی افغانستان مشهد مقدس این مصیبت جگرگداز را به
خانواده معظم شان و برای ملت رشید افغانستان بویژه به مقام معظم رهبری،
مراجع عظام، حوزه های علمیه و حضرت آیه الله العظمی محسنی و مسئولین
محترم حزب وحدت اسلامی و حرکت اسلامی تسلیت گفته، برای آن مرحوم
درجات عالیه و برای فامیل محترم و سنگرداران اجر عظیم آرزومندیم.

امید داریم که حق جویان با خدمات ارزنده و صلح جویانه راه عظمت آفرین شان
را ادامه دهند.

حرکت اسلامی دفتر مشهد مقدس



پیام تشکریه هیئت حسینی - پایگاه مرکزی

بسمه تعالی

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

چهل روز از غروب جانکاه خورشید پرفروغ علم و جهاد، طلایه دار قیام و
مقاومت بر علیه روسها و اولین منادی حق و عدالت و وحدت و مؤسس حکومت
موقت اسلامی در متن حاکمیت رژیم مارکسیستی، علامه مجاهد، فقید سعید

آیه الله بهشتی رحمه الله گذشت و در طی این مدت در فراق آن رهبر محبوب و آن پرچمدار سفرکرده، هزاران تن از عاشقان، مریدان، پیروان و ملت شریف اشک هجران با دیده و خون گریه کردند و چه در داخل کشور و چه در خارج، در قالب محافل و مجالس پرشکوه و با عظمت، احساسات عاشقانه خویش را به نمایش گذاشتند و یاد آن بزرگ پرچمدار تاریخ معاصر افغانستان را گرامی داشتند.

هیئت عزاداران حسینی - پایگاه مرکزی لازم می داند به نوبه خویش از کلیه برادران و خواهران پایگاههای هیئت مستقر در تهران و اطراف، قم، مشهد، و کلیه نهادهای سیاسی، اجتماعی، صنفی، مذهبی، دفاتر حزب وحدت اسلامی، نمایندگیهای حزب وحدت، علماء، فضلاء، طلاب، دانشجویان، دانش آموزان، کلیه اقشار مختلف مهاجرین و ملت داغدار و عموم برادران و خواهران و همچنین از کلیه نهادهای جمهوری اسلامی ایران، وزارت کشور، اداره امور اتباع، استانداری تهران و فرمانداریهای تابعه و استانداریهای قم، خراسان، سمنان، نیروهای انتظامی و سائر نهادهای دست اندرکار بخصوص فرمانداری محترم شهرری و امام جمعه محترم آن و هیئت امناء و خدام مسجد خاتم النبیین. که در این محافل پرشکوه حضور بهم رسانیده و در برپائی آنها سهم گرفته و به نحوی با ما همکاری و همدردی داشتند، تشکر نموده و مراتب سپاس و امتنان خویش را ابراز می داریم و از خداوند بزرگ برای همگان طلب اجر می نمائیم و از او می خواهیم تا ما را در تداوم راه و آرمان مقدس بهشتی بزرگ استمرار داشته و در تعقیب خط مشی سیاسی خیرخواهانه و وحدت طلبانه او و پیروی از صفات پسندیده و سجایای حمیده اخلاقی و معنوی آن زاهد پارسا و آن عارف وارسته، موفق بدارد و روح آن بزرگ مرد تاریخ را از ما راضی و شاد گرداند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

هیئت عزاداران مهاجرین حسینی پایگاه مرکزی - شهرری ۱۳۷۵/۸/۲۵



پیام تشکریه حجة الاسلام و المسلمین واعظ بهشتی

بسم الله الرحمن الرحيم

فقدان عالم ربّانی و مجاهد بزرگ حضرت آية الله بهشتی، اندوه در قلوب مجاهدان، مؤمنان و حق جویان، مخلصان، دلسوختگان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام گذاشت. از تمامی حضرات و سرورانی که در برگزاری مراسم بزرگداشت و تجلیل از رحلت فقیه اهل بیت علیهم السلام زحمات و تلاشهای زیادی که در این چهل روز بطور گسترده و مستمر متحمل شدند و حضراتی که با شرکت در مراسمها، ارگانهائی که با ارسال پیام، اینجانب و خانواده معظمه را مورد لطف و عنایت قرار دادند، کمال تشکر و قدردانی می شود.

گر چه تمامی تشکرات اینجانب، در برابر این سیل عظیم عواطف و بزرگواریها عاجز است ولیکن از درگاه پروردگار امید اجر و پاداش دارم؛ مخصوصاً از حضور نماینده محترم مقام معظم رهبری حضرت آية الله العظمی خامنه ای، نمایندگان حضرات آیات عظام آية الله وحید خراسانی، آية الله جواد تبریزی، آية الله مشکینی، آية الله ناصر مکارم شیرازی، آية الله سید محمد شیرازی در مراسم بزرگداشت و هفتمین روز درگذشت آغازگر جهاد مسلحانه و مؤسس حکومت موقت اسلامی، رهبر فقید ملت غیور و قهرمان افغانستان شرکت نمودند و هکذا مراسم تجلیل که توسط حضرت آية الله محقق کابلی و همچنین توسط نمایندگی های هر دو جناح حزب وحدت و نیروها و پایگاههای هیئت عزاداران حسینی تهران، پایگاه مرکزی شهرری، قوچ حصار و ده خیر شهرری، خاتون آباد ورامین، دمنز آباد ورامین، شهر آباد شهریار، هفت جوی شهریار، صادقیه و فردوس شهریار، رباط کریم شهریار، مشهد مقدس، قم، اصفهان، سرخه و سمنان، شاهرود، دلیجان، کاشان و سایر شهرستانها و همچنین پیامهائی که تاکنون واصل گردیده است از سوی آية الله محسنی، حجة الاسلام محمد اکبری و استاد عبدالحق شفق و حجج اسلام سید عبدالعظیم فاضل حسینی و آقای سید حیدری و آقای محمد محقق و آقای سید هادی مسئول کمیسیون سیاسی حرکت اسلامی و دفتر نمایندگی حرکت اسلامی مشهد

مقدس و هیئت‌های عزاداران حسینی تهران و حومه، قم، مشهد، علماء و روحانیون مناطق مرکزی، علماء و روحانیت و مهاجرین یکه‌ولنگ مقیم مشهد مقدس، روحانیت و مهاجرین مناطق مرکزی بامیان، رئیس شورای ولایت جوزجان، شورای روحانیت ولایات افغانستان، فرماندهان و مسئولین و پرسنل یگان ویژه، بخش فرهنگی یگان ویژه، مسئولین سیاسی یگان ویژه، کتابخانه ولی عصر (عج) پنجاب، کتابخانه عمومی بصیرت. خارج از کشور، کتابخانه استاد علامه ورسی و همچنین ارگانها و ادارات ذیربط جمهوری اسلامی که به نحوی در برگزاری مراسمها با ما همکاری لازم را داشته: وزرات کشور، امور اتباع خارجی، استانداریها، فرمانداریها، نیروهای انتظامی و هیئت امنای مساجد و سخنرانان که در مراسمها از شخصیت علامه مجاهد و فقیه بزرگوار و نقش جهادی و مبارزاتی و علمی و معنوی معظم‌له تجلیل بعمل آورده سخن گفتند، مداحان، مقاله‌خوانان، شعراء، گروههای سرود، عکاسان، فیلمبرداران و انتظامات اعم از برادران و خواهران مجدداً تشکر و قدردانی بعمل می‌آورم و از برادران ستاد برگزاری مراسم عزاداری در تهران، قم، مشهد مقدس، آقایان حجج اسلام ناطقی مسئول ستاد و اعضای آن در تهران، آقای سید عبدالحمید امینی و حسینی لیگان و اعضای‌شان در قم و آقای سید تقی سجادی و اعضای‌شان در مشهد مقدس اخصاً تشکر و قدردانی از زحمات و تلاشهای مستمر آنان در مدت چهل روز می‌نمایم.

دعاگوی شما واعظ بهشتی

والسلام علیکم ورحمة الله



پیام تشکریه حاج فکوری بهشتی

بسمه تعالی

نَا الله وَاَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

مهاجرین عزیز افغانی و برادران هیئت حسینی مقیم جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

چهل روز از رحلت جانگداز فقیه مجاهد، حضرت آیه الله بهشتی قدس سره می گذرد. مردم در هزاره جات در این مدت عزادار بوده، جلسات گروهی از رحلت این عالم ربانی تاکنون در بعض مناطق برگزار است. از همدردی شما ملت شریف که در حال دوری از کشور و مهاجرت قرار دارید، توسط ارسال پیام ها و بیاداشتن مراسم در جمهوری اسلامی ایران انجام دادید، وسیله از شما تقدیر و سپاس و تشکر دارم.

خداوند برای آن عزیز از دست رفته و فقید سعید علو درجات و برای ما و شما توفیق ادامه راه و خط آنحضرت و عنایت فرماید.

والسلام

۱۳۷۵/۸/۲۸ فکوری



بخش چهارم

فریادهای تلخ

گزیده سخنرانیهای انجام شده در مراسم آیت الله بهشتی (ره)



فریادهای تلخ

گزیده سخنرانیهای انجام شده در مراسم آیه الله بهشتی

در مراسم رحلت آیه الله بهشتی دهها مجلس و محفل چه در داخل کشور و چه در کشورهای دیگر بویژه در جمهوری اسلامی ایران برگزار گردید که در این محافل باشکوه، دهها تن از شخصیت‌های علمی و مذهبی و سیاسی سخنرانی نمودند. ما نوار سخنرانی بسیاری از این شخصیت‌ها را در هنگام تنظیم این یادواره، در دست نداشتیم؛ مانند نوارهای داخل کشور و همچنین نوارهای سخنرانی حاج آقای جوادی بهسودی، آیه الله محقق گلشهری، دکتر معصومی، آیه الله اسلامی شهرستانی، آیه الله شیخزاده غزنوی، آیه الله بلخابی و سائر سروران محترم، و از میان نوارهایی که در دسترس مان قرار گرفته بود، بخاطر محدودی که در مقدمه بخش مصاحبه‌ها اشاره گردیده؛ ناگزیر به گزینش و تلخیص گردیدیم، لذا از استاید محترم پوزش می‌طلبیم و مطلع این بخش را با سخنرانی بیادماندنی و دلسوزانه آیه الله بهشتی در کابل، در میان جمعیت عظیم استقبال کنندگان، در سال ۱۳۷۳، مزین می‌نمائیم.

توصیه‌های جاودان

سخنرانی آیه‌الله بهشتی

در میان جمعیت عظیم استقبال‌کنندگان در کابل سال ۱۳۷۳

بسم الله الرحمن الرحيم

حسبنا الله ونعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير فبعد قال رسول الله ﷺ : المؤمنون كالنفس الواحدة «صلوات»

از استقبال علماء و روحانیون و دانشجویان و ملت و قومندانان با صداقت و اطفال و از کارهایشان، از اظهار محبت همه، یک جهان تشکر دارم. بسیار خوشحال شدم که ملت ما وحدت دارد. تمام آرزوی ما وحدت شماس. این دفعه که خدمت شما آمده‌ام، در حالی که مریض هم هستم، برای این است که وحدت را همه ما انشاء الله باید تقویت نمائیم. ما تمام مسلمانان جهان یک سرمایه بسیار بزرگ داریم که آن سرمایه را نه شرقی‌ها دارند و نه غربی‌ها دارند و آن سرمایه وحدت معنوی است، وحدت اسلامی است، اخوت دینی است، اخوت و برادری دینی است. این سرمایه را غیر مسلمانان دیگر کسانی در جهان ندارند. وحدت آنها مادی است، یهودی‌ها، مسیحی‌ها و الحادیون.

خلاصه دیگران، شرق و غرب، همه وحدتشان مادی است، غرق در مادیات‌اند، اما مسلمانان، وحدتشان، وحدت معنوی، یعنی وحدت اسلامی، اخوت و برادری دینی، از این بالاتر عرض کنم، وحدت ملکوتی، وحدت ماورائی، وحدتی که از ماوراء طبیعت آمده، وحدت لاهوتی، این یک نعمت بسیار بزرگ

است، برای تمام مسلمانان جهان. اگر مسلمانان همین وحدت را همان طوری که هست، همان طوری که خدا فرموده است و پیغمبر فرموده است، حفظ کنند؛ به پیروزی کامل می‌رسند، در هر میدانی که باشند، مسلمانان پیروز می‌شوند، همین وحدت بود، شما اطلاع دارید در آغاز جهاد ما مسلمانان افغانستان که در مقابل مارکسیست‌ها قیام کردیم، ما را کی تحریک کرد؟ کی باعث شد؟ انقلاب ما را کی سرکار کرد؟ اراده خدا، همین وحدت ما بود و همین وحدت اسلامی، همین عقیده اسلامی، همین وحدت ماورائی، ما را به حرکت درآورد، از شرق و غرب و شمال و جنوب افغانستان و از قلب افغانستان همه ما برادروار، همه ما یک هدف، یک مقصود، همه برای دفاع از اسلام، حرکت کردیم فقط و فقط وحدت ما. همین وحدت ملکوتی بود که ما جهاد کردیم، انقلاب کردیم،... انقلاب ما، انقلاب اسلامی بود، چقدر پیشرفت کردیم، سیزده سال جهاد کردیم، جهاد با افتخار معنوی کردیم، با هم محبت داشتیم، آن وقت فرقی نبود، تو هزاره هستی، تاجیک هستی، پشتون هستی، از یک هستی، همه برادر بودیم، حالا هم برادر هستیم، همه، همه با همدیگر همکار بودیم، باور بکنید!

یک قصه صحبت کنم، در آغاز جهاد برادران سمت شمال هشت نفر از برادران سمت شمال آمدند نزد ما در ورس، ما تشکیلاتی داشتیم، گفت: این تشکیلات شما برای ما آب حیات است، ازدو جهت: اول اینکه: ما نزدیک شوروی هستیم با اطمینان خاطر، با قلب آرام می‌جنگیم در مقابل شوروی، اما آنگاه که فشار آمد، زن و اطفال را در هزاره‌جات می‌فرستیم، هزاره‌جات امنیّت است، بشکل دولت موقت اداره می‌شود. دوم اینکه: هزاره‌جات یک معبر مطمئن برای انتقال مهمات ما و خود ما از جنوب به شمال است. همینکه در هزاره‌جات، در خاک هزاره‌جات وارد شویم، نه تنها ما را اذیت نمی‌کنند، بلکه به ما احترام قائل می‌شوند، اگر الاغ بخواهیم، برایمان الاغ تهیه می‌کنند، اگر موتر بخواهیم، برایمان موتر تهیه می‌کنند. از هزاره‌جات با کمال امنیّت گذر می‌کنیم و همین‌طور اظهار محبت و مودّت و دوستی بین ما بودند چونکه انقلاب ما، انقلاب اسلامی بود و هست. ما هر کس که

مسلمان است در افغانستان، همه همکار بودیم، برادر بودیم و هستیم و هر کس که نبود با ما، با فرقه بود، با شوروی بود، ولو که پسر ما باشد، خدای نکرده، یا گوشه جگر ما باشد، او دشمن ما بود و مقابل ما، لذا با آن وحدت ملکوتی، جهاد پرافتخار معنوی کردیم، شوروی را شکست دادیم، خدا شکست داد.

افتخار معنوی بزرگ، برای مسلمانان افغانستان آمد که برای نسل نسل ما و شما افتخار است این، به واسطه وحدت ما بود، ولی متأسفانه، صد تأسف که این جهاد با این عظمت، امروز باید که به پیروزی رسیده بود. یک حکومت اسلامی به معنای واقعی کلمه در صحنه سرکار می شد، وقتی پیروزی را شنیدیم و خیلی خوشحال شدم، یک مخابره به مراکز جهادی زدم، در کابل که می روید، کاری نکنید که مردم یاد از مارکسیست ها کنند. باز هم نشستیم و آرزوی من، وحدت بود، وحدت را می خواستم. من دیگر برای مقام، برای چوکی خودم جهاد نکردم.

برادرانی من می رود حقوق خود را بگیرد. چهار ملکیت است در افغانستان، این چهار ملکیت افغانستان را تشکیل داد و حق هیچ کدام را نمی تواند پوشیده بگیرد انسان، اگر پوشیده بگیرد، بسیار گناه کرده است و بجایی هم نمی رسد. روی هم رفته، همین بود که کم کم بعضی از جنگها، سرکار شد. تعصبها آمد تا امروز هم تعصب است، خدا کند که مسلمانان افغانستان، اینهایی که جنگ می کنند، متوجه شوند، بیدار شوند، یعنی دست از این جنگهای بی معنا بردارند، ولی شما برادران که متوجه هستید انشاء الله، تا کسی به شما تجاوز نکرده، شما انشاء الله هیچ وقتی در این جنگها اشتراک نمی کنید و بی طرفی را اختیار می کنید. از این موضع گیری بسیار تقدیر می کنم. شما به هیچ وجه به این جنگهای بی معنا اشتراک نکنید و از همه، همین تقاضا را دارم و من هم چند روزی انشاء الله خدمت شما هستم و در مسائل وحدت با کوچک و بزرگ شما صحبت می کنیم و این وحدت را به هیچ وجه ما و شما از دست نباید بدهیم. حضرت پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: المؤمنون كالنفس الواحدة مؤمنان مثل یک جان، چقدر تعبیر جامع نموده است. مؤمنان همه یک جان دارند، یک روح دارند، بله، افرادی که همه مؤمن هستند، همه عقیده به

عقاید حقّه دارند، عقاید حقّه آسمانی، یک روح دارند. یک جان دارند و لو بدن‌ها متعدّد است ولی جان یک است، روح یک است. لذا برادرانم، عزیزانم، از بزرگان و کوچک، از همه، این کوچک شما، این کوچک شما، خواهش می‌کنم که در بین شما دست اختلاف کار نکند، دست اختلاف کار نکند (تکبیر حضار) تا که بتوانید، تا که بتوانید، وحدت خود را تقویت بدهید و برادری خود را انشاالله تقویت بدهید. این وحدت را چون سرمایه ای بسازید. اگر وحدت را همیشه در نظر بگیریم و به قوانین اسلامی عمل بکنیم، پیروز هستیم. دیگر از این زیاده نمی‌خواهم شما را تکلیف بدهم، چونکه شما خسته شدید، من هم مریض هستم. «دعا»

تجسم ارزشهای قرآنی

سخنرانی خطیب توانا

حجة الاسلام والمسلمین آقای میرزائی

... مجلسی است بسیار عظیم و باشکوه، جهت تجلیل از مقام شامخ علمی و جهادی فقیه فرزانه، مدرّس توانا و عالم عامل و سیاسی بسیار زرنگ و کیّس، حضرت آیة الله سیّد علی بهشتی رحمته الله بمناسبت هفتم اش در حوزه علمیّه قم، مسجد اعظم، دارالتعلیم، جوار کریمه اهل بیت، پایگاه مذهبی و سیاسی اسلام، از طرف جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج واعظ بهشتی، برادران مرحوم، و بقیّه منسوبین، و جمع از علماء و فضلاء و محصلین افغانی مقیم قم و هیئت عزاداران حسینی برگزار شده است.

بجاست در آغاز سخن، از کلیه عزیزان و دوستان و چهره‌های درخشان هجرت و نمایندگان محترم حضرات آیات عظام، اخصاً نماینده محترم مقام معظم رهبری حضرت آیة الله موسوی که محبت کردند محفل و مجلس ما را زینت داده و بر شکوه آن افزودند، اظهار تشکر و قدردانی بعمل می‌آید. متعاقباً مصیبت وارده را به حوزه‌های علمیّه تشیع، نه تنها، بلکه حوزه‌های علمیّه جهان اسلام و مراجع تقلید و مخصوصاً مقام معظم رهبری، و شما روحانیت عزیز و شما مهاجرین مظلوم و مخصوصاً برادر بزرگوارش تسلیت می‌گویم. سخن گفتن در اینگونه مجالس، اگرچه مدّعیان زیادی دارد، ممکن است خیلی از انسانها خیال کند و یا بگوید که من می‌توانم از عهده چنین مجلسی با وجود علمای بزرگ، اندیشمندان و

متفکران، در رابطه با شخصیت الحاج سید علی بهشتی رحمته الله علیه بر می آیم، ولی به حق این کاری است بسیار مشکل.

در طول ۲۲ سال که عرض ارادت به ساحت قدس ائمه و اهل بیت علیهم السلام و مداحی خاندان پیغمبر را به عهده دارم و افتخار نوکری آن درگاه را دارم، بحق و حقیقت دو مطلب و درد مورد برایم بسیار سنگین تمام شد:

۱- آن زمانی که علماء و فضلاء و طلاب افغانستانی مقیم قم بمناسبت رحلت مرجع بزرگوار تقلید حضرت آیه الله حاج سید محمدرضا گلپایگانی رحمه الله علیه مجلس تعظیم و تجلیل برگزار کرده بودند و به حقیر دستور داده بودند که در آن مجلس سخن بگویم.

۲- امروز که دستور یافتم در این مجلس سخن بگویم در رابطه با شخصیت هیچ کس و از جمله شخصیت ارزنده و والای آیه الله بهشتی رحمته الله علیه کسی نمی تواند سخن بگوید مگر اینکه ملاکها و معیارهای ارزشی و شخصیت و انسانهایی همانند این بزرگ مرد تاریخ ساز را از قرآن و سنت استفاده کنند، همین باصطلاح علمی ما باید کبریات مسلم ملاک ارزشی را از کتاب و سنت بدست بیاوریم و آنگاه صغری را و تطبیق کبریات مسلم بر صغریات قهری خواهد بود.

آنگاه که انسان در برابر دانشگاه با عظمت قرآن قرار می گیرد، قرآن ملاکهای شخصیت و ارزش را برای انسان معرفی می کند:

یکی از ملاکهای ارزشی، ایمان بخداوند و مؤمن بودن انسان است. *افمن کان مؤمناً کمّن کان فاسقاً لا یستوون*^(۱) آیا آنکس که بخدا ایمان آورده در (قیامت) مانند کسی است که کافر بوده است؟ هرگز مؤمن و کافر یکسان نخواهد بود.

ملاک دیگر ارزشی از نظر قرآن همین است *قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون*^(۲) بگو ای رسول خداوند، آنانکه اهل دانش اند با مردم جاهل یکسانند؟ که عالم از نظر قرآن، عالم شیمی و فیزیک است یا نه؟ باید حدیث

پیغمبر معنی بکند که مراد از علم و عالم از نظر قرآن چه کسی و چه علمی می باشد؟

طیب بودن ملاک ارزشی است از نظر قرآن قل لایستوی الخبیث و الطیب و لو اعجبک کثرة الخبیث^(۱) بگو ای پیامبر هرگز مردم پاک و ناپاک یکسان نخواهند بود، هرچند در جهان بسیاری پلیدان شما را بشگفت آرد.

ملاک دیگر ارزشی انسان نورانی بودن انسان است از نظر اسلام ام هل تستوی الظلمات و النور^(۲) آیا تاریکی ظلمات بت پرستی با نورانیت خداپرستی یکسان است؟ در زندگی نامه مرحوم آیه الله بهشتی رحمه الله خوانده شد که او نور بود که عرض می نمایم او نورانیت مهرفت خدا را داشت.

مجاهد بودن در راه خداوند ملاک ارزشی است فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرأ عظیماً^(۳) خداوند مجاهدان را برنشستگان به اجر و ثواب بزرگ برتری داده است.

اشاره اجمالی بود به بعضی از ملاکهای ارزشی شخصیت انسان از نظر قرآن. و الان بیائید ببینیم آیا مرحوم سید علی بهشتی رحمه الله مصادیق برای این کبریات مسلم می تواند باشد یا نه؟

باز هم می رویم سراغ قرآن، ادعاها زیاد است، هرکس خود را سلمان قلمداد می کند، هرکس اگر خجالت نکشد، خود را علی بن ابی طالب علیه السلام قلمداد می کند و خود را مؤمن قلمداد می کند، اما ببینیم آثار ایمان را دارد یا ندارد و آثار ایمان از نظر قرآن چیست؟ قرآن می فرماید: انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایماناً و علی ربهم یتوکلون^(۴) مؤمنان آنها هستند که چون ذکر از خدا شود، دلهاشان لرزان و ترسان شود، و چون آیات خدا را بر آنها تلاوت شود، بر ایمان شان بیفزاید و در هر کار بخدای خود توکل کنند. ای مهاجرانی که

۲ - سوره رعد، آیه ۱۶.

۱ - سوره مائده، آیه ۱۰۰.

۴ - سوره انفال آیه ۲.

نساء مشهوره از آیه ۹۵.

در کنار مرحوم سید علی بهشتی رحمته بودید، شما را به خدا قسم می‌دهم که گزاف نگوئید، آیا هنگام تلاوت قرآن مقدّس شاهد گریه‌های فراوان ایشان بودید یا نه؟ (گریه حضار)

یکی از خصوصیات مؤمن از نظر این آیه قرآن این است که تکیه‌گاهش خداوند است، نه این قدرت و نه آن قدرت، نه شرق و نه غرب، اگر تکیه‌گاه خدا بود، می‌شود کالجبل الراسخ لا تحزّ که العواصف می‌شود مانند کوه ثابت و استوار، تندباد حوادث بر او اثر نمی‌گذارد، در طول نزدیک به بیست سال در کشور ما چه گذشت؟ چه ترفندها، چه تهدیدها و چه تطمیع‌ها و کارخانه‌های ژنرال سازی، قاضی سازی، حاکم سازی بوجود آمد، اما هر چه این بادها از گوشه و کنار وزیدن گرفت، بر ثبات و استقامت سید ما افزود.

یکی از خصوصیات مؤمن، امانت‌داری و نشکستن عهد و پیمان است: سیاسیون دست‌اندرکار مسئله انقلاب اسلامی افغانستان از سال ۱۳۵۸ تا امروز یک مورد بیایند ادعا کنند، ادعای‌شان را به اثبات برسانند که سید با ما، در فلان مورد تعهد کرد اما عهدش را شکست. یک مورد بیایند ادعا کنند آنگاه ادعایش را با برهان به کرسی اثبات برساند. سید بزرگوار، جلیل‌القدر، عالم عامل، عالم وارسته با ما، در فلان مورد تعهد کرد اما نقض عهد کرد. پس اگر او در رابطه با امانت‌الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون مصداق و صغرای این آیه شریفه است، اگر او جزء مصداق حدیث شریف و گرانقدر المؤمن کالجبل الراسخ لا تحزّ که العواصف است. اگر او مصداق آیه شریفه انما المؤمنین الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایماناً است، پس به حقیقت کبرای مسلم افن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لایستوون به او تطبیق می‌کند. او مؤمنی است برجسته، مؤمنی است وارسته، این فضیلت در او وجود دارد.

اما اینکه سید علی بهشتی نورانیّت را دارد یا ندارد؟

اساتید دقت می‌فرمایند، در قرآن کریم یازده مورد کلمه نور در برابر ظلمت قرار گرفته، بعد از تدبّر روشن می‌شود که کلمه نور در همه این موارد مفرد آمده است و

در مقابل ظلمات جمع (با الف و تاء) آمده است، شاید ملهم به این معنی باشد که راه حق و طریق مستقیم و راه نورانیت و نورانی شدن فقط یکی است و آن راهی که راهنمایان آن راه رسول خدا و اهل بیت هستند. آیا بهشتی نورانی بود یا نه؟ بدلیل این مطلب را به اثبات می‌رسانم که او نورانی بود و دلیل این است که آنگاه که خصوصیت اول را با استفاده از قرآن و سنت با ذکر خصوصیات اثبات کردم که سید مؤمن بود، بهشتی مؤمن خود مصداق کبرای کلی دیگر قرآن قرار می‌گیرد که الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الى النور آنگاه که انسان مؤمن را خداوند از ظلمات خارج می‌کند، در کجا وارد می‌کند؟ در نور.

و دلیل دوم بر اثبات مدعای من این است که سید بهشتی از نسل حسین بن علی علیه السلام و حسین علیه السلام فرزند بانوی نورانی جهان بشریت فاطمه زهرا، صدیقه کبری علیها السلام است که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله در رابطه با او فرموده است: خلق الله الفاطمة من نور عظمته.

گاهی سخنانی از افراد شنیده می‌شد در رابطه با آگاهی و علم سید همانند آنچه را که از مرحوم شهید سید شهاب‌الدین حسینی رحمته الله می‌شنیدم و یا از دیگران ولی باورم نمی‌شد همانند یکعه که در داخل و یا خارج کشور الان هستند، سرمایه علمی ندارد ولی به کمتر از آیه‌اللهی قناعت ندارند، می‌پنداشتم ولی آنگاه که بحضور مبارک ایشان رسیدم، مهاجرین! در کجا خدمت او رسیدم و کجا را می‌گویم؟ در مسجد نمناک و ویرانه و خرابه با یک تعداد خرابه‌نشین در عالم هجرت (گریه شدید حضار) گفتم، ببینم شنیده‌هایی داشتم که سید ملا هست و عالم هست و چقدر از علم و آگاهی بهره‌مند است؟ بالاخره برایم روشن شد که او در روایات و احادیث و سائل‌الشیعه بسیار مسلط است، در هر باب از ابواب فقهی که سخن گفته می‌شد، احادیث و روایات می‌خواند. پس معلوم است این انسانی است که در روایت بسیار کار کرده است، کارکردن در روایات و احادیث، قوانین فراوان می‌خواهد. زندگی‌نامه ایشان را خواندند مختصراً و من فرصت ندارم، وقت ندارم تا بتوانم در این رابطه با شما سخن بگویم، یک مسئله‌ای معروف شده بود که

دریرون از کشور تبلیغ شده بود که آقای بهشتی ساده است، بر سوالله قسم، سید ساده نبود، ساده بود، عجب! انسانهایی در مقابل او قرار گرفتند که دنیا و آخرت شان رافروختند، اما سید با کمال زرنگی ثابت قدم و استوار ماند. من یک جمله می گویم اگر سید هوشیار و زرنگ نبود، پس آن کاروانهای اسارت و مظلومیت زینب هارا چگونه توجیه می فرمائید! (گریه بسیار شدید حضار)....

جامع معقول و منقول

سخنرانی

آیت الله جوهری خراسانی (استاد فلسفه در حوزه علمیه مشهد)

از برادران عزیز، از دانشمندان محترم، یک دنیا معذرت می خواهم، اگر مجلس بنام نامی مرحوم فقه عالیقدر بهشتی ارزنده ما نبود، من نمی توانستم مجلس را قبول کنم، به خاطر اینکه در توان من نیست و از نظر حرف زدن از ناحیه پزشک ممنوع بودم، چون مجلس خیلی عظیم برای عزیزی بود، یک انسان که از بستر علم و ایمان روئیده، مجلس به یاد بود او بود، ادبا خیلی ارزنده و عالی گفته:

ایها الناس جهان جای تن آسای نیست مرد دانا به جهان داشتن، ارزانی نیست

اینجای که زندگی می کنیم، چراگاه نیست، جای تلاش است، جای جان کندن است، جای جهاد نمودن است، جای رسیدن انسان به کمال مطلق است، اینجا جای آرامش نیست، چه مقدار مدت باید صرف شود، چه مقدار زمان باید صرف شود، تایک وجود ارزنده مثل بهشتی عزیز قدم به صحنه گیتی بگذارد؟ یکی از مطالب که نسبت به بهشتی مرحوم هیچ گفته نشده است این است که بهشتی نسبت به آن محیط، نسبت به آن وطن، نسبت به آن جامعه، پیش از تاریخش قدم میگذارد، مورد هتک، مورد اهانت، مورد شتم، مورد اذیت، مورد هزار گونه بلا خواهد شد. بهشتی جامع معقول و منقول بود. آنانی که نمی شناسند، از من بشناسند. من عادت ندارم که مبالغه کنم یا کسی را توصیف بیجا کنم. بهشتی متخصص در معقول و منقول بود. در رشته ریاضیابهم

کار

می‌کردیم، تخصص دارد. رشته فلسفه، بهشتی تخصص دارد و با هم خدمت ملکوتی بودیم و هم خدمت شیخ صدرای بادکوبه‌ای، یک جمله عاقلانه بگویم بهشتی مجهول‌القدر بود. اگر چند اکثر علماء و دانشمندان ما مجهول‌القدر رفتند و آنانی که زنده هستند، مجهول‌القدرند. مجهول‌القدر بود، چرا چون نسبت به محیطش، از تاریخش جلوتر قدم گذاشت. دور نرویم، همان نحوه‌ای که علماء می‌گویند:

ایها الناس جهان، جای تن‌آسایی نیست مرد دانا به جهان داشتن، ارزانی نیست خفتگان را خبر از زمزمه مرغ سحر حیوان را خبر از عالم انسانی نیست کلمات قصار مال سید جمال‌الدین است، می‌گوید: عالم مقام جاهل را خوب می‌داند چون این راه را پیموده است اما جاهل مقام عالم را نمی‌داند، به این مقام نرسیده است و این مقام شهود لازم دارد. مردم چه می‌دانند بهشتی که بود؟ ولی اسفا که از بهشتی عزیز نتوانستند آن نحوه‌ای که استفاده علمی کنند، بکنند. نتوانستند! دور نرویم، قرآن کریم یک جمله عالی را بیان می‌کند، می‌فرماید: هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون

ممکن است یک نفر انسان امتیاز داشته باشد از نظر مادی، به اصطلاح اصحاب معقول از نظر هیولای اولی عالم از این جهت امتیاز ممکن نیست، چون این ماده اولی عالم در تمام موجودات جسمانی علی حد سوی است. ممکن است یک نفر انسان امتیازش به واسطه صور نوعیه یا صور جسمی او باشد، از این جهت امتیاز در میان انسانها ممکن نیست، یک قدم انسان بالاتر بگذارد، بگوید که امتیاز انسان به واسطه پدرها، به واسطه مادرها باشد و این امتیاز هم برای یک نفر انسان ممکن نیست، چون مادر همه یک نفر و پدر تمام جامعه هم یک نفر انسان است. ممکن است که انسان به واسطه عناوین ریاست امتیاز پیدا کند که این عنوان ریاست در باقی مردم نیست و در او موجود باشد، این هم سبب امتیاز انسان نمی‌شود، علماء خیلی شیرین گفته است:

بر لب بام ریاست مرو از باب ورود که تو را عاقبت این بام ز بام اندازد

یا آن ادیب دیگری که نسبت به ریاست حرف می‌زند می‌فرماید:

نه هر که تکیه به میزی کند، هنرمند است

که میز او پی ریاست به نامه‌ای بند است

و این امر اعتباری سبب امتیاز انسان نمی‌شود و انسان را به عنوان یک موجود ارزنده برجسته در جامعه رهبر و رهنما معین نمی‌تواند. ارزش انسان به نسب‌ها نیست، ارزش به امور اعتباری نیست. فرمود، ارزش انسان به آن چیزی است که همت عالی انسان را تحریک می‌کند، ارزش آن چیزی است که منبع وجود انسان، منبع فیض انسان، منشأ تجلی رحمت هر انسان می‌گردد. افتخار به آن روح ارزنده‌ای که به واسطه روح ارزنده‌اش، دست نوازش، دست دهش، دست ترحم، دست ناز بر سر و صورت هر انسان می‌کشید و همت عالی داریم که دست جامعه را بگیریم از منجلاب بدبختی نجات بدهیم. قرآن به آن نحوی که قضاوت را به عهده خود انسان گذاشته است، می‌فرماید: هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون آیا دانش و علم دانشمند بهتر است یا جهان جهل و بدبختی و نادانی بهتر است؟ کدام اینها بهتر است؟ فضل، کمال، ارزش، مقام، مال، آن چیزی است که وجود انسان را عالی می‌سازد. کمال برای آن چیزی است که وجود انسان را عوض می‌کند. همان نحوه‌ای که درباره ترقیات انسان قرآن کریم از عنوان مواد اولی یا از جای اصلی بدن شمرده است تا می‌رسد به این نکته می‌گوید: و أنشأناه خلقاً آخر. من از خاک موجود ارزنده آفریدم، موجود دیگری خلق کردم، موجود دانش ایجاد کردم، موجودی که با علم و آگاهی است، آفریدم. از همین خاک امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: لا فضل الا لاهل العلم انهم علی الهدی لمن استهدی.

علم آن علمی است که منشأ عمل قرار بگیرد. علم آن علمی است که انسان را به عمل وادار نماید و انسان را به سوی عمل دعوت کند و برای انسان ایمان پدید بیاورد و ایمان برای انسان ایجاد کند و انسان را با ایمان بسازد، لذا دیده‌ای بعد از آنکه مراحل علم نظری به آن حس ششم منتهی می‌گردد، این انسان اسلام اختیار می‌کند، بعد از مرتبه اسلام ایمان می‌آورد، بعد از آنکه ایمان آورد، تقوی پیدا

می‌کند، تا آن مرحله‌ای که گفته‌اند یک مرحله ایمان، مرحله لفظی است که انسان کلمه طیبه را برزبان‌ش جاری می‌کند، با همین جاری کردن، مسلمان می‌گردد و پاک و طاهر می‌شود. این اسلام لفظی است، مقام عالی‌تر از این اسلام تقلیدی است، اسلام تقلیدی آن است که یک نفر انسان از یک نفر عالم یا از پدرها یا از مادرها یا از کسانی که وظیفه‌مند این برنامه هستند، ایمان و برنامه دینی‌اش را آموخته است. اصول دین تقلیدی یاد گرفته است، به همان تقلیدش عمل می‌کند و این مرحله دوم از ایمان است، مرحله سوم از ایمان، ایمان علمی است. ایمانی که از راه استدلال، از راه فحص، از طریق تفحص و از طریق دلیل انسان بدست می‌آورد و ایمانش را روی پایه علم استوار ساخته است. این مرحله از ایمان را ایمان علمی می‌گویند و این عالی‌ترین مرحله از ایمان است و منشأ هدایت مردم قرار گرفته است. مردم را هدایت می‌کند. مردم را دعوت به ایمان می‌کند، بعد از آنکه انسان به این مرحله رسید، این انسان امتیاز دارد. رهبر جامعه چنین انسانی باید باشد.

امیرالمومنین علیه السلام بعد از آنکه این مراحل علم را بیان می‌کند، می‌فرماید: وقيمة المرء ما قد كان يحسنه والجاهلون لاهل العلم اعداء کمال علم، علمی است که منشأ استفاده قرار بگیرد. علمی است که انسان را از صورت جهل و نادانی بیرون بیاورد، این علم ارزنده است و می‌فرمایند: والجاهلون لاهل العلم اعداء، ادبا دیگر مطلب را به نحوه دیگر فرموده‌اند:

علم آدمیت است و جوان مردی و ادب

ورنه بصورت انسان مصوری

روح انسانیت، جوانمردی انسان، کمال انسان، جمال انسان، علم است. گاهی هم تعبیر دیگری کرده‌است، می‌گوید:

ليس الجمال باسباب تزئینها ان الجمال جمال العلم و الادب

زینت انسان به واسطه لباسهای زیبا نیست، زینت انسان به کفش و کلاه و کت و شلوار نیست. زینت انسان به عبا و عمامه نیست. زینت انسان به علم است. زینت انسان به دانش است. زینت انسان به کمال است.

جمال انسانیت، روح ولایت است. گاهی در بعضی از مجالس این مطلب را زیانزد کرده‌ام، اگر بنا است یک انسان روح ولایت نداشته باشد، در روز قیامت به صورت انسانیت محشور نمی‌شود. لذا داستانی که امام سجاد علیه السلام فرمود: به این ناله‌های کثیر حجاج، به این گریه‌ها، العفو گفتن‌ها توجه نکنید. حاجی خیلی کم است. می‌گوید: وادی عرفات است، میدان کار و زار است، برنامه استغفار است، چگونه مولا حاجی کم است؟! فرمود: از میان دو انگشت من نظر کن. یک زمانی دید از میان دو انگشتش که امام سجاد علیه السلام است و حاجی و غلامش و ناقه‌اش و باقی موجودات به صورتهای مختلف حیوانی موجودند.

امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان مرا سلام برسانید، بعد از سلام بگویید: همت کنید که در روز قیامت به صورت شیعه محشور شوید. دیگر کار شما با ماست. نمی‌گذارم نوری آتش سوزناک جهنم بروید یعنی همت کنید که نعمت ولایت را از شما نگیرند. همت کنید که به صورت ولایت و انسانیت یعنی صورت شما صورت انسانی بشود. اگر بناست صورت انسانی را نداشته باشید، ما نمی‌توانیم شما را شفاعت کنیم. حیوان‌ها مورد شفاعت قرار نمی‌گیرند. قرآن می‌فرماید: هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون خودت قضاوت کن، یک نفر مرد دانشمند ارزنده است یا یک نفر مرد جاهل؟ یک نفر مرد بینا پرارزش است یا یک نفر مرد نابینا؟ روشن است خودت قضاوت کن. قضاوت را قرآن کریم به عهده خود مردم گذاشته است. لذا آن ادیب دیگر هم پاکیزه می‌گوید:

جاهل به روز فتنه ره چاره گم کند عالم چراغ جامعه و عقل عالم است
این مقام ارزنده علم است.

این مجلس به یادبود یک نفر انسان عالم زبردست، یک نفر انسان ارزنده علمی، یک نفر انسان متخصص در معقول، یک نفر انسان جامع منقول، آیه‌الله بهشتی رحمته الله برگزار شده است. قربان چنین احساساتی که شما دارید. خدا به عزت خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، این احساسات را از ما نگیرد و این شعور بیدار را همیشه زنده نگه دارد. خدا به عزت خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، اجر شما را ضایع نکند که از یک

نفر اهل علم ارزنده، از بچه فاطمه (ع) بچه آن بانوی پهلو شکسته احترام به عمل آورید. ایام، ایام مصیبت فاطمه، مادرش است، بهشتی، بهشتی، این دوستان می گویند: وقتی که رفتی، سلام مارا هم به مادرت برسان، بچه یتیم را می دانی چه می گوید؟ صدا می زند: بابا، پسر ها از پدرها میراث می برد. تو میراث از بابات علی (ع) بردی، روز و شب آمدی، از خرابه سر زدی، همچنانی که بابات علی (ع) نیمه های شب از خرابه سر می زدند. می گویم: بهشتی! تو هم میراث از بابات علی (ع) برده ای، اگر علی (ع) به مظلومیت زندگی کرد، تو هم مظلومیت کشیدی. خوشا به سعادت! خوشا به این نعمت! بهشتی، اگر علی (ع) را ریسمان به گردنش انداخته اند، با تو هم کمتر از آن را انجام ندادند، میراث است، پسر ها از پدرها میراث می برد.

گامی بزرگ در تاریخ

سخنرانی خطیب توانا و مبارز خستگی ناپذیر

استاد شفق بهسودی

محفل امروز بیاد فقیه مجاهد و عالم بزرگوار، حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه دبیر شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی افغانستان دائر گردیده است که شخصیت علمی و جهادی ایشان را همه شما از من بهتر و بیشتر آشنا هستید، می دانید و می شناسید، من فقط یک نکته را بعنوان یک آزمون تلخ در رابطه با زندگی آیه الله بهشتی رحمته الله علیه برای شما عنوان می نمایم: با تشکیل شورای اتفاق اسلامی افغانستان که آیه الله بهشتی رحمته الله علیه در رأس و در محور آن قرار داشت، مترقی ترین و پیشروترین گام برای اولین بار در افغانستان پس از آغاز جهاد برداشته شد، در جهت تأمین مناطق آزادشده، حفظ جان مردم، تنظیم امور مردم، تأمین امنیت مردم و حفظ حقوق مردم و تأمین جبهات جهادی و بسیج نیروهای جهادی و... به همین دلیل هر کسی که می دانست و می فهمید این مسئله را مشوق و پشتیبان گردیدند. ما هم که در آن زمان نقشی در جبهات جهادی داشتیم و شاید یکی از مهمترین نقش را ایفاء می کردیم، بخاطر سهم گیری در این بناء مترقی، از تمام مناطق نماینده های خود را اعزام کردیم تا بعنوان خانه مردم و بعنوان یک نهاد عمومی و اداره کننده امور در مناطق آزادشده مرکزی افغانستان مبدل شود و این امری بسیار ارزشمند، بجا و قابل ستایش بود. بهشتی این نقش را ایفاء کرد، نهادی را که خود در رأسش بود، با یک تعداد از دل سوزان بوجود آوردند، اما متأسفانه (اینها در

سرگذشت تاریخی جهاد هزارستان تحلیل خواهد شد) که آنهایی که دنبال قدرت و جاه و شهرت و سوءاستفاده و احیاناً در رابطه با محورهای خارجی عمل می‌کردند، اوّل شوری را به جنگ با جبهات برد. شوری را با قوماندانهای بزرگ رودرو ساخت. شوری را با مناطق مختلف رودرو قرار داد. شوری را در درونش دچار اختلاف ساخت و شوری را عوض شورای اتفاق مربوط به همه مردم، تبدیل به حزب اتفاق کردند و او را بعنوان یک نهاد کوچک تحقیرش کردند و کوچکش ساختند و این تجربه ارزنده تاریخی که بعنوان یک سند زرین در تاریخ تشیع افغانستان مبدل می‌شد، چنان تحقیر شد که در هر کجا رودرویی فرماندهان جهادی و احزاب جهادی شیعه قرار گرفت و راهی از جنگ داخلی به سوی دیگر مسائل باز گشوده نتوانست.

بهشتی کاری بزرگ کرده بود اما یک تعداد نگذاشتند این کار بزرگ به آن نتیجه لازم برسد که اگر شوری و بهشتی و کار بهشتی آنروز تحقیر نمی‌شد و تدلیس نمی‌شد و او را در جنگ با کسانی که شوری را شورای خود و بهشتی را رئیس همه قبول کرده بودند و در جنگ با نیروهای تحت فرمان خودش نمی‌بردند، امروز نه وضع هزاره‌جات و نه وضع شیعه و نه وضع افغانستان این نبود. همیشه باید از نقطه‌هایی ابا کرد و ترسید که در دستش آتش است و در خرمن وحدت و یگانگی مردم می‌زند. از کسانی باید دوری گزید که مردم را به خرابی فرا می‌خواند و صفوف مردم را تخریب می‌کند. در نظر ما هیچگاهی ارزش نقش بهشتی با خرابکاریهای که پیرامون آن صورت می‌گرفت پائین نمی‌آید زیرا او کارش را کرده بود و مسئول کار خرابکاران و کسانی که هزارستان را به آتش جنگ کشاندند و مسئول عمل آنها بهشتی نیست و نخواهد بود.

ما ضمن تجلیل و تقدیر از شخصیت علمی و دلسوزی او به حزب وحدت و تعهد او به وحدت مردم که حتی برای یک لحظه حاضر نشد پشت به مردمش کند و رو به خانه دیگران بیاورد، در ورس تنها ماند و در خانه‌اش تنها نشست اما دنبال دیگران نرفت و هیچگاه حزب وحدت هم نقش برجسته او را فراموش نخواهد کرد

ونادیده نخواهد گرفت که در تمامی امور مسائل مهم رابه ایشان راجع می کردند و تاشورای مرکزی دریکاولنگ بود ودربامیان بوددر همه امور مسائل را به آیت الله بهشتی (ره) در میان می گذاشتند و خیلی از مسائل را به ایشان واگذار می کردند تا رسیدگی و حل و فصل نماید.

مابهشتی را در چهره یک فقه، در چهره یک مجاهد، در چهره یک کسی که یک گام بزرگی بر داشت، می شناسیم اما اینکه شکست خورد، خرابکاران در طول تاریخ بسیاری از رجال بزرگ را در انجام رسالت و ادای تکلیف و تعهدشان با شکست مواجه کرده اند، این مسؤولیت متوجه شخص آیت الله بهشتی (ره) نیست. وقتی بازهم زمینه مساعد شد، با تلاش تعدادی و دررأس همه شهید بزرگوار، مزاری بزرگ، حزب وحدت اسلامی پایه گذاری شد باز هم آیت الله بهشتی (ره) یکی از پیشتازان و پیشگامان و فدائیان وحدت جامعه تشیع وو حدت اسلامی مردم افغانستان بود. ما یاد او را گرامی می داریم و به روح بزرگ او اتحاف ادعیه می نمائیم. امید وارم در جوار رحمت خداوند قرین ومجاوراجدادبزرگوارش باشد و روحش از طرف همه مان شاد مان گردد و امروز این مائیم که باید در برابررسالتی که بردوش ما و مردم ما از لحاظ تاریخی گذاشته شده است، پاسخ مناسب و شایسته رابدهیم.

عصر طلایی تشیع در افغانستان

سخنرانی

جنت الاسلام والمسلمین جوادی غزنوی

همانطور که حاضران در مجلس، برادران و خواهران محترم و روحانیت جلیل القدر و علمای بزرگوار قبلاً در جریان قرار گرفتند، مجلس مجلل و شکوهمند و بامعنویت امروزه مناسبت اربعین رحلت جانگداز و تکان دهنده سید جلیل و عالم گرانقدر حضرت آیت الله بهشتی (ره) تشکیل و ترتیب یافته است، از طرف هیئت عزاداران حسینی، من این مصیبت عظمی و سنگین رابه همه علمای وطن و مجاهدین و مهاجرین عزیز و بنیانگذاران این مجلس و به خصوص به خانواده محترم شان و برادر و فرزندان تسلیت عرض می نمایم بنده به اختصار آنچه که درباره مرد بزرگ و گرانقدر آیت الله بهشتی (ره) یاد دارم و شنیده ام تقدیم حضور شما می کنم...

یکی از راه های حفظ دین خدا، همین علمای دین است که بدون شک یکی از علمای بزرگوار که وسیله حفاظت دین خدا بوده است، همین شخصیت بزرگوار است که در اربعین رحلت ایشان نشسته ایم. یکی از کسانی که حافظ دین خدا بود، آیت الله بهشتی (ره) بود. آیت الله بهشتی (ره) در سخت ترین شرایط مملکت وسیله حفظ دین خدا شد، به عنوان عالم دینی از همان روز های اول و سالهای اول کودتای مارکسیستی در افغانستان به عنوان شخصیت برجسته، دینی و علمی عرض اندام کردند و کل امت اسلامی بخصوص امت تشیع در گرد محور ایشان جمع شدند.

آیه الله بهشتی رحمته به عنوان یک محور در روزهای اول جهاد اسلامی افغانستان در آن روز قدیم علم کردند. و به زودترین فرصت با نفوذی که داشتند یک تشکیلات قوی - و در حقیقت یک دولت موقت اسلامی - در هزاره جات برقرار ساختند. حکومت آیه الله بهشتی رحمته دولت قلوب بود و دولت معنویت بود و با نفوذی که آیه الله بهشتی رحمته در دل‌های مؤمنین داشت و با نفوذی که در اعمال قلب‌های مردم شیعه داشت، با یک فرمانش دولت موقت آن روز را در مرکز هزاره جات اداره می‌کرد. در سرتاسر هزاره جات حکومت تشکیل داد و والیان مقرر کرد و کل تشکیلات اسلامی را در یک کلام برقرار ساخت. عصر طلایی و پرافتخار تشیع در تاریخش عصر حکومت آیه الله بهشتی رحمته بود، یک امنیت عمومی برقرار بود، یک آرامش و آتش بس سراسری حاکم بود، یک تجمع و یک اخوت و یک شفقت آن روز احساس می‌شد، آیه الله بهشتی رحمته به عنوان یک محور و یک مرکز در هزاره جات قرار داشت، احزاب بعدی اگر هم بوجود آمدند به عنوان یک احزاب فرعی و کوچک در کنار یک تشکیلات قوی وجود داشتند، متأسفانه آن روز احزاب خود به بخاطر حسادت‌هایی می‌کردند به خاطر اینکه خودشان در رأس نیستند نه تنها این تشکیلات را پشتیبانی نکردند بلکه صدر صد تضعیف کردند. بسیاری از دوستان حاضر می‌دانند که من در سازمان نصر بودم و تمام تلاش سازمان تضعیف قدرت آیه الله بهشتی رحمته بود. به خاطر اینکه این تشکیلات قوی پانگیرد. دلیلی هم که می‌آوردند، می‌گفتند در تشکیلات خان وجود دارد... و بسیار تبلیغات کردند و دیدید که این تبلیغات متأسفانه کارساز هم بود. دولت مقتدر و وسیع آیه الله بهشتی رحمته ضعیف شد. با ضعف قدرت آیه الله بهشتی رحمته در حقیقت آن ستون فقرات تشیع در افغانستان خم شد... آیه الله بهشتی رحمته و تشکیلات آن روز شورای اتفاق به عنوان ستون فقرات تشیع بود. خدا می‌داند ما تاریخ صحبت می‌کنیم تعریف از کسی نیست... پاکستان روی آقای جگرن (ژنرال) به عنوان یک فرمانده بزرگ شیعه (شورای اتفاق) حساب می‌کرد، دنیا هم آقای جگرن را به عنوان یک فرمانده قوی و یک نظامی برجسته آن مملکت می‌شناخت... آنها فرمانده دیگری نمی‌شناختند به جز همین آقای جگرن

و افغانستان یکی دو فرمانده معروف بیشتر نداشت و یکی آنها همین آقای جگرن بود، خدا می داند وقتی مارکسیستهای روسی نام جگرن را می شنیدند لرزه بر اندامشان می افتاد. با ضعف شورای اتفاق ستون فقرات تشیع خم شد و جنگهای داخلی به شدت اوج گرفت

و من می خواهم بگویم تشکیلات دولت موقت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه از بیرون ضعیف شد یعنی توسط گروههای کوچک از بیرون شورای اتفاق و از آن به بعد شیعه دچار جنگهای داخلی شد. و یک روز هم که به صورت نیم بند تشیع می خواست اقتدار دوباره پیدا کند، متأسفانه این بار تشکیلات دوباره تشیع توسط حزبی به نام حزب وحدت بوجود آمد از بیرون کسی ضعیف نکرد. حزب وحدت از درون پوسید و ضعیف شد. چون در حزب وحدت افراد فاسد و مارکسیست وجود داشت و آنها اعتلای تشیع را نمی خواستند... و امروز تشیع در افغانستان دنباله‌رو گروههای ضعیف‌تر از خودش است.

عده‌ای دنباله‌رو آقای ربانی، که فکر نمی‌کنم کدام اقتدار مهمی داشته باشد، هستند و عده‌ای دیگر دنباله‌رو آقای دوستم هستند که باز هم به صورت جیره‌خوار است و امروز تشیع با کمال تأسف در هر جایی که باشد، ضعیف و دنباله‌رو است و تابع تحولات نظامی هستند و به عنوان نیروهای نظامی از شیعه استفاده می‌کنند و از هر جبهه که ضعیف شد، به عنوان پیشمرگ می‌جنگند... این ضعف وضعیت شیعه‌ها امروز است.

امروز شیعه یک تشکیلات مقتدر و متحد که بخواهد حرف کل شیعه را بزند ندارد این یک واقعیت است.

امروز تشیع دنباله‌رو گروههای اهل سنت است. حرفی که هم دارند، متأسفانه شما رادیو راباز کنید، نشریات راباز کنید، خواسته‌هایی هم که دارند در حد یک یا دو وزارت محدود است و از این بیشتر نیست.

فقط دو تا چوکی وزارت کافی است. دیگر چیزی به نام مذهب، چیزی به نام موجودیت تشیع، چیزی به نام قدرت تشیع مطرح نیست. همین مقدار که

قوماندانی داشته باشند، راضیند و این بدترین روزهای تاریخ شیعه است و مقتدرانه ترین روزهای زندگی تشیع عصر حکومت آیه الله بهشتی رحمه الله بود و ضعیفانه ترین عصر تشیع امروز است که شیعه دنباله روهایی است من معتقدم که هر چه بچه های شیعه کشته شوند، هر چه جنگها صورت بگیرد و بسیج نیروها صورت بگیرد، به نفع دوستم تمام می شود ...

بدترین وضعیت را امروز تشیع احساس می کند که با تضعیف آن تشکیلات قوی مردم شیعه به اینجا کشیده شد و با وجود این تا آن زمان که آیه الله بهشتی رحمه الله وجود فیزیکی داشت و وجود مبارکش در بین ما بود، این مردم باز هم اقلاً احساس می کرد که یک کسی بالای سرشان دارند.

به همین مقدار حیات آیه الله بهشتی رحمه الله دلخوش داشتند. وجودشان انصافاً برای ما یک نعمت بود اما با کمال تاسف مردم خبر ناگوار رحلت و درگذشت جانسوز حضرت آیه الله بهشتی رحمه الله را شنیدند. از آن به بعد دیگر ستون فقرات تشیع که خم شده بود به کلی شکست. مرگ آیه الله بهشتی رحمه الله ستون فقرات مردم را شکست. آن سید مظلوم در زندگی خود جز مظلومیت چیز دیگر نچشید و نکشید. یک بار دیگر داغ سنگین بر اعماق قلب این مردم تحمل کرده، از آن به بعد مردم احساس کردند دیگر سرپرست خود را از دست داده اند. مردم همین شعار را می دهند که پدر از دست داده ایم حقیقتاً پدر از دست داده اند. به گفته علمای محترم مجلسی مجلل تر از مجلس آیه الله بهشتی رحمه الله که در مسجد اعظم قم برگذار شد، ندیدند و وقتی نام آیه الله بهشتی رحمه الله را مردم می شنیدند، مدت زیاد گریه می کردند و به تعبیر یکی از دوستان مردم دست به کمر گریه می کردند. این نبود مگر به خاطر اینکه مردم پدر از دست داده بودند، از همه مهمتر تعبیر یکی از علماء که خودش در مجلس بوده، می گفت من وقتی موج جمعیت را نگاه کردم، یک چیز را احساس کردم، احساس کردم که این مردم به خاطر مظلومیت آیه الله بهشتی رحمه الله نمی گریند به خاطر مظلومیت خود که پس از آیه الله بهشتی رحمه الله بر سرشان چه می آید، می گریند. هر طرف که نگاه می کردم، اشک می ریختند و جای خالی آیه الله بهشتی رحمه الله را احساس می کردند یک

کسی را در بین خود و یا در پشت خود یا در برابر خود احساس نمی کردند که به عنوان نقطه امید به او تکیه دهند. مردم برای بی سرپرستی خود گریه می کردند شاید این واقعیت مسلم باشد که مردم با از دست دادن آیه الله بهشتی رحمه الله خود را بی سرپرست احساس می کنند به چه کسی پناه ببرند؟ در همه گرفتاریها همه علماء و شخصیت های سیاسی مقامشان محفوظ ولی شاید به دلسوزی آیه الله بهشتی رحمه الله نرسد. آیه الله بهشتی رحمه الله یک پدر برای این مردم بود. او در این اواخر همچون جدش علی مظلوم تر از گذشته شده بود. او صرف به خاطر مصالح دین سکوت اختیار کرده بود. وقتی که به کابل هجرت کرده بود، اصرار کردند در کابل بماند ... او فرموده بود: در جایی به مانند کابل که مردم ظلم و ستم ببینند، نمی توانم که بمانم و در هزاره جات رفت و تا آخر عمر دردها را در سینه اش خورد و یک کلمه از دردهایی که کشیده بود، نگفت تا ثابت کند اگر بهشتی به نظر شما گناهکار است، این هم بهشتی که ساکت می باشد و حرف نمی زند تا ببیند که گناه اصلی را که مرتکب شده است. آیه الله بهشتی رحمه الله با یک دنیا درد و مظلومیت از دنیا رفت اما روح پاکش که ناظر همه کارهای شما امت است. عرض کنم خود مردم در حق ایشان کوتاهی نکرده اند، چه در حیات ایشان و چه امروز در زمان رحلت آن بزرگوار تجلیل هایی در این چهل روز از آیه الله بهشتی رحمه الله به عمل آمد که شاید در تاریخ مملکت بی سابقه باشد تجلیل ایشان در مسجد اعظم قم را همه به خاطر دارند و تجلیل اربعین ایشان که در شهر قم انجام داده اید با این جمعیت شکوهمند خودش گویای این واقعیت است و امروز در سایر شهرستانها مردم به خاطر اربعین ایشان عزاداری می کنند اما در حق آیه الله بهشتی رحمه الله کوتاهی شده است ...

نشانه‌های قداست و مظلومیت

سخنرانی

حجة الاسلام والمسلمین امینی سرخجوی

... در ضمیرم نمی‌گنجید زنده باشم و در برابر چهره‌های درخشانی که از سراسر وجودشان فروغ ایمان متبلور است قرار بگیرم اما مقابلم مطالعه کنم تا بلوی را نوشته است عروج ملکوتی روح بلند حضرت آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله دبیر شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی را به پیشگاه مقدس امام زمان (عج) و ملت داغدار و مظلوم افغانستان خواهران و برادران داغدار و مهاجرین و بیت رفیع حضرتش تسلیت عرض می‌کنیم

اما مصلحت پروردگار این بوده که دُرّ گرانمایه نابهنگام از دستان رفت. آفتاب وجودش سرزمین ما را به فقدانش دوباره ابرآلود کرد. از اینکه مأموریت یافتم در این مجلس با عظمت که از طرف سربازان سالار شهیدان حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه‌السلام برادران هیئت عزاداران حسینی ملت قدرشناس و وظیفه شناس افغانستان مظلوم درباره عظمت و شخصیت یگانه عالم بزرگواری صحبت کنم که در قرن اخیر او خودش با عملکردهای خویش یک تاریخ جداگانه را باز نمود اما من کوچکتر از آنم در برابر شخصیت ایشان در مقابل چهره‌های زیبای حضرات علما اساتید دانشمندان اخصاً حضرت آیه‌الله شریعتمداری ناهور عرض ادب کنم.

این مصیبت را نخست به پیشگاه حضرت بقیة الله امام زمان «عجل الله تعالی له الفرج» و همه مراجع عظام تقلید، حوزات علمیه، ملت مظلوم و داغدار شیعه

افغانستان و عموم جهان تشیع، رهبر عزیز انقلاب و شما حضرت آیه الله شریعتمداری، به آن خانواده‌هایی که بیش از چهارده پانزده سال است در برابر ارتش سرخ شوروی عزیزان ما جان داد بچه‌هایشان به دامن این مرد بزرگ بود و به آنها تسلیت عرض می‌کنیم همانطوری که امیرالمومنین علی علیه السلام شب نوزدهم در کوفه فرق نازنینش شق القمر می‌شود ولی ایام تا به سحر منتظر است که پدر ما کی وارد می‌شود و غافل از این که پدرشان از دنیا رفته و مظلومانه به شهادت رسیده است به آن عزیزان و بیت رفیع و آفازادگان و برادران ارجمندش انحصاراً جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای واعظ تسلیت عرض می‌نمائیم و از طرف عموم بازماندگانش در اینجا اقوام و عزیزان و سربازان حضرتش و یاران فداکاراش برادرارجمندش از حضور گسترده و تحمل زحمات شما ملت مومن و متدین وظیفه شناس که بیش از بیست و هفت و هشت روز است شب و روز به فراق این سرور می‌سوزیم از همه شما تشکر و قدردانی می‌شود خداوند منان به همگان توفیق عنایت کند تا بتوانیم آن پرچم با عظمت که به دست این سلاله پیغمبر در سرزمین به اهتزاز درآمده در حفظ و نگهداری آن تا مادام که زنده ایم غفلت نکنیم.

برادر گرانقدرم حضرت حجة الاسلام حاج آقاواعظ بهشتی متاثر نباش آیه الله بهشتی رحمه الله این همه زحمات محرومیتها مظلومیتها رابه خاطر دین کشید آخر او که از علی بالاتر نبود در جایی که ریسمان به گردن علی آویزان کند او را جانب مسجد بکشاند دیگر این فرزند میراث از پدر می‌برد در جایی که امام حسن مجتبی علیه السلام در مجلس معاویه لعن می‌شود پای منبر معاویه اصحاب می‌آیند یابن رسول الله شما ساکتید معاویه منبر می‌رود به علی لعن می‌کند می‌گه چکنم؟ ناچار صبر کنم تا مکتب زنده بماند عیب ندارد پدرم را لعن کند مظلومیت بالاتر از این می‌شود که جنازه را آوردند جانب بقیع تابوت امام حسن علیه السلام را تیر باران کردند برسیم امام حسین علیه السلام قس علی هذا الی ماشاء الله.

قبل از انقلاب، سالی که ایشان از مکه معظمه تشریف آورد من در مدرسه آیه الله واعظ در کابل بودم، خدا رحمت کند آمد در آنجا آیه الله واعظ نیز در همان سال مکه

مشرف شده بود و برگشته بود، رفتیم به زیارت ایشان. بعد رو کرد به پدرم گفت حضرت حاج آقا آیه الله بهشتی رحمه الله نیز آمد از مکه خبر داری به کجا است گفت نه گفت شما ایشان را زحمت بکشید پیدا بکنید تا من جعفرجان یا واثق را بفرستم بیاورند یا در منزل ما یا در مدرسه خدا شاهد است عین مطلب است که ایشان فرمود بعد فرزند ایشان گفتند آقا آیه الله بهشتی رحمه الله کیست؟ گفت از علما طراز اول مردم شیعه هزاره جات سوال کرد فرزندش گفت: خیلی علم دارد؟ گفت قهرمان و پهلوان میدان علم است اما دریغا در محیطی قرار گرفته است که نمی تواند این چهره زیبا به زودی خودش را بشناساند.

در اوایل انقلاب عجب ملت وفادار بودیم هر دستوری داد گفتیم لبیک اگر گفت جوان بده گفتیم لبیک مال بده گفتیم لبیک از همه چیز گذشتیم اراده راسخی بود نیت خالصی بود شهامت و جان نثاری او از خاطره هانمی شود اگر بگویم دارای کرامت است ممکن است عده ای در انتظار یا در مجلس و بیرون به من مسخره کنند عده زیادی از همشهریهای خودم از نواحی سرخجوی در همین مجلس حضور دارند یک روحانی بسیار بزرگی داشتیم بنام حاج علیرضا این مرد مریض شد در اوایل انقلاب من ماموریت داشتم می آمدم در مرکز و برمی گشتم در منزل، دایی ای داشتم خدا رحمت کند ایشان را فرمود یک عیادتی از حاج شیخ نکردی؟ گفتم نه گفتم حتما که رفتی عیادت کن و سلام مرا هم برسان فلج زده بوده خیلی وضعیت نادرستی هم داشت رفتم به عیادتش سلام کردم و از احوالش استفسار کردم چه شد شما را گفتم مرا جد آیه الله بهشتی رحمه الله زده است گفتم چرا؟ گفت: فلسفه ای دارد صحبت درستی نمی توانست آخر الامر اصرار کردم گفت موقعی که رسیدی سلام مرا به ایشان در مرکز برسان بگو ترا به پهلوی شکسته مادرت زهرا مرا حلال کن گفتم آقا چه حرف است حاج شیخ؟ گفت: اوائل انقلاب که ایشان دستور داده بود به نظامی ها هر خانه ای سیصد افغانی جمع بکنید برای نظامیانی که از جان و مال و هستی خود گذشته بودند، از بقیه جاها جمع آوری کرد چون عالم متنفذ در جامعه و مملکت خودم بودم آن سرباز هم همشهریهای خودم بود آوردند نامه آیه الله

بهشتی علیه السلام را با خط سبز امضایش مزین بود خواندم و پاره کردم و انداختم این سرباز هم چیزی نگفت در همان جایی که نشسته بودم دقایق چندی نگذشت بادی آمد مرا از اینجا انداخت به دریا و به این حال گرفتار شدم اما دلم تنگ بود شبها آرام نداشتم شبی از شبها در عالم رؤیا می بینم در همین منطقه و محدوده ای که خودم هستم خیلی جمعیتی کثیر و فراوان جمع شده ولی عالم بزرگوار سیدی عمامه سبز به سر منبر رفت منبر جالبی رفت من بعد از آنی که منبر رفت از منبر پیاده شد خدا شاهد است عین عبارت این عالم را نقل می کنم همه علما رفتند دست این سید را بوسیدند من رفتم پشت کردند به من از این طرف رفتم باز هم رو نداد به من از هر طرف رو کردم به من پشت کرد آخر صدا زدم آقای بزرگوار سیدنا من هم روحانیم به من دست نمی دهی؟ گفت: تو بی احترامی به فرزندم بهشتی کردی. به او بی احترامی کردی آخر می دانی او برای چه آمد این همه مظلومیتها را تحمل کرد به خاطر حفظ دین قرآن و مکتب. گریه زیادی هم کرد؛ و بعد از آن که رفتم مشرف شدم محضر حضرت حاج آقا خدا رحمت کند هر مرتبه ای که می رسم به سمت چگونه بگویم خدا ترا رحمت کند! آخر ما هنوز امیدوار بودیم برگردیم و مرتبه دیگر ترا زیارت کنیم، رفتم و در آنجا در محضر ایشان جریان را صحبت کردم گفت خدایا تو رابه حق اولیاء مقرب خودت این علاقه مندان به اهل بیت را که به ما سادات از نظر پیغمبر اکرم می نگرد اخصاً این عالم را می شناخت ایشان را شفای عاجل عنایت کن بعداً توصیه فرمود مرتبه دیگر رفتی فراموش نشود بیا من سلامی پیامی دارم و هم مقداری آبی را بعد از آنکه سوره مبارکه حمد را قرائت کنم برایش برسان، رساندم. منتهی دستش از حالت فلجی بیرون نیامد به قول خودش. اما دلتنگ بودم قلبم آرام گرفت، بعد از مدتی جان داد. دهها کرامات دیگر که الان عده ای زیادی از همشهری ها در اینجا حضور دارند و همه هم می دانند در بین مردم جامعه ما اظهر من الشمس است.

یادم نمی رود آن روزگاری که با جمع از علما چهل و هفت نفر روحانی رفتیم در جماران نامه حضرت آیه الله بهشتی علیه السلام را بردیم برای حضرت امام علیه السلام که نوشته بود

رهبر! منتظرم فرمان بدهی تا فرزندانت در افغانستان بر علیه کفر و الحاد بجنگند خدا رحمت کند موسوی دامغانی دفتر دار حضرت امام (قدس سره) بود موقع که نامه را خواندند تعجب کردیاللعجب چندروز جلوتر عده ای از آقایون آمده بود قسم یاد می کرد که این سید رساله امام (قدس سره) را آیت الله بهشتی (ره) در آتش می زند لعنت بر این وجدان های نادرست و افرادی تهمت زننده ای که اینها جگرش را خون کرد. من در یک جلسه در قم عرض کردم به خدا قسم این سید در برابر روسها تا سی سال دیگر نشاط جوانی داشت اما چه گناهی آن مصیبت که علی را خانه نشین کرد آن رو ز که جدش علی را خانه نشین اورا زمین گیرش کرد. یا للعجب آی بد بختی که نوشتی کتاب شورای اتفاق در دادگاه تاریخ الان سر بردار اگر در جهنمی ببین تاریخ خودش عوض شد یکایک جوابت رامی دهد هیچ کس مخالفت ندارد با آیت الله بهشتی (ره) تمام احزاب می گوید یکی از اعظم و بزرگان بود و کشور ما یتیم کرد.

بخش پنجم

نوشته های اشک آلود

گزیده مقالات و سوگ سروده های که در مراسم آیت الله بهشتی (ره) به خوانش گرفته شدند.

نوشته های اشک آلود

گزیده مقالات و شوگ سروده هائی که در مراسم آیت الله بهشتی (ره) به
خوانش گرفته شدند

در مجالس تجلیل از بزرگ مرد تاریخ تشیع در افغانستان ، حضرت آیت الله بهشتی (ره) دهها کودک دبستانی و دانش آموز مقطع راهنمای و دبیرستان از میان خواهران و برادران مهاجرو غیر آنها، احساسات پاک و شریں شانرا نسبت به رهبر فقید و مراد محبوب شان ابراز نموده و مقاله ها، اشعار و سرود های زیبای شان را در مجالس و محافل اجراء نمودند که در حین ارائه بسیاری از این مقاله ها و اشعار و سرود ها، مردم شدیداً به گریه افتاده و اشک می ریختند که گرد آوری و نشر همه این مقالات و اشعار و سرود ها به عنوان سند فراموش ناشدنی محبوبیت مردمی آیت الله بهشتی (ره) خود کتاب قطوری را لازم دارد که از خدای متعال برای انجام این امر مهم درآینده، طلب توفیق می نمائیم و در این یاد واره بلحاظ محدودیت های گوناگون بیش از چند مقاله را نتوانستیم بیاوریم؛ فلذا از برادران و خواهران عزیزم خصوصاً از عزیزان خورد سال صمیمانه پوزش می خواهیم.

سند افتخار جهاد

مقاله برادر احمدی

یک تن از تحصیلکردگان مؤمن و مخلص

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

به نمایندگی از جانب هیأت عزاداران حسینی (مشهد مقدس) اربعین رحلت عالم عامل، فقیه اهل بیت، مجاهد کبیر، حضرت آیه الله سید علی بهشتی رحمته الله را به پیشگاه مقدس آقا ولی عصر (عج)، حوزات علمیه، ملت داغدیده افغانستان و بیت معظم له تسلیت عرض می کنم.

با استفاده از فرصت نکاتی چندی را به طور اجمال در خصوص شخصیت و انقلاب اسلامی که تحت رهبری ایشان صورت گرفت تقدیم می دارم. گرچه درباره شخصیت علمی و انقلابی آیه الله بهشتی رحمته الله چهره های علمی و سیاسی صحبت های کافی نموده، اما من به عنوان یک فرد ملت و ابراز علاقه نسبت به زحمات بی شائبه شان و با کسب اجازه از محضر بزرگان نکاتی چندی عرض می نمایم.

درباره شناخت شخصیت آیه الله بهشتی رحمته الله همین مقدار کافیت که مردم مسلمان مناطق مرکزی در حساس ترین موقعیت زمانی ایشان را رهبر و سرپرست خود انتخاب نمودند در شرایطی مسئولیت خطیر رهبریت انقلاب را به عهده گرفتند که تمام بود و نبود ملت در معرض خطر و نابودی قرار داشت و این واقعیت

را نسل انقلاب و خبرگان در مسایل انقلاب می‌توانند. بهتر از همه درک نمایند. ایشان با استفاده از قدرت وسیع علمی و اعتقادیش و به‌عنوان یک فارغ‌التحصیل دانشگاهی عالیه مکتب علوی کاری را که اسلام و ارزش‌های عالیه مکتب و مصالح ملت در آن مقطع ایجاب می‌کرد انجام داد و در تاریخ خونبار ما در کنار کلمات چون جهاد، استقلال و آزادی نامش جاودانه شد. درین جا به چند مورد از مشخصات انقلاب اسلامی‌شان که به‌عنوان یک روی‌داد و حادثه بزرگ در تاریخ کشور، محسوب می‌گردد اشاره می‌شود:

۱. مقاومت انقلاب - به این معنی که انقلاب مناطق مرکزی بخش وسیعی از کشور را آزاد ساخت و اولین ضربه را بر پیکر کمونیزم وارد کرده و برای اولین بار زمزمه شکست دشمن در اذهان زنده شد و طبیعی بود که کمونیزم جهانی هرچه در توان داشت علیه این انقلاب اعمال می‌کرد و این درگیری و مقاومت انقلاب در برابر فشارهای گوناگون تا آن حد ادامه پیدا کرد که ابهت و صلابت ارتش فاتح جنگ دوم جهانی درهم شکسته شد و پایه‌های اولیه پیروزی ملت به‌طور عینی پی‌ریزی گردید و هرچه زمان می‌گذشت بر قدرت جهادی آزادی‌خواهان و مجاهد مردان در جای جای کشور افزوده می‌شد و انقلاب مناطق مرکزی به مثابه تکیه‌گاه روحی ملت و مجاهدین محسوب می‌شد و لذا در تاریخ ملت افغانستان این انقلاب به رهبری حضرت آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله جایگاه مخصوص به خود باز کرد.

۲. مردمی بودن انقلاب - در تشکیل انقلاب اسلامی شورای اتفاق فقط مردم بودند که به‌صورت خودجوش حاضر به فداکاری و از خودگذشتگی شدند و با اتکال به نیروی معنویت و مکتب حیات بخش اسلام با رهبری روحانیت و در رأس چهره شاخص علمی حضرت آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله با دست خالی وارد میدان جهاد و مبارزه عملی شدن و این از بزرگترین افتخارات انقلابی ملت ما محسوب می‌شود. رهبریت انقلاب با الهام از اندیشه‌های والای مکتبی‌اش به نیروی مردمی اعتقاد داشت و انقلاب اسلامی را در راستای دفاع از کشور متعلق به همه مردم می‌دانست و هرگز قشر و طبقه خاصی را در نظر نداشت و در پیچ و خم مسیر انقلاب این

واقعیت را بر ملا کرد که مصلحت همه مردم را در رأس کلیه مسایل قرار می دهد.

۳. تنها بودن انقلاب در آن زمان - از آنجائیکه انقلاب اسلامی مناطق مرکزی با توجه به موقعیت خاص زمانیش در واقع تبلور از عکس العمل کل ملت افغانستان در مقابل تجاوز به کشور محسوب می شد و اکثراً احزاب جهادی مخصوصاً احزابی که دارای سابقه مبارزه بودند با این انقلاب ضعیف بوده و آنچه مصلحت کشور و استقلال حکم می کرد در ارتباط با این انقلاب نوبنیاد از جانب آنها هماهنگی صورت نگرفت و اگر چنانچه از طرف احزاب و همه جوانب ذی علاقه مصلحت مکتب و ملت ما سایر مسایل را تحت الشعاع قرار می داد انقلاب مسیر تکاملی اش را با سرعت و شتاب طی می کرد و این معضلات موجوده در کشور کمتر احساس می شد.

۴. محوریت ثابت - آیه الله بهشتی رحمته به عنوان یک مجتهد و عنصر مکتبی در حفظ انگیزه انقلاب که همان دفاع از اسلام و معنویت بود خودش را متعهد می دانست و همواره می کوشید تا انقلاب حول محور اسلام گردش نماید و لذا اگر مشکلات موجوده افغانستان به طور کلی در نظر گرفته شود به این واقعیت می رسیم که انگیزه اصلی گرفتاری و سردرگمی احزاب جهادی از همین جانشآت می کند زیرا تا زمانی که احزاب جهادی در راستای دفاع از مصلحت های اسلامی قرار داشت از اعتبار و اعتماد لازم برخوردار بودند ولی از مرحله که مبارزه شان حالت تحمل ناپذیری و عدم سعه صدر را گرفت و حرکت های کلی مبارزه شان رنگ و بوی محورهای ثانوی یعنی (ناسیونالیستی - قشری - طبقاتی - لسانی و منطقه ای) را بخود گرفت مشکلات روزافزون شده به طوری که حتی خودشان نیز در بن بست قرار گرفتند. زیرا در قدم اول تغییر و تبدیل سریع مواضع شان یکی از فرایندهای این محور است که از یک طرف اعتبارات سیاسی آنها را مصدوم کرده و از جانب دیگر این مردم بی دفاع و مظلوم افغانستان است که به علاوه تحمل فشار دوران طولانی جهاد در مقابل کمونیزم جهانی ناخواسته قربانی این دگرگونی های سیاسی شده و در هر بافت جدید سیاسی بهای سنگین پرداخت می کنند و آنهایی که در رؤیای پیروزی

کتابخانه ملی افغانستان
دفتر کتابخانه و اسناد
کابل

بر مبنای حرکت های ناسیونالیستی و تک حزبی می باشند لازم است از حوادث تلخ انقلاب آموخته باشد که جز گردن نهادن به محوریت کامل و جامع اسلام راهی دیگر ندارند و اصرار بر تکرار این تجربه جزیشیمانی چیزی ببار نخواهد آورد تنها اسلام می تواند سعادت و حسن اعتماد همگانی را تأمین کند.

اسلام و ملت دایمی بوده و این کار گزاران سیاسی اند که به پیشگاه ملت و اسلام حساب بدهند و چه بهتر که امروز مصداق حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا باشند. ملت مراقب عمل کرد های آنها است و این مشکلات موجوده در کشور سر انجام خاتمه خواهد یافت.

ملت مظلوم ما خاطره شهدا و پاک بازانی چون آیت الله بهشتی (ره) را جاودانه دانسته و به عنوان سند افتخار خود در اعماق قلب ها محفوظ خواهد داشت روحش با اجداد طاهرینش محشورو تفکراتش مشعل راه آیندگان افغانستان باد

وسلام علیکم و رحمت الله

غروب درسکوت هندوکش

سید جمال‌الدین موسوی

به ابر مردی که یگانه سمبل وحدت ملی ما بود

هندوکش این مغرورمرد آشنا، اینبار در غروبی دلگیر، خورشیدی دیگر را در خود پنهان نمود.
براستی غروب‌های هندوکش؛ آنگاهی که خورشیدی دامنه‌های سرخس راغم آلود و رنگ پریده
جمع نموده، انوار ضعیفش را ازدامنه‌های پلک کوههای بلند دریغ می‌دارد، اندوه زاست.
«واژه‌ها» واسطه‌های هستند که احساسات مختلف آدمی را قدرتمندانه به تصویر کشیده، با نفوذ
در ژرفای ذهن مبین عمق تأثیر حوادث هستند.

واژه‌ها، احساس بر انگیز، شعف آور، اندوه‌زا و گاهی مبالغه‌گرند که از پیشامدی پیش پا افتاده،
شور انگیزترین حادثه را ساخته و زمانی مبالغت‌واژه‌ها، اتفاق بزرگ و سرنوشت‌ساز را کوچک
و بی‌اهمیت جلوه می‌دهد.

وزمانی نه از روی عمد و غرض، بلکه از روی عجز و ناتوانی، این واژه‌های توانای مبالغت‌پیشه،
از بیان احساسی عمیق و از توصیف حادثه بزرگ، چونان آتشی بی‌فروغ و به خاموشی گرائیده،
ناتوان و عاجز‌اند.

واژه‌ها این واسطه‌های توانا، این بیان‌گران مبالغت‌آمیز که گاهی از کاهی کوهی ساخته،
داستانهای شور انگیز شان خون‌غیرت و جرئت‌رادررکهای انسانی تزریق می‌کنند. در وصف این
غروب ناگهانی از توصیف دودِ دل‌واه جانکاه هندوکش

عاجز است.

صفیر گلوله‌ها، غرش هواپیماها و غریو جنگ‌جویان، پیام‌آور لگدمال شدن اعتقاد مردمی جوان‌خیز با چکمه‌های سرخ و نیرومند کمونیزم بود و هیولای بدشگون نظام دموکراتیک داس و چکش نشان، ره‌آوردی جز هجوم ناجوانمردانه و سرتاسری به هزاره‌جات مظلوم نداشت.

شاید می‌رفت ملتی پابرنه و بی‌چیز اینبار نیز قربانی دسیسه‌ای دیگر، فریادهایش در هزار توی تاریخ به سکوت کشانیده شده، هست و بودش در دهان شکمباره‌ای دیگر آنچنان بلعیده، خورده شود که بعد از آن تاریخ حتی یک آروق را هم به ثبت نرساند.

و اینک فریاد طغیان ملتی مظلوم در خروش بیداد ستیز پیغمبر زاده آزاد بهشتی حنجره خروش‌زای مردم ما، رهبر زاهد، تفنگدوش و مدبر ما، این سمبل غرور ملی و مبارزات پاک و ضد اشغالگر ما، اکنون در جهالت مردمی برادرکش، بی‌اتفاق و بیگانه پرست می‌سوخت.

جنون پیشگانی که چون اعراب جاهلی بر قوم و قبیله و پیشینه سراسر ظلم اسلاف انتسابی خویش - بازیچه دست خونریزان بین‌المللی مباحات می‌فروختند و غوطه‌ور در دریای غفلت و روان پریشی عقده‌های کوفته شده خویش را به فورانی ظالمانه و هستی سوز رساندند.

و این یگانه سترگ مظلوم در سرزمین خونین رنگ و سنگلاخی هزاره‌جات به پیش می‌رود...

آسمان به سرخی نشسته، از میان هیاهوی انتقام‌جویانه سخت‌مغزان، به پیکر رشید و غم‌دیده این غم‌خوار وطن دقیق شده است.

پایان گامهای کوتاه بهشتی، دره‌ای غنوده در آغوش کوهی و صخره‌ای سربالا از پوران خلف هندوکش است.

پیر پیامبر خوی بر بلندای بلندی، اشک در چشم دستهای لرزان را به سوی آسمان فراز کرده از خداوند محبت و تفاهم، یگانگی و یک‌رنگی مردم ما را

می خواهد.

آری اگر علی علیه السلام در دل به چاه می گفت بهشتی اندوه این ملت به کوه عرضه می کرد!

و چه اندوه زاست فاجعه‌ای به پهنای غایت تأثیر و نهایت زیان و خسران برای ما!

و این است که تاریخ هر از چندگاهی اعجوبه‌ای را به خود می بیند که پا بر فرقدان آدمیت نهاده در گذر از افلاک وسیع هفتگانه به سوی معراجی عظیم در دربار شکوهمند یگانه ذات حقیقی به سجده پاک خضوع نشیند.

و شاید «دنیا» این فریبنده‌ترین صورت فریب آنچنان در نگاه آسمانی آنان حقیر گشته به سخره بیفتد که والاترین طرفندهایش حتی دمی ملعبه ذهن پاک آنان نگردد.

و اکنون؟ پرتوهای سرخ و مایوس خورشید پنجاب دست از دامان پاک خطه ورس برداشته ناامید و غم‌آلود بسوی خفتن در دل مغرور هندوکش شتاب می گیرد. براستی فقط کوه است که توش و توان غمخواری خورشید را دارد و فقط هندوکش است که می تواند خورشید سرخگونه هزاره جات را در برگرفته، در پشت خود پنهان کند.

سلام فاطمه علیہا السلام

سید محمد عارف امینی

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لَاهْلِهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَهْلِهَا فِي وَصِيَّةٍ لِفَاطِمَةَ علیہا السلام: وَأَقْرَبُ وَلَدِي السَّلَامِ
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

سپاس از آن خداست و سلام از آن فاطمه علیہا السلام چون خود سلام است که سلام ہی
حتی مطلع الفجر

سلام بر فاطمه علیہا السلام و بر باب فاطمه علیہا السلام سلام بر فاطمه علیہا السلام و بر ہمتای فاطمه علیہا السلام
سلام بر فاطمه علیہا السلام و بر اولاد فاطمه علیہا السلام و سلام بر تو ای «رہرو» و «رہ پیمای» راہ
فاطمہ علیہا السلام سلام بر تو ای رہبر

سلام بر تو ای، ستارہ صبحگاہی آسمان جہاد

سلام بر تو ای، پرچمدار میدان آزادی و آزادی

سلام بر تو ای، طلایہ دار میدان علم و عمل

سلام بر تو ای، یار یتیمان

سلام بر تو ای، غمگسار بیچارگان

ای سہیل آسمان فداکاری و ایثار چہ زود دست مان از دامانت کوتاہ شد و گرد
یتیمی بر سر و روی ما نشست تقارن پرواز ملکوتی ات با ایام شہادت، امّ الائمہ،
صدیقہ طاہرہ شجرۂ طوبی، مدافع علی علیہ السلام، تنہا یاور علی علیہ السلام، پیش مرگ
ولایت، ناموس خدا، فاطمہ زہرا علیہا السلام، خبر از پیوند روحی تو با فاطمہ علیہا السلام را
می دہد، خبر از ہمبستگی ات با ولایت را می دہد زندگی ات زندگانی ات و اینک

مرگ تو در این ایام، خاطره کوجه های مدینه، فریادهای فاطمه علیها السلام، ناله های فاطمه علیها السلام زمزمه های فاطمه علیها السلام و به یک کلام سلام فاطمه علیها السلام را در لوح خاطرات ترسیم می کند و اشک گرم علی علیه السلام بر رخسار فاطمه علیها السلام را به تکثیر آینه اشک سینه مجروح می نشاند، که خود یادواره یوم الله خلافت انسان است.

همان روزی که لیاس زیبای «خِلاَفَةُ اللَّهِ» بر اندام انسان کامل راست می شد، عابدی که هزاران سال در سجده بود؛ معلمی که هزارها سال تعلیم نماز می داد به یکباره برآشفته و فریاد اعتراض برآورد و شمشیر عصیان از نیام درون برکشید و طبل «انانیت» بنواخت و به نبرد خدا برخواست که چرا من نشدم؟!

این اولین عصیان خدا در جهان خلقت است، عصیان بر ولایت، و همان عصیانگر قسم خورد که فرزند آدم را اغوا کنم و ظلم و جور و تعدی را در نظرشان زینت دهم تا هرگز آنچه تو خواستی تحقق نیابد و ولایت بشر را من قبضه کنم.

از آن روز بود که در پی این سوگند، با تمام قدرت و تمام نیرو و همت و سعی خود را به کار گرفت تا با برون آوردن آدم از بهشت، و با وسوسه تهدید و تطمیع با زر و زور و تزویر فرزند آدم را بفریبد و به ولایت و خلافت و حکومت بر او دست یابد و لو با کشتن انبیاء و ابناء انبیاء و لو با ریختن خون برادری بدست برادر، و لو با کشتن دختر نبوت و لو با شکستن حریم پهلوی ولایت!!!

از همان نخستین روز که بشر برای دشمنی برای فساد و سفک دماء و خونریزی به زمین هبوط کرد. دو راه فرا راه بشر ترسیم شد ولایت الله و ولایت شیطان، راه هدایت و راه ضلالت راه خدائی شدن و راه شیطان شدن، جهل و عقل، نور و ظلمت عدالت و ستم، خودخواهی و خداخواهی، احیا کردن و کشتن انسانیت. عجب از آدم که فریب قسم دروغین خورد و عجیب تر از آن فرزندش که با مشاهده حقیقت ره افسانه زده و توکی شیطان را پذیرفت گرچه بارها ناله کرد و آرزوی محال که ایکاش همانند هسته خرمايي در سرگین شتر بودم!!

گرچه دو دوره از حکومت شیطان بر فرزند آدم می گذشت اما با بعثت رسول اکرم و با اشراق نور انسان کامل، جاهلیت دوم رخت بر بست و رحی و آسیاب

گسیخته بر قطب خود استوار گشت و ولایت به عنوان باب و درب مدینه معرفت معرفی شد که داخل شدن در شهر، ولی نه از دروازه، سر به دیوار کوفتن است و به دروازه چسبیدن و ترس از شهر و ترک شهر به در یوزگی نشستن و سرقت شبیه تر، که حقا آنانکه با دیدن آنهمه فضائل حرص پیامبر بر هدایت و شدت خطاب خدا بر معرفی ولایت ظاهری و تکوینی و آنهمه تصریحات پیامبر نه تنها در غدیر بلکه در خیبر، در خندق، در احد، در تبوک، در بدر، در حنین، هنوز خیال تصاحب ولایت و خلافت همانند خواب آشفته در سر هوس می‌پروراندند و عشقه ولایت شیطان، خوره جانیشان شده و میان تهی و فرومایه‌شان کرده بود. به ترصد سرقت این قمیص نشسته بودند، سارق بودند و چه زود بردند و میراث پیامبر را خوردند و چنان رقصیدند و چرخیدند و ناظران صحنه را گیج و کرو کور کردند و مست از باده غرور عریده پیروزی سردادند که از غریو و ولوله‌شان صدای مادر دلسوز که برای حفظ کودک خود از حق خود گذشت در گلو در لابلای بغض همانند استخوانی خفه ماند و نشنیدند که:

لَقَدْ تَقَمَّصَهَا ابْنُ أَبِي قَحَافَةَ وَ إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلَّيْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى

و بسیار زود چه بسیار زود آل رسول را فراموش کردند و تنها گذاشتند که از غریبان مدینه غریب‌تر و از مسافران شام ناشناخته‌تر ماندند تا جایی که آتش به مهبط جبرئیل افروختند و ریسمان به گردن فاتح خیبر انداختند، کسی سر بر نیاورد و روی تنافت و آهی و آخی بر نکشیدند جز محسن شهید و مقهوره مضطهده که علی می‌گوید: وَ يَكْدَحُ فِيهَا مُؤْمِنٌ حَتَّى يُلَاقِيَ رَبَّهُ سَازِست که مؤمن از غصه بمیرد.

اینک تنها مدافع علی، تنها یاور علی، فدائی ولایت وارد عمل جدی می‌شود و تا آخرین لحظات زندگی، با فریاد و خروش، با دادخواهی، با ناله، با گریه، با زمزمه در مسجد و کوچه، در خانه و غم‌خانه به دفاع می‌پردازد و جان خویش بر سر این کار می‌نهد و پس از خود برای آیندگان معتقد به خود پیاسی تا پهنه گیتی می‌نهد و راه پویندگان راه معرفت را در پایان وصیت‌نامه‌ای که در کنار بالین او یافتند؛ در کلمه رمزی این چنین ترسیم می‌کند که وَ اقَرَّهٗ وُلْدَى السَّلَامِ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

این که نه سلام عادی است مخصوص رندان و چابک سواران پهنه توحید و زیرکان و بیداران وادی نبوت و رسالت و بیدارگران اقلیم قبله است که آنها دریافتند در این سلام چه پیامی نهفته است. آنهایی دریافتند و جواب سلام دادند که نوشتند: فقیهی که در عصر غیبت به ولایت فقیه نیندیشد، طعم فقه را نچشیده است. فقه را نفهمیده است این فریاد جواهر است که فریاد فاطمه را تداعی می کند. او فرزند فاطمه است، چون رسول خدا فرمود: **أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَاهِذِهِ الْأُمَّةُ** اگر علی پدر اُمّة است، فاطمه مادر است،

البته از زمان آن پیام و سلام، قیامها و شورشهای زیادی برای بازگرداندن ولایت به دودمان فاطمه صورت پذیرفت اما اکثراً یا به کژراهه مایل شد و یا دچار طوفان شکست. و علت چیست خدا می داند.

در زمان معاصر شاگرد دیگری از مکتب انبیا و ولدی، فرزندی از فرزندان فاطمه یعنی حضرت آیه الله العظمی زعیم جهان تشیع حضرت روح الله الموسوی الخمینی **«قدس الله نفسه الزکیه»** به سر این سلام پی برد و برخاست و قیام کرد و تا منای فاطمه را برآورده نکرد، از پای ننشست که امروز شاهد تنها حکومت فاطمی علوی شیعی در کشور جمهوری اسلامی ایران هستیم.

و از این تبار بود: یعنی از شاگردان مکتب انبیا و علمدار صحنه توحید و کفرستیزی حضرت آیه الله بهشتی **رحمه الله** رهبر فقید مجاهدین و ملت غیور و سلحشور مناطق مرکزی که به سلام فاطمه جواب گفت؛ وی که پیام سلام را در جهاد مسلحانه بر علیه کفر و الحاد نظام کمونیستی و بازگرداندن ولایت و حکومت به محور اصلی خود یعنی حکومت انبیا و اولیاء و ائمه و در عصر غیبت به حاکمیت فقاها و مکتب تشیع تلقی کرده بود، دست به قیام مسلحانه گشود.

همو که در خانواده علمی و مذهبی رشد و نمو کرد و از پستان ایمان و حب ولایت تغذیه شد، و در دست مدافعان علمی ولایت؛ در حوزه های علمیه افغانستان و نجف اشرف همانند مرحوم والدش و شیخ ابراهیم عالمی شیخ محمد علی دایکندی و شیخ موسی کلانی و حضرات آیات آیه الله حکیم آیه الله سید

محمود شاهرودی و آیه‌الله خوئی یافت تا آنکه خود دست تربیت از آستین تعلیم و تهذیب گشود و شاگردانی چون شیخ زکی ورس استاد خلیل پنجاب آیه‌الله استاد تقدسی ترکمنی و غیره را تحویل جامعه داد و آثاری را از خود بجای گذاشت:

تأسیس مدرسه علمیه تخت ورس

تأسیس مدرسه علمیه باقریه سراب

تأسیس شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان

تأسیس اولین حکومت شیعی در مناطق مرکزی

تدوین قوانین حل و فصل دعاوی و نظام ملکی و مالیاتی از نظر فقه شیعه

تدوین کتابهایی همانند:

تقریرات درس خارج فقه آیه‌الله سید محسن حکیم رحمته‌الله.

تقریرات درس خارج اصول آیه‌الله خوئی رحمته‌الله.

تقریرات درس خارج فقه آیه‌الله سید محمود شاهرودی رحمته‌الله.

ارجوزة فی اصول الفقه.

شرح حاشیه ملا عبدالله.

اخلاق و تربیت خانواده.

تجربه و مبارزه.

او که در میدان علم و عمل از ستارگان فروزان هدایت بود، او که در صحنه پیکار و مبارزه علم بر دوش و طلایه‌دار احیای تفکر سرخ شیعی بود.

او که از تبار وارثان انبیاء و منادیان توحید و کفرستیزان بیشه توحید بود؛ آنان که به تمام دنیا و زخارف آن پشت پا زده و هیچگاه دست همسویی بسوی ظالم و ستمگر دراز نکردند و تا پهنه تاریخ تا آخرین رمق با ستمگر جنگیدند و هستی خویش را در این راه نهادند؛ آنانکه همیشه منبع فیض و معدن نور بوده و جامعه بشری را از ظلمت رهائی داده و با تمام توان نورافشانی کردند و در مقابل حوادث و مشکلات پایداری و فداکاری و ایثارگری نمودند. که نامشان برجسته‌ترین و درخشان‌ترین واژه‌های تاریخ بشر است و به جاودانگی تاریخ جاودانه خواهد ماند.

اینک در سوگ مردی از تبار حسین علیه السلام نشسته ایم مردی که لحظات زندگی اش جلوه توحیدی و شرک ستیزی و ستم سوزی دارد. مردی که پس از احساس وظیفه و شناخت تکلیف همانند جدش حسین علیه السلام قیام کرد و پرچم وحدت و هدایت را بر دوش کشید و پس از مبارزه خستگی ناپذیری بیرق اولین حکومت شیعی در افغانستان را بر فراز قلعه های رفیع و پرافتخار مناطق مرکزی به اهتزاز درآورده و این افتخار تا ابد در تاریخ عدالت خواهان و آزادمردان و آزاداندیشان در کنار نام بهشتی جاودانه خواهد ماند.

او که رمز پیکار سرد فاطمه علیها السلام را دریافته بود. برای تحقق بخشیدن آرمان فاطمه علیها السلام لحظه ای از پای نشست و همواره در راه حفظ دست آورد بزرگ وحدت شیعی در افغانستان کوشید.

او را چه باک که کشته شود یا کشته بدهد اسیر شود یا سیر بدهد. آن سیاستمدار حقیقی که هیچگاه دنیا او را نفریفت و دین خویش را به دنیا نفروخت، گرچه حرفی را که درباره جدش علی علیه السلام گفته بودند که او سیاستمدار نیست. و معاویه سیاستمدار است درباره او هم گفتند.

درست است او سیاستمداری از قبیل معاویه نبود اما از نظر دین که سیاستمدار آنست که دین را به دنیا نفروشد همانند جدش علی علیه السلام در خانه نشست و اسلام را حفظ کرد به تمام معنا سیاستمدار بود.

گرچه جاهلان وادی شیطنت نه سیاست و کور و کران زور و زر و تزویر و مستان باده ریاست کردند آنچه را نباید می کردند ولی علی گونه صبر کرد که:

فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَى

در زندان سندی ابن شاهک یهودی وقتی بصورت موسی بن جعفر علیه السلام سیلی زدند حضرت گریستند و بعد فرمودند گریه من برای مادرم زهرا علیها السلام است که اکنون فهمیدم که زهرا علیها السلام چه کشیده است.

چقدر بر تو سخت گذشت و اهل بیت تو به اسارت رفت اما نه بخاطر اهل بیت بلکه از این جهت که فهمیدی بر حسین علیه السلام و سجاد علیه السلام چقدر سخت گذشت.

اینک ای ملائک آسمان و ای شاهدان زندگی بهشتی ای بقاع زمین ای جایگاه
 نماز و سجده بهشتی ای درهای آسمان که شاهد اعمال او بودید بیایید در سوگ
 بهشتی مظلوم با یاد خاطره‌هایش اشک بریزیم که:
 إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ بَكَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ
 ملائکه در مرگ مؤمن گریه می‌کند.

گرچه در سوگ تو نشستن و رویت ندیدن و کلامت را نشنیدن کمرشکن است و
 طاقت فرسا و رخنه‌ای بزرگ در اسلام که لایسدها شیء اما وقتی بیاد وداع علی علیه السلام
 با خاک فاطمه علیها السلام می‌افتم و به یاد سلام فاطمه علیها السلام و مظلومیت فاطمه علیها السلام و هَلْ مِنْ
 نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي فاطمه علیها السلام که در سلام او تجلی کرد بر تو سلام می‌فرستیم.
 بر تو ای آزادمردی که فاطمه‌گونه زیستی فاطمه‌گونه از حریم ولایت دفاع کردی
 و همانند فاطمه علیها السلام با تحمل هزاران درد جانکاه به لقای حق شتافتی.

فقدان این عالم ربانی و این مصیبت عظمی را به محضر مقدس حضرت ولی
 عصر (عج) مقام معظم رهبری و حوزات علمیه و ملت داغدار و یتیمان
 بی سرپرست و مجاهدین و مهاجرین تسلیت عرض می‌نماییم، و برای بازماندگان و
 بیت شریف طلب اجر و صبر و برای آن فقید سعید طلب علو درجات از خداوند
 منان داریم و با روح تو ای رهبر محبوب پیمان می‌بندیم که پرچمی را که تو
 برافراشتی بر زمین نگذاریم و تا پای جان در راه حفظ دستاوردهای مجاهدات از
 پای ننشینیم و تا تحقق آرمانهای بلندت که آرمان مکتب سرخ تشیع است دست از
 جهاد و مبارزه و عدالت‌خواهی و کفرستیزی برنداریم و آنچنانکه تو در راه حفظ
 وحدت و بنیاد وحدت تشیع از تمام منافعت به یکباره گذشتی در راه حفظ و
 نگه‌داری‌اش از جان بگذریم چقدر باید زمان در میان صفحات تاریخ بگردد تا
 همانند تویی را بیابد.

سلام بر فاطمه علیها السلام و سلام بر همتای فاطمه علیها السلام

سلام بر فاطمه علیها السلام و سلام بر اولاد فاطمه علیها السلام

سلام بر فاطمه علیها السلام و سلام بر رهروان راه فاطمه علیها السلام

سلام بر تو ای رهبر، سلام بر تو و سلام فاطمه علیها السلام.

یادآور آیات قرآن

آقای توسلی

با یک جهان تأثر و اندوه ابن ضایعه بزرگ و این ثلثه جبران ناپذیر و عروج ملکوتی عالم عامل و فقیه ممتاز حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه را به پیشگاه مقدس مهدی موعود قائم آل محمد (عج) و مراجع تقلید و حوزات علمیه و سلسله جلیله روحانیت و شاگردان آن حضرت و بیت شریف و برادر بزرگوارشان حجة الاسلام والمسلمین الحاج آقای واعظ بهشتی و ملت داغدیده و مهاجر و شما حضار محترم اعم از زن و مرد تسلیت عرض مینمایم:

باری بنوبه خویش جملات چندی را در حضور حضار محترم اداء میدارم آری از روز رحلت جان سوز رهبر محبوب تاکنون مجالس بزرگداشت از طرف ملت مهاجر از مشهد مقدس الی تهران و قم و جاهای دیگر برگزار شده است و اطلاعیهای از طرف اقشار ملت مهاجر پخش و مبلغان و سخنوران قوی اساتید و دانشمندان شهیر هر کدام بنوبه خویش در این مجالس عظیم و پرشکوه سخنرانی نمودند و راجع به شخصیت عالی علمی و جهادی و قداست و صداقت و شهامت و شجاعت و استقامت و صدها سجایای اخلاقی آن رهبر فقید سعید با تفصیل سخن گفتند و خواهند گفت اما هیچ کس قادر نخواهد بود که حق مطلب را نسبت به شخصیت بهشتی بزرگ ادا کند تا وقت که وجود بهشتی در میان ما بود کس قدرش را ندانستند و نشناختند: ولی از این به بعد به مرور زمان چهره او در نظرها عوض می شود عمق و معنی و احساس و احترام دیگری در قلب ها به وجود می آورد و

شخصیتش متجلی می‌گردد گویا شخصی دیگری است غیر آنکه سالها مردم او را می‌دیدند بقول استاد شهید مرتضی مطهری رحمت الله علیه که اشخاص با شخصیت و مردان الهی و بافضیلت تا وقت زنده است آن طوری که باید شناخته شود شناخته نمی‌شود و بعد از اینکه از دنیا رفت فصلهای جدیدی به معرفت و شناختش باز می‌شود صدها برابر از زمان حیاتش شناخته می‌شود و ملت و مردم نسبت بوی معرفت پیدا می‌کنند، بهشتی عزیز ما به حقیقت یک عالم ربانی بود او هم فقیه بود و هم حکیم و هم ادیب و هم طبیب بود معیارها و صفات والا و عالی داشت و ابعاد زندگیش در هر میدان توأم با قرآن و احکام الهی بود همیشه به هر حال و در هر جا به یاد خدا بود مصداق آیه شریفه:

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ

آنانکه خدا را در حالت استاده و نشسته و حالت خفتن به پهلویشان یاد کنند و ایشان توجه کامل به ذات آفریدگار جهان داشت و این صفت را دارا بود که:

رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مِنَ الْآبِرَارِ

پروردگارا از گناهان ما درگذر و زشتی کردار ما را بپوشان و حین جان سپردن ما را با نیکان محشور گردان:

و دیگر از صفات عالی و شایسته آن عالم عامل نفی عبادت و اطاعت طاغوت‌ها و ابرقدرتها بود نه شرقی نه غربی حکومت واقعی اسلامی و الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتِ أَنْ يَعْْبُدُوهَا

آنانکه از پرستش طاغوت دوری جستند و دیگر از معیارها و صفاتی که ایشان دارا بود همانا امر به معروف و نهی از منکر در هر شرائط و مبارزه سرسختانه ایشان با منکرات در طول تاریخ زندگی پربارشان که واقعاً مصداق آیه قرآن کریم قرار می‌گرفت وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند و اینان به حقیقت رستگارانند و دیگر از معیارهایی که ایشان دارا بودند نماز خاشعانه آن بزرگوار بود در وقت نماز در محراب عبادت قرار می‌گرفت خاضعانه با خدایش به راز و نیاز مشغول می‌شد گویا

آخرین نماز ایشان است قرآن این دسته از نمازگزاران را این گونه وصف می کنند:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ

همانا اهل ایمان به رستگاری رسیدند آنانکه در نماز خاشع و خاضع هستند.

و دیگر از صفات برجسته و ممتاز ایشان که بر هیچ کس پوشیده و پنهان نیست جهاد در راه خدا بود از آغاز کودتای کمونیستی و تهاجم سبعمائه ارتش سرخ تا بدندان مسلح شوروی در افغانستان ایشان رهبریت قیام مسلحانه مناطق مرکزی و تشیع افغانستان را به عهده گرفت به اندک زمانی مناطق را از مزدوران پاک و دولت موقت اسلامی تشکیل داد و مدت ۶ سال یا بیشتر کمتر در این راه لحظه ای از پا ننشسته و از هیچ فداکاری و ایثارگری دریغ نورزیدند و با جرأت می توان گفت این جمله زیبای قرآن در مورد ایشان مصداق پیدا می کند:

و جَاهِدُوا بَأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

و یا هجرت و جهاد در راه خدا.

و الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا کوشش و جان فشانی کردند و دیگر چیزهایی که از روح بلند آن رهبر متجلی و متبلور بود توکل با خدا داشت در طول انقلاب در فراز و نشیب های جهاد و مبارزه بر علیه استکبار جهانی و قدرت طلبی شرق متجاوز و نوکران و عاملانش گرچه سختی ها و مشقت ها و تنگناها به وجود می آمد، صحنه را ترک نمی کرد به این درو آن در نمی زد و علی ربه می یتوکلون طلب کمک و یاری از خداوند جهان می نمود و همیشه خیر و صلاح ملت را می خواست حامی وحدت و یکپارچگی ملت مسلمان و شیعیان افغانستان بود شاهد بر مدعایم جملات ارزنده ایشان است که می فرمود:

«وحدت برای امروز ما اثربخش و برای فردای ما ثمربخش است»

«و من خیر و صلاح تشیع افغانستان را به وحدت می دانم»

«اگر وحدت داشتید هم عزت دارید هم شرافت و قدرت دارید و هم حقوق شما حفظ می شود»

«ما سرمایه ای داریم که نه شرقی ها دارد و نه غربی ها آن وحدت معنوی است»

«ما موظف هستیم که مکتب اسلام را بطور خالص به نسلهای آینده خود تحویل دهیم وگرنه مسئول هستیم»

آری آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله آن فقید سعید آن رهبر محبوب در طول زندگی پربارش همواره مردم را بسوی فلاح و رستگاری هدایت و رهبری می‌کرد با رفتارش با گفتارش با نصیحت‌های دلسوزانه و پدرانهاش گرچه گوشه‌از معیارها و صفات برجسته و اخلاق نیکو و پسندیده آن سفرکرده را اجمالاً به عرض می‌رسانم:

آب دریا را اگر نتوان چشید پس به قدر تشنگی باید چشید

پس چگونه باور کنیم که همچو شخصی با شخصیت و عالم ربانی و فقیه مجاهد و قهرمان را از دست داده‌ایم و در عذایش اشک ماتم بیاریم و لباس سیاه بر تن داریم آه چه قدر سخت و دشوار است باور کردن رفتن ای سفرکرده! ای بهشتی ای عزیز! ما در خارج از کشور در ماتم نشستیم عاشقان و مریدان از مشهد مقدس الی تهران و قم مرکز علم و فقاہت و اجتهاد و مرجعیت غرق در ماتم و اندوه است نمی‌دانم در داخل کشور عاشقانت زمانی که خبر رحلت را شنیدند چه حالی داشتند و روز تشیع پیکر پاکت چه شور و نوای داشتند آن‌طور که به ما صحبت کردند روز تشیع جنازه رهبر و مقتدای ملت سیل مردم از هر طرف بسوی تخت سرازیر شدند از مالستان و جاغوری - ناهور - بهسود و بامیان و یکه‌ولنگ و پنجاب - لعل و کرمان دایکندی و شهرستان بندر و اشترلی و ساحات ورس و جاهای دیگر زن و مرد پیر و جوان به هر نحو ممکن خودشان را به مدرسه علمیه رساندند همه ماتم زده و حیرت زده با چشم‌های گریان پیکر رهبر را جنازه حامی و پشتیبان‌شان را تشیع می‌کردند و با زبان حال می‌گفتند:

مصیبت و مصیبت	بهشتی رهبر مظلوم امت
بهشتی رفتی از دنیا	سفر کردی سوی عقبا
ز داغت خون همه دلها	مصیبت و ام‌مصیبت

گویا قیامت شده صحنه عجیبی بود با گریه و زاری پیکرش را تشیع کرد تا جایگاه ابدیش در پشت مدرسه علمیه بخاک سپردن صدا و سیما نبود تا صحنه را منعکس

می کرد از رسانه ها خبری نبود تا آن وقایع را مخابره می کرد واویلا وامصیبت فکوری یکطرف به فکر فقدان رهبر در عزا نشسته واحدی به یکسو به تنهای عزادار احسانی با حالت افسرده غبار یتیمی به چهره نشسته طاهری درمیان انبوه جمعیت دست از کمر گرفته جملات اباعبدالله را بر زبان می راند اما واعظ بهشتی جای تو خالی بود.

در سوگ خورشید

معصومه جعفری

آه که این غم، چه خونبارشی است! به در سرای خورشید، پرده‌ای سیاه
آویخته‌اند، ماه و ستارگان، گریبان چاک از پنجه آسمان به زمین می‌نگرند، درختان،
بر بام خانه‌ها علم عزا شده‌اند، آسمان بر پرده از ابر، غمنامه‌ای نگاشته و برای
عرض تسلیت در سر در کشورمان آویخته است.

در زمانی که خورشید تیره شد و ستارگان به هم برآمدند و کوههای دلها از هم
پاشیدند، و زمین را زلزله‌ای عظیم، پشت لرزاند، بی‌درنگ آسمان آبی و صاف را
کُسف فراگرفت.

آری، امروز ۳۵ روز از فوت مردی که طلوع طلیعه آگاهی ایمان و آزادگی بوده است
می‌گذرد.

می‌توانی ببینی! آواز خاموش حادثه را می‌گویم: آینه شکسته اشکها، دلهای زخم
خورده غنچه‌ها، قیامت قامت‌های منحنی، چهره‌های گریان گلها، دهلیزهای غمگین
عشق، بارانهای موسمی عاشورایی، ستیغ سیاه غربت، ناصبوری صنوبرها تصویر
ستاره‌های پژمرده در آینه شکسته مهتاب، غبار یتیمی کشور افغانستان، زخم جان
زخمه‌ها و سازه‌ها، آبشار افقهای پر از حق حق، لشگری از غم، هجوم آورده است، و
جوهر سیاه غم، کاغذ دلها را مچاله کرده است. نسیم، تلقین فراق را زمزمه می‌کند
و اشکها همه شهادت می‌دهند که آن خفته، در فراسوی ابرها چه خورشید روشنی
از عشق بوده است.

حاليا، ای شهاب تابنده، ای همینه همه کمال، ای مهاجر کو چنده تا بارگاه نگار،
ای گلبن باده‌های برادری، ای آبادی عرفان، ای آفتاب لایق، ای رهبر وحدت و
استقامت، ما اکنون در غم نبودن تو نشسته‌ایم، ای همه شور، ای خلاصه شب‌نم، تو
رفتی و غم تنهایی و بی تو بودن را بر سر و روی مردم غیور ملت افغانستان نهادی.
ای راحل شتابناک، باده بودن با تو، ما را به خود می‌آورد، ای سفر کرده، تو رفتی و
هزاران پروانه سوخته بال در غم سوگ تو نشستند.

ای بهشتی غیور، ای چکیده صفا، ای تراوش کوزه معنا، ای نابترین واژه در
وصف تو زبون، ای دل از دوریت کاسه کاسه خون، ای رایحه نرگس بیداری، ای
شمع شاهد شبستان آزادی، ای پروانه دشت عالم ملکوت، ای رهبر مینای عشق
ای عصا ایمان، بهشتی.

تو از آفتاب آمده بودی، دستانت سرشار از سوغاتهای پربرکت آسمانها بود، ما
فرزندان آدمیم و تو نواده هابیلیانی هستی که بر هبل شوریدند و لات را به فلات
حقارت افکندند، ما هم‌خونیم و تو بشارت تداوم سلمان فارسی بودی، تو یار
خورشید بودی خوشه‌ای از خشم و خروش علیه خفاش‌ها بودی، تو صداقت
فراره‌های ایثار بودی، بزرگ بیت مثنوی غربت ما بودی تو گل خوشبوی این سرای
ما بودی، ما را درود ما را در رودخانه‌های دعايت شستشو می‌دادی.

سلام بر تو بهشتی، سلام بر تو، که فرزند راستین «آدم»، خلیل «ابراهیم»، و
همپیمان «نوح» و یاور «موسی» و عزیز «روح الله» و نواده «محمد ﷺ» بودی،
سلام بر تو، سلامی ویژه، از هر سپیده‌دمان، تا هر شامگاهان، هزاران بار!

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته صلوات

پایگاه مرکزی هیئت عزاداران حسینی بخش واحد خواهران

اندوه هجران

آقای داود محمدی

ای پدر پیر، غم فقدان امانان نمی دهد و اندوه هجران رهائمان نمی کند،
آخر کشورمان را بی تو نور و فروغی نیست، جای جای کشورمان نشان از تو دارد و
شمیم وجودت همه جا آکنده است، یتیمان پیوسته تو را می جویند اما از آنجا که
می دانیم تو در آسمانهائی، همیشه به شوق دیدارت به آسمان و ستارگان خیره
می شویم.

اکنون که ۲۶ روز از سفر روحانی تو می گذرد و همه مشتاقان تو در مراسمها گرد
هم می آیند و عاشقانه می نالند و عاجزانه می گریند و رهگذرت را از خانه تا مزارت
گل ریزان می کنند. ای پدر پیر، تو که از حال عاشقانت آگاه بودی، تو که از جان
شیفته ما خبر داشتی و می دانستی که ما شیدا و بی قرار تو هستیم، چگونه تنهایمان
گذاشتی؟! آخر ما که عمری را در پرتو وجود تو سپری کردیم، چگونه در ظلمات
هجران تو می توان زیست و شرح این هجران و این خون جگریها را چگونه بر روی
کاغذ آورم؟!

ای پدر پیر، امروز بیست و ششمین روز عروج ملکوتی و بلند پرواز تو است، با
عروجت ملت تشیع مظلوم و ستمدیده افغانستان، یک پارچه سیه پوش و عزادار
شده اند. ای پدر پیر، چرا ما را در این موقعیت حساس و نابسامان تنها گذاشتی؟! ای
پدرم، ای رهبرم، رفتی و هزاران دل سوخته، به جا مانده است، ما با این دلهای
سوخته چه کنیم؟ رهبرم! رفتی و با رفتنت ما را با کوهی از بار غم و اندوه تنها

گذاشتی.

ای بهشتی عزیز! ما دل‌مان به تو خوش بود که رهبر فرزانه و مجاهدی همچون تو داریم،
 ای پدر مهربان! ما کودکان مهاجر آرزو داشتیم که چهره مهربان و پدرا نه ات را از نزدیک
 ببینیم و درد دل‌های مان را با تو در میان بگذاریم، ولی افسوس، افسوس، به این آرزو
 هایمان نرسیدیم، و تو با رفتنت کوهی از بارغم را بر دوش ما گذاشتی، حال ما به امید
 چه کسی این بارغم را تحمل کنیم؟ آیا پیدا می‌شود که همچون تو دست مهربان و
 نوازشگرش را بر سرو صورت مان بکشد؟!

بخش ششم

انعکاس نور

مصاحبه با برخی شخصیت های علمی و سیاسی

انعکاس نور

مصاحبه با برخی شخصیت‌های علمی و سیاسی

مقدمه باید یادآوری نمائیم که اولاً: در این بخش با بسیاری از بزرگان حوزه‌های علمی و غیر آنها مصاحبه صورت گرفته است که متن برخی از این گفتگوها در هنگام چاپ، در دسترس ما نبوده است، مانند مصاحبه با استاد گرانقدر حاج آقای سید حسین موسوی لعلی و استاد صادقی یکاوونگی و حاج سید اصغر حسینی و دانشمند معظم دکتر معصومی و سایر سروران گرامی و ثانیاً: به سبب محدودیت‌های خاص و از جمله محدود بودن صفحات کتاب از طرف نهاد محترمی که کار چاپ و نشر آن را بعهده گرفته است؛ ما ناگزیر از تلخیص متن مصاحبه‌ها گردیدیم که امیدواریم سروران گرامی و حضرات اساتید بدیده اغماض نگریسته و عذر ما را مورد قبول قرار دهند.

مصاحبه با

آیه الله اسلامی شهرستانی

□ جناب استاد، از آغاز آشنایی تان و چگونگی آن با حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه اگر ممکن است بیان فرمایید؟

■ بنده در نجف اشرف با حضرت آیه الله العظمی بهشتی رحمته الله علیه آشنائی داشتم که ایشان در نجف اشرف یکی از علماء و فضلاء نجف در حوالی سال ۱۳۴۰ بود. بسیار فاضل و ادیب و شخص متقی و پرهیزگار بود به طوری که حرم ایشان هیچ وقت ترک نمی شد و این ویژگی ها را معظم له داشت که ویژگی منحصر به فرد بود و خیلی نسبت به مسائلی ازین قبیل مقید و متعبد بود حتی ایشان در مدت بیست و چهار ساعت حتماً باید در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف می شدند حتی من یک روز دیدم آقا خیلی ناراحت است سوال کردم آقا چرا ناراحت می باشید در پاسخ من چنین اظهار داشت آقا من دیروز موفق نشدم که حرم امیرالمؤمنین بروم و مشرف شوم در برخوردهای ایشان نیز این ویژگی ها و یعنی مرزهایی که از نظر دینی و اخلاقی باید یک عالم موظف است، رعایت کند و متخلق به آن باشد رعایت می کرد از یک اخلاق عالی بسیار بسیار بالا برخوردار بودند تا این ویژگی را همه آقاپان که در آن زمان در نجف اشرف بودند می داشت و خوب شاید به یاد داشته باشند که ایشان فرد بسیار فاضل و جامع بودند خدا رحمت شان کند.

در درس آیه الله العظمی خوئی رحمته الله علیه شرکت می کرد درس آیه الله حکیم که در آن زمان بزرگان حوزه علمیه ای نجف در حلقات درسی فقه ایشان قرار داشت. خیلی هم نقش داشت و چهره قابل توجه بود در میان شاگردان ایشان و اتاق ایشان در مدرسه

ایروانی بود هم حجره داشت و هم تدریس راه انداخته بود در آن زمان که ایشان شروع به تدریس نموده تدریس رسائل بسیار مهم بود که هر کس خوب برآمده نمی توانست خیلی مهم بود گرچه منطق نیز درس می گفت.

وقتی ایشان تدریس را شروع کردند خیلی ها بودند به ایشان توجه پیدا کردند نیز درس ایشان بسیار عالی بود و همه تعریف می کردند تسلط و جامعیت ایشان را تعریف می کردند در درس و در آن که ایشان خوب می گویند و هم خوب می گیرند مطالب را و بحث را همین مسئله موجب شد بنده علاقه ای پیدا کنم نسبت به ایشان و بعد ایشان به سوی وطن خویش مهاجرت کردند، ایشان نیز برای تبلیغ ارشاد و بیان احکام و هدایت ملت و مردم خودش برگشتند و در منطقه خودش که همان ورس می باشد قرار می گیرند ولی شنیده و از قراری که صحبت می شد ایشان آنجا شاگردان زیادی را تربیت نموده و داشته و روی آنها کار می کرده و مدرسه را تأسیس کرد و این مدرسه نقش خوبی را برای تبیین و ارشاد و ترویج دین بازی نموده است شما بهتر می دانید.

□ یکی از ویژگیهای اخلاقی ایشان را اگر ممکن است بیان فرمایید در همین زمان گرچه اشاره داشتید به طور کلی؟

■ بارزترین و مشخص ترین ویژگی ایشان که فکر میکنم که خیلی هم مهم باشد و برجسته انداز جمله ویژگیهای دیگر ایشان آن است که ایشان در هر جلسه ای که بود و قرار می گرفت آن جلسه را بسیار خوب اداره می کرد و او را کنترل می کرد و خوب نتیجه گیری می کرد از آن جلسه!

از پرداختن به اموری که تناسب اخلاقی، معنوی نداشت از قبیل شوخی ها و گاهی لطیفه ها ایشان تقریباً ناراحت می شدند و جلوگیری می کردند ویژگی های ایشان بود که برای جلسه یک وجهه و وزن پیدا می کرد آن وقت بود که دوستان و قار و ادب جلسه را کاملاً رعایت کنند.

□ نقش جهادی و مبارزاتی و سیاسی ایشان آیه الله بهشتی رحمته الله علیه را جناب عالی چگونه ارزیابی می کنید؟

■ نسبت به انقلابی که در افغانستان پیش آمد کمونیست و شوروی که در کشور مسلمان افغانستان تجاوز نظامی نمود و آن کشور اسلامی را اشغال کرد و مردم در برابر این اشغال نیاز داشت که بسیج شود و مبارزه کند تا کشورشان اشغال نشود و از دست بیرون نرود آن وقت است که نیاز به رهبری داشت که این بسیج را رهبری و مردم را هدایت کند این جا است که نقش آیه الله بهشتی رحمته از همه نظر مورد توجه قرار می گیرد و اساسی ترین نقش را نسبت به دیگران در وجود ایشان می بینم و رکن انقلاب و شکل دادن مبارزه را و هدایت انقلاب توسط ایشان نسبت به سایر شخصیتها و رهبران دیگر و موجود در کشورشان آنها ملت مسلمان و تشیع و تمامی ملت هزاره جات جمع می شود از توده های مردمی و بزرگان منطقه و روحانیت ایشان را تکلیف می کند گرچه ایشان خودشان نیز تکلیف خویش را احساس می کند آن طوری نیست که ایشان تکلیف را انجام ندهد در قبال اشغال کشور در برابر وحشت و نگرانی مردم ایشان را معین می کند که شما خود بهتر می دانید که تا زمانی ایشان بود مسئولیت هدایت انقلاب را برعهده داشت خوب عمل می شد چون محور بود هم دفاع جهادی پیش می رفت و هم این جهاد شهرت جهانی و منطقه ای داشت و تمامی رسانه های خبری و جنبش های اسلامی در منطقه اخبار جهاد و مبارزه ملت افغانستان را به عنوان یک الگو دنبال می کرد هم دشمنان دینی و مذهبی ملت مسلمان افغانستان ترس و وحشت داشتند اعم از کمونیست ها و اعم از ستون پنجم داخلی ولی متأسفانه کم کم اختلافات شروع شد این اختلافات رابه راه انداخت تا این انقلاب را از پیشروی و پیروزی نهایی باز دارد چون این اختلافات زیاد شد اختلاف هم در هر ملت و طایفه و جمعیتی که بیاید وحدت و قدرت و عظمت شان را از بین می برد و آن جامعه و ملت را و طایفه را نابود می کند و از پا در می آورد و به مرحله رکود می رساند جامعه را آن طور باید و شاید کار بکند نمی توانند بکنند بنابراین آیه الله بهشتی رحمته محور خوبی بود و متأسفانه اختلافات را پیش آوردند آن طور که آیه الله بهشتی رحمته می خواست انقلاب ملت مسلمان افغانستان را به پیش ببرد و به پیروزی برساند، نگذاشت ایشان را، ایشان همان

طوری می دانید یک تعصب شدید دینی و مذهبی داشت و به آسانی به زیر بار هر گونه اشتباه و انحراف و حرکت مبهم نمی رفت، خیلی حساس بود به مسائل و هر مسئله را که مغایرت با اصول دینی و مذهبی و اخلاقی داشت قبول نمی کردند و هر اتفاق را گردن نمی نهاد.

مصاحبه با آیه الله محقق خراسانی

□ استاد محترم، آیا با آیه الله بهشتی رحمته الله علیه آشنائی داشته اید؟

■ بلی با ایشان، در نجف اشرف آشنا بودیم و در آن مدت که ایشان در نجف اشرف اقامت داشتند، ما هم در آنجا اقامت داشتیم و با ایشان روابطی داشتیم و در روز اخیر که ایشان می خواستند طرف ولایت تشریف ببرند، برسم معمول در نجف اشرف، جلسه روضه خوانی تودیع برگزار کردند و از اینجانب دعوت نمودند و من روضه جلسه تودیع را خواندم.

□ آیا شما در شخصیت مرحوم آیه الله بهشتی رحمته الله علیه ویژگیها و امتیازات برجسته ای سراغ داشتید؟

■ بلی، ایشان از اجله فضلا و علمای افغانی آن عصر در نجف اشرف به شمار می رفت و انصافاً شخصیت بسیار شخصیتی داشت و می توان به سه امتیاز ایشان اشاره کرد:

اول، وقار: شخصیت ایشان از یک وقار و حجب خاصی برخوردار بوده و از نظر داشتن شخصیت موزون و حلم و عفاف در میان طلاب و علماء از منزلتی بخصوص برخوردار بودند.

دوم، مجد بودن: ایشان در تحصیل علم بسیار مجد بودند و کمال استفاده از وقت گرانبها را می بردند در صورتیکه در آنزمان بسیاری از آقایان اوقات شانرا در میان صحن ها با ایجاد گعده ها و جلسات بی هدف به بطالت می گذراندند چنانچه همین آفت الان در میان طلاب و علماء در قم در صحن ها و در مشهد در مدرسه عباسقلی

خان، دیده می شود ولی ایشان از این نظرنمونه محسوب می گردید.

سوم، ایشان به اخلاق اسلامی تعهد کامل داشتند و این تعهد اخلاقی ایشان مسئله بسیارروشن و محرز بوده است.

□ درمورد نقش سیاسی - جهادی ایشان و تأسیس شورای اتفاق چه نظری دارید؟

■ حقیقتاً، شورای اتفاق در بدو امر بهترین حرکتی بوده است و مظهر وحدت مذهبی و ملی مردمان صفحات مرکزی بوده است و از نظر نظم و امنیت موفقیت شایان تو جهی داشته است و ایشان هم نقش بسیار جالبی داشته است، تا اینکه بعداً گروهها بوجود آمده و آن وضعیت بهم خورد و همواره چنین بوده است که دنیا پرستان در جهت مخالف مصالح و ارزشها گام برمی دارند.

مصاحبه با عالم جلیل القدر استاد شیخ رجب علی محقق و رسی

□ از ابتدا آشنائی تان با مرحوم آیة الله بهشتی رحمته الله علیه برای ما تعریف بفرمائید؟
■ چون تا در وطن بودم در حدائق و اوائل جوانی و مقدار مسافت از حیث بعد مکانی بود لذا با حضرت آیة الله بهشتی اعلی الله مقامه آشنائی نداشتم تا اینکه بنده در سال ۱۳۳۴ شمسی اوائل زمستان در نجف اشرف مشرف شدم و حضرت آیة الله بهشتی اعلی الله مقامه در سال ۱۳۳۵ شمسی در فصل زمستان وارد نجف اشرف شد بعد از آن تدریجاً برای زیارت خدمتش میرسیدم و از حسنات خلق و خمالش بهره مند می شدم و ایشان هم لطفی خاص داشت باندازه که بعضی اسرارش را در میان می گذاشت و از همین شدت علاقه و لطف خاص ایشان بود که در دو سفر آخر خدمت ایشان بودم و آن دو سفر از این قرار بود:

اول: چون در حوزه نجف اشرف در زیارتیه های مخصوص آقا سید الشهداء علیه آلاف التحية والثناء رسم بود که روحانیت از طریق کوفه و کنار فرات پیاده به کربلا می رفتند که در یکی از زیارتیه های ایشان بعد از نماز جماعت آیة الله حکیم اعلی الله مقامه به من فرمود که من می خواهم پیاده به کربلا مشرف شوم همراه من می روی یا نه؟ لذا بنده با کمال افتخار در خدمت حاضر شدم و جناب حجة الاسلام حاج شیخ رضا داد صالحی که واقعاً از صلحا بود و در این اواخر در مشهد مقدس بجوار حق پیوست هم همراه ما در خدمت حاضر شد و این رفاقت سه نفری در این سفر با معنویت فراموش ناشدنی از شدت اخلاص بود نه از قلت افراد والا هر که را تعارف

می کردی شاید با افتخار قبول می کرد تا که این سفر با معنویت به پایان رسید.

سفر دوم: چون در نجف اشرف بین محصلین افغانی رسم بود کسی از طلاب که از نجف به طرف وطن می رفت تا دروازه نجف اشرف به طرف کوفه روحانیت او را مشایعت می کردند و این رسم درباره آیه الله بهشتی اعلی الله مقامه هم جاری شد اما بنده تا کاظمین و چون زیارت آخرش بود تا زیارت سامری و باقی زیارتهای دیگر در خدمتش بودم تا اینکه ایشان از کاظمین بطرف ایران حرکت نمود و بنده بطرف نجف اشرف برگشتم این بود مختصر از آشنائی من با حضرت آیه الله بهشتی اعلی الله مقامه اگر چه حرفها زیاد است اما از این زیاده گنجایش ندارد که اینجا ذکر شود و از خداوند امید است که آن ارادت و اخلاص همچنانکه تا هنوز زائل نشده است تا آخر ادامه داشته باشد.

□ راجع به تحصیل و مقام علمی ایشان در نجف اشرف مطالبی را بیان بفرمائید؟

■ درباره مقام علمی حضرت آیه الله بهشتی اعلی الله مقامه جای حرفی نیست چون که همه علما و محصلین ساحه مرکزی افغانستان می دانند که حضرت آیه الله قبل از مشرف شدن در نجف اشرف در خدمت علما بزرگ ساحه مرکزی افغانستان چون جناب حاج آخوند کوه بیرون و جناب حاج شیخ مؤمنی کلانی بیکه و لنگ اعلی مقامها که اساتید بزرگ عصر آن ساحه بودند که حضرت آیه الله بهشتی از فیوضات علمی آنان و غیر آنان بهره مند شد باندازه ای که از ممتازین آن حوزات بود تا که در نجف اشرف آمد قبل از ایشان در نجف اشرف از محصلین افغانی درس حلقوی غیر از دروس حضرت آیه الله المدرس یا نبود و یا معروف و مشهور نبود تا که آیه الله بهشتی اعلی الله مقامه درس حاشیه و منطق را شروع نمود در مسجدی که پهلوی مدرسه بزرگ سید کاظم یزدی صاحب عروه بود که مسجد مملو از محصلین می شد و از بیان شیوا و رسای ایشان محصلین خوشنود و بهره مند می شدند دوره اول را به پایان رساند و با تقاضای محصلین بار دوم را هم شروع نمود و بعد از آن درس رسائل شیخ انصاری را شروع نمود در مسجد هندی که از جهت خوشبختی و فشرده مطالب ایشان، محصلین زیاد بود و هکذا درس شرح لمعه ایشان و لایخفی

که غیر از دروس رسمی سئوالات محصلین از غوامض مسائل و مطالب علمی ایشان زیاد بود که مسائل و مطالب را حل می کرد اما بهره ایشان از فیوضات علمی حضرت آیه الله الحکیم و حضرت آیه الله الخوئی اعلی الله مقامهما و مراجع دیگر از دروس خارج فقه و اصول باندازه کافی و قناعت بخش بهره مند شد تا که در سال ۱۳۴۱ یا ۱۳۴۲ شمسی به طرف افغانستان برگشت.

□ برخی از ویژگیهای برجسته اخلاقی و اوصاف پسندیده ایشان را که برای طلاب آموزنده باشد بیان فرمائید؟

■ اخلاق حضرت آیه الله باندازه ای حسنه بود که هیچ گاه چه در مجالس محاوره، تدریس یا در مباحثه علمی دیده نمی شد که کسی را از بیان و جوابش آزرده خاطر نماید. اگر کسی خیلی لجاجت می کرد با روی گشاده و لبان متبسم می گفت: (ای تو مزار شوی) از این بالاتر چیزی نمی گفت که آزرده خاطر شود.

□ راجع به نقش ایشان در احیاء تشیع در افغانستان در دههای اخیر روشنی بیندازید؟

■ درباره ابقا تشیع در افغانستان همین بس که تا وقت انقلاب پیش نیامده بود تمام سعی و کوشش اش را حضرت آیه الله بهشتی طاب ثراه درباره تدریس و تعلیم محصلین و حل مسائل علمی و مشکلات اجتماعی و فیصله دعاوی نموده و بعد از انقلاب خود را سپر حوادث نمود تا اسلام و قران و تشیع و خون و مال و ناموس تشیع افغانستان محفوظ بماند که هر چه دید و شنید از دوست و دشمن بجانش خرید و تحمّل نمود تا که با قلب خونین و مظلومیت دیده از جهان بست و با اجداد مظلومینش پیوست که یاد حقانیت و مظلومیتش را از ارتحالش در فواتح و تعزیه هایش موافق و مخالفش گرفتند و به مردم رسانیدند و قلم به داستان تاریخ هم فراموش نخواهند کرد.

والله لبالمرصاد

۱۳۷۵/۱۲/۱۳

مطابق ۲۳ شوال / ۱۴۱۷ قمری

مصاحبه با عالم متبحر

حجة الاسلام والمسلمین استاد شیخ محمد داد واعظ بندر

□ استاد محترم، در مورد وضعیت تحصیل و تدریس آیه الله بهشتی رحمته الله علیه در نجف اشرف و اوصاف و فضائل ایشان در آن دوره، مختصراً روشنی بیاندازید؟

■ ایشان در نجف اشرف، دو دوره حاشیه تدریس کردند، شاگردانش در حدود ۸۰ نفر می‌رسید و بعداً با اصرار طلاب، در مسجد هندی رسائل را شروع کردند و در حدود ۳۰ نفر شاگرد داشتند (که تدریس رسائل و تعداد ۳۰ نفر در آن زمان در نجف خیلی اهمیت داشت) از جمله شاگردانش بنده، محقق لعلی، شیخ ناظر سراب عالمی، شیخ سرور شهرستانی امینی، عرفانی شهرستانی، استاد شیخ ابراهیم خلیل، استاد زکی ورسی، سید حسین موسوی لعلی و امثالهم بود. چند سالی که بنده در مدرسه ایروانی بودم، ایشان مشغول درس خارج بود و اشکالات کفایه و رسائل و منظومه را که در نزد ایشان مطرح می‌کردیم. چند لحظه تأمل می‌کرد و بعد مثل دریای متلاطم تشریح می‌کرد که اگر مسئله مربوط به علم نحو بود انسان خیال می‌کرد که در نحو متخصص است. و هکذا در اصول، فقه، کلام، فلسفه و غیره انسان همین طور فکر می‌کرد که با یک متخصص چیره‌دست طرف است. اما راجع به اخلاقیات ایشان، آنقدر متواضع و فروتن بود که انسان از تواضع‌شان خجالت می‌کشید، و راجع به قناعت‌شان، هیچگاه در خانه مراجع، برای تحصیل مساعده و... دیده نشد و بردن زوآر در منازل مراجع را بعهدہ نمی‌گرفت و می‌گفت خودتان بروید. آنقدر دارای اخلاق حمیده بود که در حوزه نجف فردی پیدا نمی‌شد که درباره ایشان کدام اعتراض نماید، دوست و دشمن معترف بودند به علم و تقوی و

ورع و پارسایی ایشان.

[خدمات علمی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی و جهادی مرحوم آیه الله بهشتی رحمته را در جامعه هزاره جات چگونه ارزیابی می کنید؟

■ وقتی از نجف بازگشت، در مناطق مرکزی انقلابی ایجاد کرد رسومات باطله و اعمال باطله که در میان مردم رواج داشت، ایشان تغییر داد و شاگردان زیادی تربیت کرد که فعلاً در حوزه علمیه مشهد و سائر حوزه ها همراه علم افغانی یا شاگرد بلاواسطه و یا شاگرد با واسطه ایشان است که از جمله آنها آیه الله شیخ سلطان فاضل ورسی است که در حوزه علمیه سوریه مشغول تدریس خارج می باشد و استاد خلیل که در بندر عباس تدریس می نمایند و خود بنده که مشغول تدریس هستم. ایشان محبوب القلوب بودند که حتی در دوران ظاهرشاه و داود خان، مردم در مرافعات و دوسیه های لاینحل که از محاکم وقت برمی گشتند، قاضی طرفین را محول می کرد به آیه الله بهشتی رحمته، حتی در مرکز ولسوالیها نزدیک نشد. او اولین کسی بود که مردم را بر علیه روسها حرکت داد و در سراسر هزاره جات و مناطق مرکزی افغانستان نظم جهادی ایجاد کرد (دوران طلایی هزاره جات) و همواره توصیه می کرد به: اتحاد، اتفاق، استقامت، یاد خدا «الا بذكر الله تطمئن لقلوب»، در زمان ریاست شوری مبنای کارشان تحریرالوسیله امام خمینی رحمته بود، و یکوقت گلابه کرد که دشمنان و مخالفین تبلیغ می کنند که بنده مخالف ولایت فقیه هستم و حال آنکه انقلاب اسلامی ایران معلم انقلاب ما است.

مصاحبه با

آیه الله علوی ورسی

□ جناب عالی از آغاز آشنائی و چگونگی آن و همچنین نقش علمی و خدماتی حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه که در آستانه اولین سالگرد رحلت معظم له قرار داریم فداری در این رابطه نظرات خود را بیان فرمائید؟

■ در رابطه با حضرت آیه الله بهشتی رحمه الله علیه یک چهره‌ای بود که قبل از انقلاب شناخته شده بود و ایشان را همه می شناختند و با ابعاد علمی ایشان آشنا بودند و هستند و در محافل داخل افغانستان و نجف ایشان تشریف داشتند از ایشان نیز تعریف می کردند حتی در محافل علمی داخل افغانستان و نجف نقش بسیار بسیار برجسته داشتند که در این رابطه نظرات و دیدگاههای چهره‌های حوزه‌ای علمی را باید پیگیری و تعقیب نمود تا زوایای علمی و آن برجستگی شخصیت ایشان را روشن نمود. فکر می کنم در رابطه با شخصیت و نقش علمی و خدماتشان از نظر اجتماعی و علمی و فرهنگی و معنوی از طریق علما و اندیشمندان و متفکران علاوه بر افکار عمومی و دید توده‌های مردم که از ایشان در طول تاریخ انقلاب قبل از انقلاب و بعد از انقلاب پیدا کرده و شناخته است باید عمیق تر توجه نمود و اگر چه در طول تاریخ دیدگاههای عمومی و مردمی یک اصل و معیار شناخته شده بود و سعی هم شده تا شخصیت‌ها را بیشتر از این نقش تاریخی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی شان در طول حیات آنها باید پیدا کرد چون قضاوت عمومی یک قضاوت بی آرایش و طبیعی است پس بنابراین در رابطه با آیه الله بهشتی رحمته الله علیه علاوه بر آنکه دیدگاههای عمومی یک معیار و شاخص خوبی و کاملاً

مثبت بوده است شما دیدید در همین تجلیل‌هایی که از ایشان شد در رحلت ایشان چقدر مردم با ایشان صمیمی بر خورد کردند و چقدر جلوه خوبی را نشان داد و عکس‌العمل مردم گرچه حق هم همین بود برای آنکه حضرت آیه‌الله بهشتی رحمته قریب ۲ دهه از حیات شان را آنهم در آن شرائط که افغانستان مواجه بود با یک انقلاب و یک تجاوز بزرگ نظامی ولی ایشان است که نقش منحصر به فرد را دارد در آلام مصائب و سختی‌های مردم، رنج‌های مردم، ایشان است که لحظه‌ای و آنی مردم را ترک نمی‌کند و در صحنه‌های این انقلاب و این مبارزه و این تجاوز روسیه با آن گستردگی شان سرنوشت خود را با مردم گره می‌زنند و گره زده می‌بیند پس این عکس‌العمل و اقبال مردم از ایشان چنین است که برای مردم و ملت افغانستان هیچ وقت فراموش نخواهد شد و تحت هیچ پدیده و تحولات قرار نخواهد گرفت از نظر اجتماعی و سیاسی چون علاوه بر آنکه ایشان به عنوان یک رهبر و به عنوان کسی بود که او دولت موقت و جریان اسلامی را هدایت می‌کرد و رهبری تحت عنوان شورای اتفاق اسلامی خوب این جریان حزب نبود و یک جریان سیاسی صرف نبود و گروه نبود یک حکومت و دولت بود و این چنین است که شاید هیچ کس در تاریخ بعد از این نتواند انکار بکند و تاکنون هم نتوانسته انکار کند من خلاصه نقش جهادی و اجتماعی ایشان می‌دانم که باز همین نقش جهادی و اجتماعی شان را بر می‌گرداند به نقش علمی شان یک نقش علمی بسیار بسیار برجسته است که نقش سیاسی و مبارزاتی و اجتماعی را ایجاد می‌کند اگر نقش علمی نباشد اینجا نقش اجتماعی و فرهنگی غیرممکن در نظر می‌آید این حقیقت را آدم با مرور به تاریخ شخصیت‌ها کاملاً می‌تواند به طور ملموس و عینی پیدا کند پس من نقش علمی و اجتماعی و سیاسی و مبارزاتی ایشان را بسیار روشن و خیلی هم روشن می‌بینم خداوند روح ایشان را با اجداد طاهرینش محشور سازد که انشاء الله محشور خواهد بود. اما نقش مبارزاتی حضرت آیه‌الله بهشتی رحمته همیشه یک نقش محوری است یک استراتژی واحد و روشنی داشت که آن عبارت بود از وحدت در طول ۲۰ سال جهاد، از ابتدا جهاد توصیه به وحدت داشت بقیه گروه‌ها می‌خواستند که تنها گروه

ایشان حاکم باشند و پس بعد از اینکه درگیریها اوج گرفتند متوجه شدند گروهها که کار یک گروه نیست پس باید تمام شیعه‌های افغانستان وحدت داشته باشند بعداً رهبران گروهها در سال ۶۸ به این نتیجه رسیدند که بعد از ۹ سال درگیری و جنگهای خانگی و خسارات جانی و مالی فراوان برای مردم و جامعه شیعه تصمیم گرفتند که باید وحدت نمود مرحوم مزاری و صادقی یکسری هماهنگی‌هایی به عمل آورد آمدند ایران همراه یک عده‌ای آمدند غرض وحدت آقای مرحوم مزاری اعتراف کردند در درگیریهای گروهی که ما کردیم خیلی ضرر کردیم اکنون باید همه یک جمع باشیم وحدت داشته باشیم که این خود همان چیزی بود که آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله از ابتدای جهاد و انقلاب همیشه حرفش تلاشش توصیه‌اش و دعوتش وحدت بود و جلوگیری از تفرقه و اختلاف که باز متأسفانه وحدتی واقعی صورت نگرفت با اینکه حضرت آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله این بار نیز با تمام صداقت و اخلاص جلو آمد نسبت به این وحدت اعلام همکاری به طور عملی نمود اما باز اختلافها شروع شد همانطوری که شما اشاره نمودید در سال ۷۳ جنگها و درگیری‌ها و سوء نیتها و سوء ظن‌ها علیه همدیگر شروع شد. باز می‌بینم در همین مرحله نیز اگر کوشش و تلاش آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله نبود، این بار نیز فاجعه‌ای به وجود می‌آمد که به مراتب از فجایع و خسارتهای اول ~~بیشتر~~ بیشتر و وسیعتر شکل میگرفت ولی اینبار حضرت آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله تمام تلاششان را به کار برد که خونریزی صورت نگیرد حتی ایشان به همین هدف پا شد آمد کابل که آمدن ایشان در کابل صرف جلوگیری از خونریزی و تفرقه و خشونت میان مردم و آقایان بود و اگر نه دیگر هیچ هدفی جز تحکیم وحدت و رفع اختلاف بین دوستانشان نبود دیگر هیچ هدفی نداشته اینکه ایشان بخاطر سهم‌گیری در پست مقام ریاست نیامده بود باز می‌بینم که ایشان نظرات و طرحهایی خویش را برای عموم چه مجموعه سیاسی چه نظامی چه مردمی و چه نمایندگی‌های موجود در کابل از کشورهای همسایه بیان می‌کند که همه در جریان دیدگاههایی معظم‌له قرار می‌گیرد که حتی در مطبوعات جمهوری اسلامی نظرات و دیدگاههای مخلصانه و صادقانه ایشان روشن و مطرح می‌شود به نحوی از فاجعه

که دشمنان جهاد و جامعه اسلامی افغانستان زمینه سازی با احتمال آن را می داد جلو گیری می نمود سپس برگشت بعد از مدتی به طرف ورس آنجا هم با آن قدرت توان و امکاناتی که در اختیارش بود تلاش می کرد به انحاء مختلف خلاصه، برای همه ملت افغانستان و همه دوستان معلوم است که ایشان چه تلاشهای برای وحدت جامعه اسلامی افغانستان کشیدند، چقدر رنج ها و مصیبت های متحمل شدند که برای هیچ کس قابل انکار و کتمان نیست، سرانجام متأسفانه در راه همین تلاشها و فداکاریهای که انجام داد جان عزیزشان را از دست داد که رحلت ایشان نیز بسیار مظلومانه بود علاوه بر آنکه مظلومیت هایی در طول انجام رسالت خویش کشیده بود.

دیدگاه

حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد عیسی رحیمی لعلی

بقلم خودشان

بسمه تعالی وله الحمد والشکر والصلوة علی رسولہ الکریم:

حضرت آیة الله سید علی بهشتی رحمته الله یک تن از سلاله پیامبر صلی الله علیه و آله و ذریه پاک حضرت علی و زهرا علیهما السلام است وی مرد عالم و فقیه بزرگ و مدرس توانا و مجتهد کامل و مجاهد خستگی ناپذیر و مبارز چیره دست و از مبرزترین شاگردان عصر خود در حوزه علمیه نجف می باشد او در کنار مرقد مطهر حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام تحصیل علوم دینی و معارف الهی خویش را بمرتبہ کمال رسانیده و از محضر اساتید بزرگ و آیات عظام آن عصر سطوح عالیہ و چند دورہ از خارج اصول و فقه را استفادہ نموده است طبق شہادت دوست و دشمن یگانہ فرد مبرز و بی ہمتا و مقام بس رفیعی را واجد و مجتہد جامع الشرایط است: در بہار ۱۳۶۸ طی یک سفر پر بار و منفعت انگیز کہ در سرزمین خونبار و قهرمان خیز افغانستان عزیز داشتیم در اولین بر خورد و ملاقات کہ با حضرت آیة الله بهشتی رحمته الله در مسجد خرابہ سنگینک ناہور داشتیم وی با یک جہانی از استقامت و یک شخصیت عالیمقدار و بزرگواری و ابر مرد لایق؛ در نظرم مجسم گردید؛ حرفہایش بسیار متین و صحبتہایش پرمحتوا با یکدنیای معنویت در مقابل دیگران جلوہ گر نمود. آری چہرہ اش بسیار بشاش و لبہایش ہموارہ متبسم و صورت گندم گونه داشت. ابروہایش کشیدہ و دارای محاسن مذکور و نورانی کہ مع الاسف در اثر ناراحتیہای روحی و جسمی در عالم پنج سال ہجرت بہ مسجد خرابہ دامن کوه ساری سفید گردیدہ بود؟ چشمہای

درشت و بازوان سترگ وقوی و سینه گشاده داشت. که نور رحمت و رأفت از آن تلالؤ می نمود. موقع صحبت های علمی چون بحر مواج متلاطم بود. سؤالات علمی و سیاسی بسیار عالی را مطرح می فرمود و سطح بینش سیاسی ایشان مایه حیرت هر انسان ناظر بود. بخلاف عقیده کوردلان و مزدوران بی مغز و دشمنان جاهل که با جیب های غیر معقول خود می خواهند از شخصیت او بکاهند، ویرا یک مرد عالم و دانشمند و در عین حال بسیار ساده لوح معرفی می کنند. آری او یک رهبر لایق و سیاستمدار پرتوان است؟ او موقع سؤالات علمی و سیاسی و اجتماعی عاشقانه بحرف های دیگران گوش داده و سپس مسائل را بجواب مستدل و قناعت بخش اقناع می فرمود؟ او علیه روسیه خونخوار و ارتش او و کمونیست های کابل سخت غضبناک به نظر میرسید و طرح های بسیار مفید و جالبی را برای بیرون راندن آنان از کابل و از کشور و آزادی میهن از چنگال آنان مطرح می فرمود. او برای آزادسازی افغانستان عزیز از دست کمونیست های کثیف تلاش های بی وقفه داشته و نقش عمده را بعنوان یک رهبر دلسوز و آزموده ایفاء میکرد و در این مسیر لحظه از پا ننشسته و از جان و مال و اطفال خوردسال و اسارت اهل بیت خویش مایه گذاشت؟ او از پیاده کردن حکومت اسلامی بنام شورای انقلابی اتفاق اسلامی در مناطق مرکزی بعنوان صفحه زرین در تاریخ تشیع خون فام افغانستان نام می برد؟ او می فرمود مظلومیت و غربت ما در مسجد خرابه همانند حضرت امام چهارم علیه السلام صفحه سیاه و برگ ننگینی بر تاریخ تفرقه افغانستان و گروه گرایان افزوده گردید؟ او می فرمود من میتوانم مانند دیگران ملتم را نادیده گرفته و کوله بار خویش را بدوش کشیده و برداشته و بخارج افغانستان سفر کنم ولی وجدان و مذهب بمن هرگز اجازه نمی دهد که فریاد مظلومانه مردم ستم کشیده ام را نادیده گرفته و تنها به تن پروری تن وردهم ویا در هتلهای لوکس اقامت گزیده و تعیش نموده ویه چند مصاحبه اکتفاء کنم؟ او می فرمود من در دوران جهاد اسلامی از مال خالص خویش تغذیه نموده و از حیف و میل کردن بیت المال جداً خودداری کرده ام او بارها از فعالیت غیر اسلامی و تفرقه افکنی باند هاشمی در مقابل حکومت اسلامی مرکزی سخت رنج می برد و

می فرمود اگر دست خائنانه این باند علیه حکومت اسلامی کار نمی کرد جداً این حکومت اسلامی دز سراسر کشور ما افغانستان فراگیر می گردید.

او می فرمود من ازینکه تفرقه افکنان حقیقت را زیر پا کرده اند و یا اینکه نفهمیده زیر بار دیگران رفته اند و به نفع ملت خویش فعالیت خدایی ندارند بسیار متأسفم آری او حقیقت را خوب درک کرده بود لذا مظلوم زیست و معنویت او را دیگران کمتر فهمیده بودند البته دیوار مسجد خرابه و سوراخهای سقف فرسوده حکایت از حقانیت و مظلومیت او میکرد من کجا و شرح حال پربار و اسفبار او کجا. والسلام علیه و رحمة الله و برکاته عاش غریباً و سعیداً و مات غریباً و مظلوماً

مصاحبه با

حجة الاسلام والمسلمين آقای استاد مرتضوی

□ جناب حاج آقای مرتضوی همانطوری که مستحضر می‌باشید در آستانه اولین سالگرد رحلت حضرت آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله قرار داریم اگر مایل می‌باشید پیرامون ابعاد شخصیتی معظم له قدری بپردازیم.

■ بسم الله الرحمن الرحيم . البته آیه‌الله بهشتی رحمه‌الله علیه شخصیت چند بعدی داشتند و هر کدام آنها جداگانه باید صحبت شود شخصیت علمی و شخصیت سیاسی و شخصیت فرهنگی و شخصیت جهادی اما شخصیت علمی حضرت آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله به احدی پوشیده نیست که یکی از استوانه‌های علمی تشیع بود، در افغانستان و همه علمای بزرگ افغانستان قبل از دوره انقلاب حتی در زمان ظاهرخان در سال هزار و سیصد و چهل چهار ایشان کسالت پیدا کرده بود از درس آمد در کابل برای تداوی، من طلبه بودم. در مدرسه حضرت آیه‌الله واعظ درس می‌خواندم بعد آنجا بین علما و طلاب زمزمه شد که آیه‌الله بهشتی ورسی رحمته‌الله آمده در «چنداول» آنجا اتاق دارد و در شفاخانه ابن سینا هم تحت تداوی قرار گرفته من چون سنم تقاضا نمی‌کرد آن زمان به زیارت ایشان نرفتم ولی علما و طلاب بزرگتری که در آنجا بودند رفتند و از آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله اینگونه یاد می‌کردند که از نجف کوه علم و وقار را با خودش آورده و یکی از افتخارات تشیع و منطقه مرکزست که ایشان در مرکز هزارجات در آنجا مشغول تدریس و تعلیم است و بعنوان یک شخصیت علمی به این شکلی از ایشان یاد می‌کردند که به عنوان یک خاطره‌ای از آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله در آن زمان در ذهن ما هست. اما بعد از آنکه ما در حوزه نجف رفتیم در

سال ۵۰ در آنجا کسانی بودند که همین تعبیر را داشت که از تشیع افغانستان آنکه در اواخر علم از نجف بود در افغانستان بوده آیه الله واعظ بود و آیه الله بهشتی رحمته الله علیه اینرا علما در نجف یاد می کرد و از آیه الله بهشتی رحمته الله علیه بسیار تجلیل می کردند و او را در علوم رجال، منطق، اصول، فقه می ستودند علمای افغانی در نجف.

من قبل از دوره جهاد با ایشان از دور آشنایی داشتیم از نزدیک زیارت نکرده بودیم تا سال ۶۸ که در افغانستان رفتم و ایشان را در ناهور خوات زیارت کردم و چندین جلسه خدمت ایشان بودیم با اینکه مشکلات و گرفتاریهای خیلی زیاد داشتند در طول جهاد ولی بسیار حاضر الذهن بود و هر مسئله ای را که ما سه چهار تا طلبه بودیم از ایشان سوال می کردیم قطعاً جواب می گفت چه در مسائل علم الرجال و فقه و اصول و چه روایات و چه در مسائل فقهی و اصولی ما این را در یافتیم که ایشان یکی از سرمایه های علمی افغانستان بوده و حافظه عجیب داشت که ما این را در مراحل گوناگون بعد از آنکه ما ایشان را از نزدیک ملاقات داشتیم دریافتیم که علاوه بر اینکه زحمت کشیده بود برای تحصیل علم ولی خداوند برایش یک استعداد عجیب داده بود که تمام این مراحل را که طی کرده بود در ذهن و قلب شان حوادث محو نکرده و تأثیر حوادث و جریانهای مبارزه و جهاد از بین نبرده بود در مرحله ای که با علماء روبرو می شد بسیار حاضر الذهن بود در مسائل کابل هم که در سال ۷۳ آمد علما زیاد بود ولی همه علما او را به عنوان یک شخصیت علمی می شناختند.

□ اولین آغاز آشنایی جنابعالی با حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه و در چه تاریخ چگونگی آنرا بفرمائید؟

■ البته من همینطور که عرض کردم آشنایی به رویه العین نداشتم تا سال ۶۸ که من رفتم منتهی تحقیقی و بررسی و کنجکاوی که نسبت به ابعاد علمی ایشان داشتیم ما از قبل آشنایی پیدا کرده بودیم چه آن زمان که در کابل درس می خواندند چه آن زمان که در نجف بودند ولی آشنایی نزدیک ما از سال ۶۸ شروع شد. ما آنجا زیارتشان رفتیم بعنوان یک طلبه مشکلات علمی را مطرح می کردیم و بسیار صریح

و سریع جواب می داد.

□ نقش علمی و مذهبی و خدمات اجتماعی - سیاسی معظم له را جنابعالی چگونه ارزیابی می کنید؟

■ البته در قسمت علمی که ایشان وقتی که در نجف درس خواند برگشت در مرکز افغانستان که منطقه هزاره جات می باشد مدرسه ای تاسیس کرد و شاگردهای بسیار برجسته ای تحویل جامعه داد و علاوه بر اینکه ایشان استاد در فقه بود و اصول، عرفان قوی داشت. مردم او را به عنوان یک فرد عارف می شناختند یعنی واقعا آیه الله بهشتی رحمته الله علیه اهل عرفان بود. با مردم برخورد بسیار صادقانه داشت، به این صورت که در طول زندگی که در افغانستان داشتند، درش به روی مردم بسته نبود، اقشار مردم از دوردست هزاره جات به ایشان مراجعه می کردند، چه در رابطه به مسائل علمی و چه در رابطه به مسائل اجتماعی مشکلات مردم تقریباً توسط ایشان حل می کردند بدون اینکه به ولسوالی ورس اینجاها مراجعه کنند.

آیه الله بهشتی رحمته الله علیه مرحوم در طول زندگیش قبل از دوره انقلاب بعد از آنکه دوره انقلاب پیش آمد ایشان بیشتر مظهر خدمت بودند همانطوری که آیه الله بهشتی رحمته الله علیه معلم اخلاق بودند به عقیده من در امور سیاسی هم آیه الله بهشتی رحمته الله علیه مفکوره بسیار بالا داشت. در سال پنجاه و هشت وقتی مردم افغانستان قیام کردند مخصوصاً مناطق شیعه نشین از شمال گرفته تا مرکز افغانستان که بعضی از این مناطق البته قیام به دستور ایشان شروع شد و بعضی از مناطق خود مردم قیام کردند ولی بعد از آنکه مناطق شیعه نشین کلاً در شمال و مرکز افغانستان آزاد شد و ایشان یک فکر بسیار اساسی در آنجا کرد که آن تشکیل یک اداره سیاسی برای مردم بود. ایشان برای اینکه این قیامهای پراکنده دچار آفت نشود باید یک هسته ای مرکزی داشته باشد و از همان هسته مرکزی رهبری شود و امنیت مردم تامین شود و آسایش برای مردم به وجود آید و آزادی مردم تامین شود در مرکز ورس از کلیه مناطق دعوت کرد که نمایندگان را بفرستد در ورس که نمایندگان مردم در اواخر سنبله پنجاه و هشت در ورس جمع شدند و او هیچ وقتی مطرح نکرد که نام این تشکیلات چه باشد گفتند

شما یک تشکیلاتی را خود شما نماینده‌های مردم بریزید و یک فردی را هم انتخاب بکنید تا اینکه به عنوان سمبل این تشکیلات باشد و خود نمایندگان مردم در آنجا بعد از چندین دور مذاکره و مباحثه شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان را تشکیل دادند و در راس آن هم به عنوان رئیس آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله را انتخاب کردند اگر در مرکز هزاره جات یا در بین قیام‌کنندگان و مجاهدین که علیه عمال روس قیام کرده بود اگر شخصیت علمی و سیاسی برجسته‌تری از آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله وجود می‌داشت طبعاً نمایندگان مردم هم او را انتخاب می‌کردند لذا آنها همان خیر الموجودین را انتخاب کردند و بعنوان رئیس شورای انقلاب اتفاق اسلامی افغانستان و این یک مرکز وحدت شد برای کل جامعه تشیع افغانستان و بخشی از سنی‌ها هم امنیتشان از همین مرکز تامین می‌شد و اداره بسیار قوی به وجود آوردند که چهل و پنج ولسوالی برای که مردم را اداره بکند و هشت ولایت تشکیل دادند و حوزات گوناگونی به وجود آورد برای تامین امنیت مردم که این دلیل بر این است که آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله یک رشد سیاسی قوی داشت که در فکر این تشکیلات افتاد و مردم را جمع کرد و از نظر مسائل سیاسی هم ما معتقدیم که ایشان طرز فکری خاص داشت.

□ نقش اصلاحی حضرت آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله را در بعد اخلاقی و معنوی در کشور و آن هم در نقطه‌ای که ایشان قرار گرفته که هرگونه کاری و گامی فرهنگی و اصلاحی یک کار دشوار سخت می‌نماید از نظر جو حاکم نظر شما چیست؟

■ البته آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله همانطوری که عرض کردم قبل از دوره انقلاب علاوه بر اینکه شاگرد تعلیم می‌کرد درس می‌داد نقش اصلاحی عجیب داشت در بین مردم تلاش می‌کرد که مشکلات مردم را با اصلاح ذات البین حل بکند پیش از اینکه برود به حکومت وقت آن زمان مردم مراجعه بکند مشکل خود حل کند اینها را می‌نشانند در بین هم به عنوان دو برادر مشکل دو مومن را حل می‌کرد این در دوره‌ای بود که قبل از انقلاب اما در دوره بعد از انقلاب ۱۳۵۸ به این طرف نقش اصلاحی آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله بسیار برجسته بود و او برای اصلاح مردم همین تشکیلات را به وجود

آورد تا بین شان نزاع نباشد بین شان اختلاف نباشد از خود مردم نماینده انتخاب کردند برای اداره خود مردم این دلیل بر نقش اصلاحی ایشان بود و بعد از آن زمانی که تشکیلاتی که به وجود آورده بود مردم دچار اختلاف شد و دشمنان دقیقاً نمی توانست نظام مرکزیت ثقل را در جامعه تشیع و هزاره جات تحمّل بکنند لذا تلاش کرد که این را از داخل منفجر بکند اختلاف داخلی متأسفانه در بین این جریان به وجود آمد و این جریان را دشمنان منفجر کرد که در واقع همین احزاب نه گانه اقلاً پنج شش تایی شان از داخل همین خود شورای اتفاق بیرون شد و نام دیگر به خودش گرفت که این در اثر حرکت های مزورانه دشمنان وحدت جامعه اسلامی افغانستان مخصوصاً تشیع شان و باز هم در همین سطح هم آیة الله بهشتی رحمته الله علیه برای مذاکره مباحثه هیئت اعزام می کرد تا درگیری های منطقه ای که به وجود آمده بود اینها را اصلاح بکند و این درگیری های منطقه ای هم ادامه پیدا نکند و همیشه خواهان این بود که در بین مجاهدین برادری باشد در کنار هم دیگر باشد چه شیعه و چه سنی و مخصوصاً مردم مرکزی افغانستان و هزاره جات باید به عنوان برادر در کنار همدیگر زندگی بکنند اینها تلاشهای آیة الله بهشتی رحمته الله علیه بود در رابطه با نقش اصلاحش.

□ جناب آقای مرتضوی طی مسافرتی که حضرت آیة الله بهشتی رحمته الله علیه در سال ۷۳ به کابل داشت برای سرو سامان دادن حزب وحدت و نزدیکی میان آقایان اکبری و مزاری با اینکه در یکی از سخنرانی هایشان حضرت تعالی در این زمینه اشاره داشتید اگر ممکنه دیدگاههای ایشان را در این شرایط سخت بیان فرمایید که حضرت آیة الله بهشتی رحمته الله علیه با چه طرحی وارد کابل شد. اصلاً عکس العمل افکار عمومی در آن شرائط چگونه بود؟

■ من در این قسمت یک مقداری می خواهم برگردیم به همان اصل تشکیل حزب وحدت، آیة الله بهشتی رحمته الله علیه در رابطه با تشکیل حزب وحدت و محکم کردن استخوان حزب وحدت چه نقشی داشت در سال شصت و هشت وقتی آیة الله بهشتی رحمته الله علیه با طرفهای مقابل که مصالحه شد و ایشان برگشت در منطقه، آمدند از

بامیان که ما یک تشکلی را به وجود آوردیم به نام حزب وحدت که این نامه در پایش آقای سجادى و آقای مزارى و آقای اکبرى امضا کرده بود و از ایشان دعوت کرده بود که یا خودش بیاید و یا نماینده خود را بفرستید من در ورس بودم در منزل شان بعد با ایشان نشستیم با هم مشورت کردیم آیا نماینده برود یا نرود و آینده این وحدت آیا تضمین می شود یا نمی شود من استدلال کردم که ممکن است امروز وحدت کنیم فردا همی بپاشد تعهد عمل نشود، وحدت عمل نشود، آیه الله بهشتی رحمته گفت که نه یکی از آرزوهای من همیشه همین بوده که جامعه اسلامی افغانستان متحد باشد در کنار هم باشد ما اگر در آن زمان شورای اتفاق را تشکیل دادیم برای ریاست نبود و برای جمع کردن مردم بود. و الان هم که آقایان در بامیان نشسته اند و آنها حزب وحدت را تشکیل داده اند و از ما دعوت کرده اند که شما خود شما به آنجا بیایید یا نماینده خود را بفرستید ما چون خواسته مان همیشه وحدت جامعه اسلامی افغانستان بوده حتماً باید اشتراک بکنیم و هیئتی در بامیان بفرستیم و برود دیدگاههای ما را در آنجا منعکس بکند و طبعاً اگر آیه الله بهشتی رحمته جواب مثبت نمی داد دیگر وحدتی صورت نمی گرفت و تحقق پیدا نمی کرد لذا ایشان از همان جا آقازاده اش آقای احسانی را با یک فرد دیگر در بامیان فرستاد به عنوان نماینده و اینکه بگوید آیه الله بهشتی رحمته آماده است برای وحدت و نیروهایی که دارد در خدمت کل جامعه باشد و آمادگی خود را اعلام کرد و بعد از مدتی خودش در بامیان رفت و دقیقاً استخوان بندی وحدت را آیه الله بهشتی رحمته با رفتنش محکم کرد و مردم را مطمئن کرد که الان دیگر این وحدت شاید به جایی برسد چون آیه الله بهشتی رحمته یکی از استوانه ها بود و با رفتن ایشان در بامیان وحدت جان گرفت و ایشان واقعاً صادقانه و مؤمنانه از وحدت حمایت می کردند خیلی صادقانه. و بعد از آنکه وحدت تشکیل شد گاهی دچار نوساناتی می شد در داخل وحدت جناح بندی هایی صورت می گرفت ولی آیه الله بهشتی رحمته بود که این وحدت را در بامیان حفظ کردند و اینقدر دقت می کرد حتی در تعیینات سال ۷۰ حزب وحدت دچار یک نوسان شدید شد اما این آیه الله بهشتی رحمته بود که خوب وحدت را از

دوپارچگی حفظ کرد و اطراف را یا طرفین را نصیحت کرد و آن تعیینات در سال هفتاد بوجود آمد و حزب از پاشیدگی نجات یافت و بعد در سال ۱۳۷۲ نوساناتی در داخل حزب به وجود آمد و اختلافاتی به وجود آمد و این ادامه پیدا کرد تا سال ۷۳ و در سال هفتاد و سه در ۲۵ ثور بنا شد که تعیینات حزبی صورت بگیرد طبق اساس نامه حزب وحدت هر سال باید از صدر الی ذیل تعیینات به وجود بیاید از آیه الله بهشتی رحمه الله هم دعوت کردند و حضرت آیه الله بهشتی رحمه الله در تاریخ پانزده ثور هزار و سیصد و هفتاد و سه وارد کابل شد توسط هلیکوپتر. ما با جمعی رفتیم در تایمنی ایشان در منزل یکی از فرماندهان حزب وحدت که از دوستان و مریدان قدیمی آیه الله بهشتی رحمه الله بود ایشان در آنجا بود و ما رفتیم، ترتیباتی گرفته بودند مردم در غرب کابل برای استقبال از ایشان، ما که در آنجا رفتیم ایشان نگران بودند از این اختلافی که در بین حزب وحدت به وجود آمده بود یک دسته آقای اکبری را کاندید کرده بود یک دسته آقای مزاری را کاندید کرده به عنوان رئیس حزب ایشان اظهار نگرانی شدید می کرد که حزب دچار پراکندگی نشود و جمعی که در آنجا رفته بودیم نصیحت می کرد که شما احساساتی برخورد نکنید همین تعیینات به آرامی برگزار شود.

یادم هست که آقای سید محمد سجادی عضو شورای عالی نظارت بود ایشان در آنجا خبر مقدم گفت از طرف شورای عالی نظارت در تایمنی و به ایشان گفت که بله شما یکی از افتخارات ما هستید و شما شخصیت دینی علمی سیاسی و فرهنگی و اجتماعی این کشورید و شما در طول چهارده سال جهاد مقاومت داشتید و نظر نیک شما، خیرخواهی شما، برای ما قابل انکار نیست که شما، بعد از اینکه وحدت تشکیل شد، هر وقتی که دچار بحران می شد، او را از بحران در بامیان شما نگه می داشتید و شما آدم بزرگی هستید، با عظمت و آبرو هستید، ما از فرمایشات شما تخطی نخواهیم کرد، آنچه شما بفرمائید ما آن را در عمل پیاده می کنیم. آیه الله بهشتی رحمه الله مرحوم یک خنده کرد و گفت که من بیشتر از شما آبرو نمی خواهیم که برای ما آبرو بدهید، ما از شما اعضای شورای عالی نظارت و

مرکزی همین را می‌خواهیم که همین مقداری آبرویی که من از هزاره‌جات آوردم اینجا، همین آبرو را برای من نگه‌دارید، آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله گفت که من همان مقداری که آبرو از هزاره‌جات آوردم با همان آبرو برگردم، بعد ایشان توجیه داد که منظور از این حرفش چیست، گفت: اگر شما اختلاف داشته باشید کشمکش شود و نزاع بین شما بیافتد احیاناً درگیری بین شما بیافتد من چون یکی از اعضای این حزب هستم و اعضای شورای عالی نظارت، وقتی آبروی حزب رفت، آبروی من هم می‌رود ولی شما هم آبروی حزب را حفظ نکنید و هم آبروی ما را حفظ کنید، اگر آبروی حزب و حیثیت حزب حفظ شد، حیثیت همه اعضا، چه اعضای شورای عالی نظارت و چه بقیه اعضا حفظ می‌شود.

مردم و حزب وحدت ترتیبات وسیع گرفته بودند و حضرت آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله وارد غرب کابل شد و استقبال عجیبی شد از ایشان و تمام اعضای شورای مرکزی و عالی نظارت به استقبال ایشان آمده بود و یک خیابانی در آنجا معروف بود به نام خیابان شورا یعنی (سرگ شورا) اینجا از ابتدای این خیابان تا انتهایش مملو از جمعیت بود و مسئولین حزب وحدت جایگاه خاصی برای شان تهیه شده بود و همه مسئولین حزب وحدت به استقبال ایشان آنجا ساعتها منتظر بود تا ایشان در همان جایگاه رسید و در آنجا آقای مزاری، آقای اکبری، آیه‌الله محقق، آیه‌الله پروانی و شخصیت‌های دیگر حزب وحدت از ایشان استقبال کردند و بعد در آنجا یک چند دقیقه‌ای از ایشان تقاضا شد صحبت کنند آقا هم در آنجا سخنرانی کرد و دعوت به وحدت کرد و از مسئولین حزب وحدت خواست که شما وحدت خود را حفظ کنید و از مردم خواست که در امور حزب وحدت نگذارید که کسی دخالت بکند و جناح بندی و مسائل جناحی شروع شود و آیه‌الله بهشتی رحمته‌الله تلاشش این بود که وحدت ضربه نبیند و دیدگاهش این بود بعد ما ملاقاتهایی که با ایشان داشتیم، ایشان اظهار نگرانی می‌کرد که دو طرف به قدری داغ تبلیغ می‌کنند که احتمال می‌رود این حزب منفجر شود و گاهی نصیحت هم می‌کرد که سر ریاست یک حزب این همه دعوا چیست؟ در این شرایطی که حزب وحدت دچار مشکلات گوناگونی

است و بعد هم شما بیایید برای ریاست یک ساله این حزب این همه جنجال راه بیندازید.

ولی دقیقاً همانطوری که عرض کردم شورای اتفاق منفجر شد، دشمنان منفجر کردند و از داخلش انفجار به وجود آمد و دچار مشکلات شد، حزب وحدت هم گرفتار همین مسئله شد که اینها نتوانستند همدیگر را تحمل بکنند، دستهای بیرون هم از هر طرف برای شکستن حزب دست بکار شد و ما این را احساس می کردیم و من خودم خدمت آیه الله بهشتی رحمته الله عرض کردم که الان اختلاف به قدری بالاست که اگر رأی گیری شود و آقای مزاری دوباره رئیس شود، باز هم حزب قابل جمع شدن نیست و اگر آقای اکبری رئیس شود باز هم حزب قابل جمع شدن نیست، شما اعضای شورای عالی نظارت یک کاری بکنید که برای یک شش ماه کسی دیگر نباید مسئولیت این حزب را بگیرد. آیه الله بهشتی رحمته الله گفت: این طرح خوب است من هم در ذهنم همین می گردد ولی فعلاً زمینه برای گفتن این طرح نیست برای اینکه در خود شورای عالی نظارت تعداد بسیاری داغه، یکی از آقای اکبری حمایت می کند که باید او رئیس باشد یکی از آقای مزاری حمایت می کند و این قابل طرح نیست، بعد ما همین پیشنهاد را چون می دانستیم خدمت معصوم یار که یکی از اعضای شورای عالی نظارت بود، مطرح کردیم که ما معتقدیم در حزب اگر تعییناتی صورت بگیرد چه آقای مزاری باشد چه آقای اکبری هر کدامش اگر باشد دیگر قابل جمع شدن نیست، برای اینکه مسائل از نزاکت گذشته و تظاهراتی راه افتاده جنجالها و اینها، دیگر برادری تبدیل شده به دشمنی و خصومت، چه بهتر است که یک شش ماهی یک سالی کسی دیگر به صحنه بیاید و آقای معصوم یار همین را در شورای عالی نظارت مطرح کرده بود و آیه الله بهشتی رحمته الله هم تأیید کرد ولی بعضی از افرادی در آنجا حضور داشت که گفته بود: نه، این طرح، مقابل روند حزبی ماست و روند حزبی همین است که کاندید شود یکی، هر که رأی برد همان باید باشد، ما خلاف اصول حزب نمی توانیم عمل بکنیم.

آن زمان پیش بینی می شد که حزب دچار یک اختلاف شدید شده است، من یک

شب خدمت حاج آقای محقق بهسودی رفتم که آقای هاشمی سنگ چارکی هم در آنجا حضور داشت و تعدادی از آقایان دیگر من همین آفت را به او هم گفتم که شما از اعضای شورای عالی نظارتید دیگر حزب به سوی پرتگاه دارد پیش می‌رود و هر کدام این دو نفر رئیس شود دیگر حزب قابل جمع شدن نیست و شما یک تصمیم دیگر بگیرید ولو برای شش ماه تا این خصومتها از بین برود که ایشان هم، در آن زمان البته، به حرف من گفت: این اصل طرح، طرح خوبی است ولی قانع کردن دوستان دو طرف بسیار مشکل است و این تعبیر مرحوم حاج آقای محقق بود که می‌گفت اینها مشورت با دوستان خاص خودشان می‌کنند هرکسی دوست خاص خود دارد و ما و شما رأی دهنده هستیم در تصمیم اینها سهیم نیستیم لذا اگر پیشنهاد هم بکنی که نه این باشد و نه آن، یک کس سوم باشد، دوستانه‌ای اصلیش مانع می‌شود هم این طرف و هم آن طرف می‌گوید نه همین اصول حزب است باید رأی گیری بکنیم و لذا آنها، طرفدارانشان، قانع به این مسئله نمی‌شوند، که من فهمیدم که آیه‌الله بهشتی مرحوم و جناب حاج آقای محقق مرحوم و جناب آقای معصوم یار اینها همین نظر ما را تأیید می‌کنند، منتها در پیاده کردنش مشکل دارند و گیر دارند و نظر خود آنها هم همین است منتها پیاده کردنش را مشکل می‌داند که متأسفانه یک زمان معلوم شد که حرف اینها درست بوده، حرف آیه‌الله بهشتی رحمه الله و این آقایان دیگر.

بعد از آن، زمانی که مسئله به همین جا رسید که کمیسیون شش نفری تشکیل شد و دو جناح و از طرف آقای مزاری، آقای خلیلی بود، آقای شیخ‌زاده بود، آقای رزم‌جو و از طرف جناح این طرف آقای بلخی بود و من بودم و آقای امینی اشتراکی باز همین مسئله را که نه این باشد و نه آن در همین کمیسیون شش نفره ما مطرح کردیم زیر نظر نمایندگان شورای عالی نظارت که همین حاج آقای محقق بود و آقای صادقی لوخک بود و آقای استاد حکیمی بود و آقای زاهدی اینها همانجا حضور داشت ما این را مطرح کردیم که نه این باشد و نه آن یک فردی سوم و ثالثی را انتخاب کنید بعد این رفت و گفت این هم یک طرح است فردایش جناب آقای

خلیلی آمد گفت که آره مزاری قبول کرده که فرد سومی باشد ولی فرد سوم را من باید نظر داشته باشم، کمیسیون نمی تواند تعیین کند من هم نظر داشته باشم، من رفتم پیش آقای اکبری همین طرح را به او ارائه دادیم آقای اکبری هم قبول کرد که من قبول دارم یک فرد ثالثی باشد و چه بهتر است، بعد معلوم شد که هم آقای مزاری را دوستانش تحت فشار قرار داده بود و هم آقای اکبری را که خلاصه تعبیرش اینطوری بوده که طرح را مرتضوی یک ماه دو ماه پیش از آن به من می داده لیکن آقای خلیلی هم با ایشان هماهنگ شده و لهذا می خواهد هم اکبری نباشد و هم مزاری نباشد، ذهنیت داده بود که بعد فردایش که جلسه مطرح شد ما دیدیم آقایان با یک ذهنیت خاص آمدند می گویند نه اصول حزب تعیینات است ما تعیینات می خواهیم و نه فرد ثالثی باشد، که باز هم برای من ثابت شد همان چیزی که آیه الله بهشتی رحمته الله می گفت و هکذا حاج آقای محقق بهسودی و این مشخص بود که اینها غیر از ما یک مشاورین دیگری هم داشتند که متأسفانه نمی گذاشتند آنها. این دیدگاه آیه الله بهشتی رحمته الله بود آن چیزی که پیش بینی می کرد که حزب دارد می باشد و این هر دو طرف بسیار در خصومت پیش رفته است.

بعد از تعیینات همین تحقق پیدا کرد که دیگر متأسفانه خصومت به وجود آمد و حزب وحدت عملاً دو جناح شد و آن عظمت که داشت از بین رفت.

□ به عنوان آخرین سؤال اگر خاطره خاصی از آیه الله بهشتی رضوان الله تعالی علیه و مطالب دیگری اگر دارید بفرمائید.

■ من از آیه الله بهشتی رحمته الله در رابطه با همین که ایشان پیش بینی می کرد که اگر حزب وحدت مرکزیتش از بامیان به کابل منتقل شود حزب می پاشد من این را از آیه الله بهشتی رحمته الله به عنوان یک خاطره دارم و ما در ۲۵ سنبله جلسه ای داشتیم که شورای مرکزی منتقل شود از بامیان به کابل من مخالف انتقال شورای مرکزی بودم و نظر آیه الله بهشتی رحمته الله را نمی دانستم که با انتقال مخالف بود، بعد یک پیامی داد آیه الله بهشتی رحمته الله به کابل و از من خواست که در بامیان بیاید، من تصمیم گرفتم که در بامیان خدمت آیه الله بهشتی رحمته الله بروم ولی مرا از رفتن به بامیان جلوگیری کردند،

گفتند: این چون ضد انتقال شورای مرکزی از بامیان است و آیه الله بهشتی رحمه الله هم مخالف انتقال است، این اگر برود در آنجا، آنهایی که مخالف انتقال اند، وزنه شان سنگین می شود لذا ما موفق نمی شویم. یادم هست که در آن جلسه خود آقای مزاری پافشاری می کرد برای انتقال و آیه الله فاضل و آیه الله پروانی و جمع دیگری و من با آقای بلاغی دوتایمان مخالف بودیم او استدلال خودش را می کرد، من استدلال خود را که با این دلیل انتقال شورای مرکزی از بامیان درست نیست، دو روز در این رابطه بحث شد، بعد یک هیئتی را فرستادند که بروند آقایان را توجیه کنند، این کسانی که مخالف انتقال اند و آنها را قانع کنند تا شورای مرکزی از بامیان به کابل انتقال پیدا بکند، بعد بنا شد که در آن هلیکوپتری که هیئت می رود که آقای پروانی بود آقای زکی جاغوری بود با یک تعداد دیگر، من به بعضی از آقایان گفتم که مرا آیه الله بهشتی رحمه الله خواسته اند من هم بروم، مرا مانع شدند، باز هم گفتند که نه شما در بامیان حالا نمی توانید بروید، شورا که منتقل شد بعد هلیکوپتر در اختیار است. اگر آیه الله بهشتی رحمه الله در ورس رفت، شما هم می روید ورس، که دقیقاً آیه الله بهشتی رحمه الله ما را خواسته بود برای مشورت که اوضاع کابل را از من بپرسند، جو سیاسی کابل را بپرسند که مرا آقایان نگذاشتند.

بعد آیه الله بهشتی رحمه الله در بامیان این را گفته بود که آقایان! شما حزب را به سوی آفت دارید می برید، به سوی نابودی دارید می برید، قطعاً در بین شما در کابل دشمن نفوذ می کند و اختلاف می افتد و حزب دچار پاشیدگی می شود و این نظرش را در بامیان ایشان قاطعانه گفته بود. وقتی که هیئتی که از کابل رفته بودند، پیش آیه الله بهشتی رحمه الله که رفته بودند، هیئت که برگشت، به من صحبت کرد که آیه الله بهشتی رحمه الله نظرش همین بوده و شما را هم که می خواسته برای همین می خواسته که یک مشورت بگیرد و از اوضاع کابل از شما بپرسد و ایشان شدیداً مخالف انتقال بوده است، بعد در پانزده ثور هفتاد و سه وقتی ایشان در کابل آمد در اولین جلسه من همین را از ایشان پرسیدم که شما مخالف انتقال شورای مرکزی بودید؟ گفت که بله، من همین وضعیتی که الان پیش آمده، من آن زمان پیش بینی می کردیم که حزب در

کابل قابل کنترل نیست، ایادی دشمن کار می‌کند و یک تعداد افراد مغرض هم ممکن است در خیابانها بریزند و به طرفداری این و آن شعار بدهند و من همین چیزی را پیش‌بینی می‌کردم لذا مخالفت می‌کردم با انتقال شورای مرکزی در کابل: که این یک خاطره سیاسی است پیش من از آیه‌الله بهشتی رحمته که چقدر می‌توانست حوادث را پیش‌بینی بکند و چقدر این پیش‌بینی که ایشان داشت، با اینکه ایشان در بامیان بود، از مسائل کابل دور بود، اگر ما استدلال می‌کردیم، خوب در متن قضیه بودیم، می‌دانستیم جریان چیست، ولی آیه‌الله بهشتی رحمته در بامیان بود و از آنجا دقیقاً همین چیزی که سر این حزب آمد، او پیش‌بینی می‌کرد و لذا مخالفت کرد و آخرش همان چیزی که آیه‌الله بهشتی رحمته به اینها انطباق داده بود که نباید شورای مرکزی منتقل شود، بگذارید حزب شما مهم باشد و دست دشمن در آنجا بیشتر کار می‌کند، همان واقع شد.

خاطره‌ای که من سال هفتاد و چهار دارم از آیه‌الله بهشتی رحمته در پنجاب جناب حجة الاسلام آقای ابراهیمی نماینده معظم مقام رهبری برای اصلاح ذات‌البین دو جناح حزب وحدت آمد در کابل و بعد چون آیه‌الله بهشتی رحمته در پنجاب بود و آقای زاهدی هم در پنجاب بود، آقای حکیمی هم در پنجاب بود ما تصمیم گرفتیم که بیایم پیش آیه‌الله بهشتی رحمته که بیشترین تلاش را می‌کرد، برای خاموش کردن اختلاف بین دو جناح و برگرداندن عظمت حزب وحدت که این دو جناحی باید تبدیل به یکی شود و حزب وحدت عظمت قبلی خودش را در رابطه با یکی شدن پیدا کند و با یک زبان حرف بزند، ما توسط یک بال هلیکوپتر رفتیم به پنجاب، وقتی آنجا رفتیم که آنچه استقبال می‌کند و به استقبال ما آمده مریدان خاص آیه‌الله بهشتی اند، ولی از دیگران خبری نیست، باز جایی در آنجا تعیین کرده بودند، رفتیم، سخنرانی کردیم و جناب آقای ابراهیمی سخنرانی کرد و یک مکتبی در آنجا بود، ما در آن مکتب نرفتیم، آیه‌الله بهشتی رحمته آنجا آمد، در آنجا که آمد، آقای عالمی بلخابی از کابل رفته بود، آقای فاضل و آقای اکبری و ما با ضمیمه آقای ابراهیمی در آنجا بودیم، جناب آیه‌الله بهشتی رحمته آمد و حاج آقای ابراهیمی از ایشان سوال کرد که

قضیه چیست؟ و آیه الله گفت: آنچه وظیفه اسلامی من، وظیفه دینی من، تقاضا می کند در حالی که مریضم و کسلم، چندین بار بین ورس و پنجاب رفت و آمد کردم تا آقایان را در کنار همدیگر بنشانیم و این اختلاف از بین برود و آیه الله بهشتی رحمته شدیداً مریض بود هم ناراحتی درد پا داشت و هم ناراحتی کلیه داشت و نمی توانست یک جا آرام بنشیند، همینطور در عین حال که خودش را اینطرف آن طرف می کرد ولی برای اینکه در بین دو جناح صلح شود و حزب دوباره یکی شود ایشان در همان پنجاب بود و از بودجه شخصی خودش مصرف می کرد و هیچ کس هم برایش کمک و همکاری نداشت، در همانجا ایشان از آقای ابراهیمی خواست که ما تا آن حدی تلاش می کنیم که ناامید نشده باشیم و شما هم که حالا از ایران آمدید، هدایت هایتان را به ما بگوئید، ما هم تلاش می کنیم و آقای اکبری و خلیلی کوتاه بیایند و نیروهایی که در بامیان و جاهای دیگرند، این نیروها را بیرون کشیده و بامیان پاک سازی شود و به همان حالت اول خود برگردد.

مصاحبه با

حجة الاسلام والمسلمین شیخ شیرزمان دانش ورسی

□ حاج آقای دانش از آغاز آشنائی و چگونگی و زمان آن با حضرت آیت الله بهشتی رحمته الله علیه تعریف بفرمائید:

■ آشنائی اینجانب با حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه بر می گردد به قبل از انقلاب حدوداً سال ۱۳۵۲ زمانی بود که شهرت و آوازه معظم له در محافل علمی فراگیر بود در هر جا سخن از جامعیت و تقواء و تعهد و حساسیت به معارف و احکام بود نام حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه مطرح بود تعداد از شخصیتها که امروز منشأ تحولات سیاسی و اجتماعی شده و اکنون حیات دارد از نزدیک دروس معظم له را درک نموده و این درک طوری بوده که در همه محافل مطرح بود فلذا برای بنده یک علاقه ای خاصی ایجاد شد تا آنکه ایشان را از نزدیک باید زیارت کردم این را در همین سال که عرض کردم ۵۲ رهسپار تخت ورس شدم یک شبانه روز در خدمت ایشان ماندم معظم له را در همان لحظه ای ورود دیدم که یک متانت و اخلاص خاصی دارد و احاطه ای ایشان و تسلط بر رشته های علوم عجیب است از جمله آن تبخّر در رشته های منطق، اصول و فقه بود یکی از شاگردانش که آقای اکبری بود بارها این را من از زبان خودش شنیدم که این را چنین اظهار می داشت آهنگ شیرین آیه الله بهشتی رحمته الله علیه و تسلط ایشان گویابه سمع من همیشه است و قوة زائقة من لذت می برد این چیز پنهان نیست و این دید اکثریت آقایان تا در منطقه امروز کم و بیش مطرح است و خدمت معظم له مشغول بوده از جمله آقایان شیخ جعفر ناطقی سید محمد علوی و سید علی مرتضوی از نظر مردم یک چنین دیدگاه داشت و دارد و

نمی توان پنهان کرد و این شد که بنده برگشتم از خدمت ایشان تا آنکه انقلاب اسلامی آغاز شد.

□ نقش ایشان را در مبارزات و جهاد ملت افغانستان چگونه می بینید؟

■ این امری است که برای همه ملت مسلمان افغانستان روشن و واضح است که حضرت آیه الله بهشتی رحمه الله با الهام از آن مایه های عمیق و قوی علمی و معنوی و اخلاقی که معظم له داشت و آن ویژگی های برجسته و مردم داری و همچنین الهام از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن حضرت امام رحمه الله فرمان جهاد مسلحانه را علیه تجاوز روسیه راه انداخت و با اندک زمان نتایج این فرمان روشن شد که نیروهای مردمی و روحانیت و بسیج و همه در ورس متمرکز شد روی آزادی نقطه های حساس یعنی اداره ها ولایت ولسوالیها آزاد شد از تصرف نیروهای دولتی بعد تشکیل یک مرکزیت قوی واداری برای سرعت روند پیشروی و پیروزی ملت و انقلاب ضرورت پیدا کرد.

اولین بار ایشان این ضرورت را طی یک سخنرانی اعلام داشت در «در درختان» مربوطه ولسوالی پنجاب تمام نیروهای جهادی و رزمنده در این سخنرانی حضور داشت که در حین جهاد بود ایشان این سخنرانی را از جایگاه یک فرمانده ارائه نمود یعنی ایشان فرماندهی می کرد همگی را در ابتدا دعوت به وحدت نمود و یکپارچگی ایشان دقیقاً یادم است که چه فرازهایی را به دنبال داشت در این سخنرانی از جمله این فراز را بیان کرد و سخت روی این تأکید هم می کرد که ای ملت اگر اتحاد صورت گیرد شما وحدت داشته باشید و یکپارچه باشید برای امروز اثر بخش و برای فردای شما ثمربخش است بعد از این سخنرانی بود که در قلب مردم جرقه یک دولت موقت پدید آمد. که انصافاً آن سخنرانی سرنوشت انقلاب را و مبارزه ملت تشیع را رقم زد. بازتاب و انعکاس وسیع پیدا نمود.

از همه مهمتر همانطور که عرض کردم ایشان این سخنرانی را از جایگاه یک رزمنده و مجاهد مانند سایر مجاهدین بیان داشت نه اینکه دور از جبهه جنگ یا در منزل شان در یک گوشه دور از میدان نبرد باشد اگر از جایگاه یک مجاهد نبود شاید

آن تأثیر را نداشت بعد از این شخصیت‌های منطقه روحانیت با فراخوانی ایشان در ورس جمع شدند و به اتفاق آراء ایشان را بعنوان رئیس و رهبر این حکومت تعیین نمود اما اکنون حالم مساعد نیست و یا شرائط روحی ایجاب نمی‌کند که به همه زوایای آن تحول تاریخی ملت تشیع از ^{جمله} جمیع مناطق مرکزی پرداخت، که باید یک ضرورت است که پرداخته شود اگر پرداخته نشود شاید این فراز از تاریخ ملت تشیع را تحریف کند اکنون که نشانه‌ها و قرائن نیز حکایت می‌کند که این مقطع از تاریخ دارد تحریف میشود یعنی منظورم آنست که زمینه تحریف را از سوی بیگانگان و دشمنان تشیع است یک عده‌ای که شاید غرض هم نداشته باشند و به نتیجه ندانم کاری و این تحریفات تاریخ خویش متوجه نباشد و درک نکند اگر امروز ما داریم تحریف می‌کنیم این چه اثر می‌دهد آیا بنفع ماست یا به ضرر ما، قطعاً اگر بدانند تحریف نمی‌کنند. خوب اگر ما بیائیم یک وقت نسل‌های آینده کشور و تشیع بیاید در برابر این تحریف عکس‌العمل نشان بدهد و یا اصلاح کند او طبیعی است که می‌گوید این تحریف از سوی ما نشد. از سوی خود شماها است. پس بنا بر این باید پرداخت به این فصل از تاریخ جهاد آنهم بر اساس واقعیت نباید تحریف کرد. تاریخ را باید رویش خیلی دقت کرد که تاریخ هر ملت سرنوشت یک ملت است مال یک نفر نیست و مال یک شخص نیست وقتی تحریف شود دست کاری شود، این خیانت به کل یک ملت و کشور است. امیدوارم که انشاء الله کسانی که دست اندرکار است و یا می‌خواهند کاری فرهنگی بکند بیش از پیش متوجه این حقیقت و یا باید این امانت که در اختیار دست آنها است باشد.

بلی، این حکومت وقتی تشکیل شد همه را خوف گرفته بود خوب کسی روحیه استقامت را داشت ایشان بود که با آن روحیه خوب خویش با آن استقامت شدید که داشت و در وجود معظم‌له بود مقاومت و ایستادگی نمود اگر کسی دیگر غیر از ایشان بود یک چنین مقاومت از خود نشان نمی‌داد و یارای مقاومت و نشستن در یک جوّی و خوفی ایجاد شده بود. وضعیّت حساس هم بود ولی ایشان مثل «جبل‌الراسخ» در مرکز انقلاب و وحدت متمرکز شد همه نمایندگان ملت از تمامی

حوزات مربوط به اهل تشیع به اطراف ایشان گرد آمدند و این آیه از قرآن را همیشه قرائت می کرد. «اطیعوا الله ورسوله و لاتنازعوا فتشلولوا و تذهب ریحکم»
 خاطره دیگر که از درد عمیق ایشان حکایت می کند و آن مقاومت و ایستادگی ایشان را در لابه لای آن حرکت و قیام مردم نشان می دهند. در سال ۵۹ که دوازده هواپیما آمد حمله کرد به مرکز دولت موقت کانال هایی برای پناهگاه مردم درست کرده بودند تا جان شان را حفظ کند ایشان رفته بود تا از خطر محفوظ بمانند دهن این پناهگاه پر شده بود. من در صفحات شمال بودم که انجام وظیفه می کردم وقتی خدمت رسیدم ایشان جریان را تعریف می کرد که وقتی بم آمد دهن سمج را گرفت و بسته نمود نفسها گرفته شده بود در نتیجه آنوقت یک دفعه به یاد اصحاب کهف افتادم با خود داشتم این درخواست را نمودم خدایا من و این مردم برای تو و راه تو قیام کردیم. و این انقلاب را برای رسالت و تکلیف الهی خودمان به راه انداختیم کی تو عنایت کنی. این مردم را نجات دهی یک دفعه بمب دیگری را انداخت که راه برای خروج باز شد و مردم نجات پیدا کردند

مصاحبه با

حجة الاسلام والمسلمين آقای نهضت

□ آغاز آشنائی تان با مرحوم آية الله بهشتی رحمته الله علیه در چه زمان و مکانی بوده است؟
■ و معلوم باشد که بنده محمد نهضت خدمت آية الله بهشتی رحمته الله علیه از زمان نوجوانی خود آشنایی داشتم چرا که آقای سید علی بهشتی در زاموج که قریه‌ای است در یکولنگ سیادۀ الیاد خدمت استاد بزرگوار حاجی شیخ کلانی مدتی مدید مشغول تحصیل و تدریس بود یعنی ایشان را جناب حاجی شیخ درس می‌گفت و ایشان طلبه‌های از خود پایین‌تر را تدریس می‌کرد. و بنده هم در آن زمان خودم بعضی چیزها را می‌فهمیدم و هم از حاجی شیخ و حاجی امینی برادرم و باقی عموها و غیره کاملاً از ایشان آگاهی داریم چرا که تقریباً آقای سید از جمله خانواده ما حساب می‌شد. و جناب شیخ هم برای ایشان و پسر عموی ایشان سید محمد محقق اخلاص خاص داشت هم از جهت سید بودن ایشان که علما خیلی ارادت خاص داشتند و هم از جهت که یک طلبه فاضل و سخت‌کوش بود که استاد ایشان خیلی امیدوار بود که ایشان به مقام بالا برسد. که این نظر تا حدی درست از آب درآمد.

□ برخی از نکات آموزندۀ دوران تحصیل ایشان را برای طلاب بیان فرمائید؟
■ و دیگر معلوم باد که بنده بعضی از خصوصیات ایشان را بدون مبالغه می‌دانم این است که ایشان در وقت مطالعه بسیار تمرکز فکری داشت، به حدی که شاید بعضی‌ها باور نکنند اما بود، در حین که ایشان مشغول مطالعه و فکر کردن در مطلب از مطالب وارد می‌شد، اگر بعضی از دوستان ایشان و طلاب در گوشه و کنارشان

کارهایی انجام می داد از قبیل شوخی کردن و امثال این چیزها مثلاً بلند بلند حرف گفتن ایشان چندان متوجه نمی شد از بس که عشق به خواندن داشت، و تدریس ایشان در همان زمان که طلبه بود و برای دیگران نمونه بود از هر جهت هم از جهت تحقیق و هم از جهت تفهیم.

مصاحبه با استاد علوم سیاسی جناب آقای حقجو

□ نقش سیاسی - جهادی و سهم آیه الله بهشتی رحمته الله علیه را در انقلاب اسلامی افغانستان بیان فرمایید؟

■ به نظر ما، آیه الله بهشتی رحمته الله علیه بزرگترین سهم را در جهاد اسلامی افغانستان بر علیه روسها داشته است زیرا ایشان اولین وحدت سراسری و جهادی را در افغانستان سازماندهی نمود و هسته اولین دولت اسلامی در قلب حاکمیت رژیم مارکسیستی خلقی را، پایه گذاری نمود و شورای اتفاق را بوجود آورد که در تاریخ تشیع افغانستان و در جهاد اسلامی این کشور نمونه نداشت زیرا این حرکت سیاسی - جهادی طبیعی ترین حرکت مردمی بود که از متن مردم برخاسته بود و هیچگونه عامل فشار خارجی در تکوین آن دخالت نداشت و آیه الله بهشتی رحمته الله علیه طبیعی ترین رهبر جهادی بود که از متن مردم رنج دیده برخاسته بود و در مطرح شدن ایشان هیچگونه تحریکی و تبلیغی مطرح نبوده است چنانچه شورای اتفاق نیز مظهر حرکتی بود که از درون مردم جوشیده بود و گروههای دیگر نیز در واقع در کنار شوری و توأم با آن رشد نمود، بستر وجودی بسیاری از گروهها شوری بوده و فلسفه وجودی بسیاری دیگر را معارضه با آن تشکیل می داده است و در مجموع تحولات گروههای دیگر در ارتباط مستقیم با تحولات شوری بوده است.

آیه الله بهشتی رحمته الله علیه، با رهبری شورای اتفاق و سازماندهی اولین وحدت جهادی و شکل سیاسی، در واقع اولین بار موجب تجزیه حاکمیت مارکسیستی در افغانستان گردید، و اسباب سقوط و انحطاط حکومت مزدوران روسی را فراهم آورد. مناطق

صفحات مرکزی هزاره جات، در اوائل جهاد بلحاظ موقعیت استراتژیک جهادی راه عبور و مرور و مواصلاتی بسیاری از مجاهدین دیگر گردیده و در گسترش جبهات جهادی نقش عمده ای را ایفاء نمود و از طرف دیگر، با ایجاد تشکل و نظم و امنیت جهادی در هزاره جات، در بسیاری از نواحی دیگر افغانستان روح مبارزه و جهاد علیه روسها و مزدوران شان تقویت گردیده و ازین نظر آیه الله بهشتی رحمته و شوری تأثیری بسزایی در توسعه و انکشاف جهاد، در مناطق برادران اهل سنت داشته و حق عظیمی برگردن همه دارد.

□ چه تفاوتی میان وحدت اولیه ۱۳۵۸ (شوری) و وحدت بعدی ۱۳۶۸ (حزب وحدت) می بینید؟

■ همانظوریکه عرض کردم وحدت اولیه در متن مردم و آرمانها و اعتقادات جهادی آنها ریشه داشته و از درون جامعه سر در آورده بود و بازتاب طبیعی احساسات پاک اسلامی مردم و ستیزه جویی بر علیه کمونیستهای مزدور را نشان می داد در صورتی که وحدت دومی در اثر اجبارها و فشارها و ضرورتها بوجود آمد، یعنی گروههایی که سالها با هم نزاع داشتند، اجباراً به این نتیجه رسیدند که باید وحدت کنند و الا نابود می شوند و یک سری تلاشهای خارجی نیز نقش عمده داشت، بطور مثال وجود وحدت جهادی در پیشاور و ائتلاف گروهها در آنجا و دیدگاههای خاص نیز در پیدایش آن وحدت تأثیر داشت. و دیگر اینکه وحدت اولیه از نظر دستاوردها و محصول، با ثمرتر از وحدت دومی بوده است زیرا، به فلسفه اصلی تشکل یعنی ایجاد انسجام، نظم، امنیت و هماهنگی و اتحاد بسیار نزدیک گردید و سالها مردم از این محصول مبارک بهره بردند و از وجود نعمت نظم و امنیت و اتحاد و رهبری واحد استفاده کردند ولی وحدت دومی متأسفانه به نتیجه نزدیک نشده نه از نظر افقی به آن درجه از وحدت و هماهنگی طلائی اولیه رسید و نه از نظر عمودی آن پیوند عمیق و آن تمرکز معنوی بوجود آمده در اوائل را پیدا کرد، بلکه برعکس بسوی از هم پاشیدگی رفته به فراکسیونهای متضاد منجر گردید.

مصاحبه با

حجة الاسلام آقای جوادی دره صوفی

□ آغاز آشنائی تان با آیه الله بهشتی رحمته الله علیه در کجا و چگونه بوده است؟

■ البته اسم حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه را از خیلی وقت پیش شنیده بودم و بالاخص در زمان انقلاب که ایشان به حیث رئیس شورای انقلاب اتفاق اسلامی افغانستان انتخاب شدند و ما هم از دره صوف نمایندگان فرستادیم که آنها بعد از سه ماه آمدند خبرهای مایوس کننده منتقل کردند که ما از شوری منفک شدیم و بعد از انفکاک در سال ۱۳۵۹ بنده با تعدادی از مجاهدین آماده و عازم پاکستان شدیم از راه بلخاب آمدیم در مرکز وحدت ورس که نامه بگیریم در آنجا به توسط آقای سید محمد حسین علوی و الی ورس با آیه الله بهشتی رحمته الله علیه آشنا شدم و ایشان را شخص لایق و دلسوز به انقلاب و متعهد یافتم که قطع رابطه ما از شوری بیجا بوده است و در زیر کاسه نیم کاسه ای وجود داشته به هر حال بنده با یکدنیا از محبت و تشویق ایشان عازم پاکستان شدم که دگر آرزوی نداشتم فقط می خواستم که از پاکستان و ایران برگردم تماس دوباره با شوری برقرار گردد که علت آن اتحاد و اتفاق و یگانگی ملت شیعه در تحت سرپرستی عالم عامل حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه بود که بعد از مدتی از ایران و پاکستان برگشتم خدمت حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه رسیدم ناگفته نماند که در مشهد مقدس تماس با دفتر شوری گرفتم و جلسه در مسجد علی ابن ابیطالب به کوشش آقای شهاب الدین حسینی رحمته الله علیه برگزار شد.

□ یکی از خاطرات جهادی خویش را از ایشان بیان فرماید.

■ وقتی که با ایشان یعنی حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه بودم مسافرتی به سمت هیئت

شوری در بامیان داشتم که آنجا سرتاسر خاطره و جهاد بود هر روز هواپیماها اطراف بامیان را بمباران می کرد و هر ساعت و هر لحظه آن خطر وجود داشت ولی باکمال اطمینان وظیفه مان را انجام داده و گذارشات سفر را تنظیم نموده خدمت حضرت آیه الله بهشتی رحمه الله تقدیم کردم البته با کارهای اضافی که در بامیان و اطراف آن بوجود آمده بود که حضرت معظم له خیلی تشویق فرمودند.

□ چه خصوصیات و ویژگیهای برجسته در شخصیت ایشان وجود داشت؟

■ ویژگیهای زیادی در آیه الله بهشتی رحمه الله وجود داشت که اگر یکی از آن در شخصی باشد نسبت به شخصیت داشتن او کافی است:

۱- از جمله علم سرشاری که آقای بهشتی داشت شخصی بی نظیر و الا کم نظیر حتماً بود.

۲- استقامت ایشان در طول انقلاب، که هیچ کسی آنرا نداشت، مرکز شوری هر لحظه و هر ساعت در خطر قرار داشت که باصطلاح خطر مرگ، همه اطرافیان داشتند خود را از شوری دور می کردند، فقط آیه الله بهشتی رحمه الله بود که تمام خطرات را بخاطر انقلاب تحمل می کرد.

۳- حلم و بردباری فوق العاده

۴- تهجد و عبادت شبها هرگز از ایشان فوت نمی شد و ده ها خصال خوبی دگر. معظم له یکی از اساتید در نجف اشرف بودند که آنرا من در کیهان فرهنگی در سال ۶۴ در خانه فرهنگ ایران در پیشاور خواندم که اساتید نجف اشرف را در سالهای ۴۰ و ۴۱ معرفی کرده بود از جمله آیه الله بهشتی رحمه الله بوده است واقعاً مقام علمی ایشان قابل تقدیر و ستایش است. زهد و تقوای فوق العاده که من خود دیدم با آن همه گرفتاری نماز شب و تهجد از ایشان ترک نمی شد مدام الوقت الی طلوع آفتاب مشغول تعقیب بودند فقط حین الطلوع یک ساعت استراحت بعد مشغول رتق و فتق امور می شدند.

مصاحبه با حجة الاسلام حاج آقای بیانی

□ از زمان و مکان آشنائی تان با مرحوم آیه الله بهشتی رحمته الله علیه و چگونگی آن تعریف
بفرمائید.

■ اگر چند بنده قبلاً یعنی قبل از دوران جهاد مقدس با حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه آشنائی داشتم اما نه به آن صورت، آشنائی بنده با حضرت ایشان بیشتر، از سال ۱۳۶۱ آغاز شد که همراه عده ای از علما بعنوان هیئت تبلیغ رفته بودیم در افغانستان در وقتی بود که حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه در مرکز ورس رئیس شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان بود و مجاهدین قهرمان افغانستان را در جبهات ضد روسی بسیج می کرد ما چند نفر مدتی را در آنجا بودیم که بنده وقتی که خدمت حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه می رسیدم از فرمایش ایشان در رابطه با مسائل اخلاقی و علمی و سیاسی لذت می بردم وقتی که مسائل سیاسی مطرح می شد خود ایشان مسائل را چنان تحلیل می کرد که مورد قبول کلیه اعضاء شورا بود.

□ یکی دو تا از خاطرات خویش را در رابطه با ایشان بیان فرمائید؟

■ گر چند بنده از حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله علیه خاطرات زیادی در دوران جهاد که خدمت ایشان کردم دارم چون تمام دقایق زندگی که انسان در خدمت آن فقیه مجاهد بود تماشای خاطره است آن ویژگی های اخلاقی و علمی ایشان و آن صبر ایشان و آن نماز دل شب ایشان و آنهمه تلاشهای ایشان برای یک پارچه شدن ملت و... که اینها همه خاطره است.

اما از آنجا که فرصت تقاضا نمی کند، لذا بنده دو خاطره بسیار کوتاه از ایشان

خدمت شما عزیزان تقدیم می‌کنم:

۱- در دوران جهاد مقدس گرچه ایشان به عنوان مهاجر در خوات ناهور در قریه بنام سنگینگ تشریف داشت بنده با چند نفر از قوماندانان جهادی طرحی داشتیم وقتی که آن طرح خدمت حضرت ایشان ارائه شد ایشان فرمود دو ساعت بعد بیایید جواب طرح خود را بگیرید بعد از دو ساعت وقتی بنده خدمت‌شان رسیدم فرمود فلانی این طرح شما از نگاه شرعی اشکال دارد که بنده آن اشکال را متوجه نبودم خدمت ایشان عرض شد که دیگران خیلی کارها می‌کنند مگر اشکال شرعی ندارد فرمود ما بوظیفه خود عمل می‌کنیم اما دیگران هرکاری می‌کنند در قیامت خودشان جواب می‌دهند با آنکه آن طرح پخته شده بود فقط مانده بود که ایشان تأیید کند اما وقتی خدمت ایشان رسیدیم، آن طرح را از اساس خنثی کرد که مسئله برای من بسیار عجیب بود و با خود گفتم واقعاً اگر کسی در یک جامعه اسلامی به عنوان یک جهت دهنده‌ای فکری است باید چنین باشد که این نهایت مقید بودن ایشان به مسائل شرعی را می‌رساند

۲- خاطره دوم من این است که در همین سفر آخر که در افغانستان داشتم در سال ۱۳۷۵ یکروز قبل از آنکه حضرت ایشان تشریف ببرد طرف یکاولنگ جهت تداوی، بنده خدمت ایشان رسیدم، روزیکه طرف یکاولنگ حرکت کرد بنده جهت خداحافظی خدمت‌شان مشرف شدم با آنکه خیلی ضعیف شده بود می‌فرمود اگر مصلحت خداوند براین باشد که من از این مرض صحت شوم بار دیگر بسراغ علما و روشن فکران و محاسن سفیدان شیعه می‌روم تا یکبار دیگر یک وحدت شیعی بوجود بیاوریم و بعد به اتفاق علما و روشن فکران شیعه بسراغ فارس زبان‌ها می‌رویم تا یک وحدت فارسی بوجود بیاوریم و بعد از آن برادران پشتون وقتی که ببینند برادران فارسی زبان‌شان وحدت کرده آنها نیز بوحدت ما خواهند پیوست.

بخش هفتم

تصویر آفتاب

عکسهایی از مراسم تشییع جنازه و مجالس یادبود آیه الله بهشتی

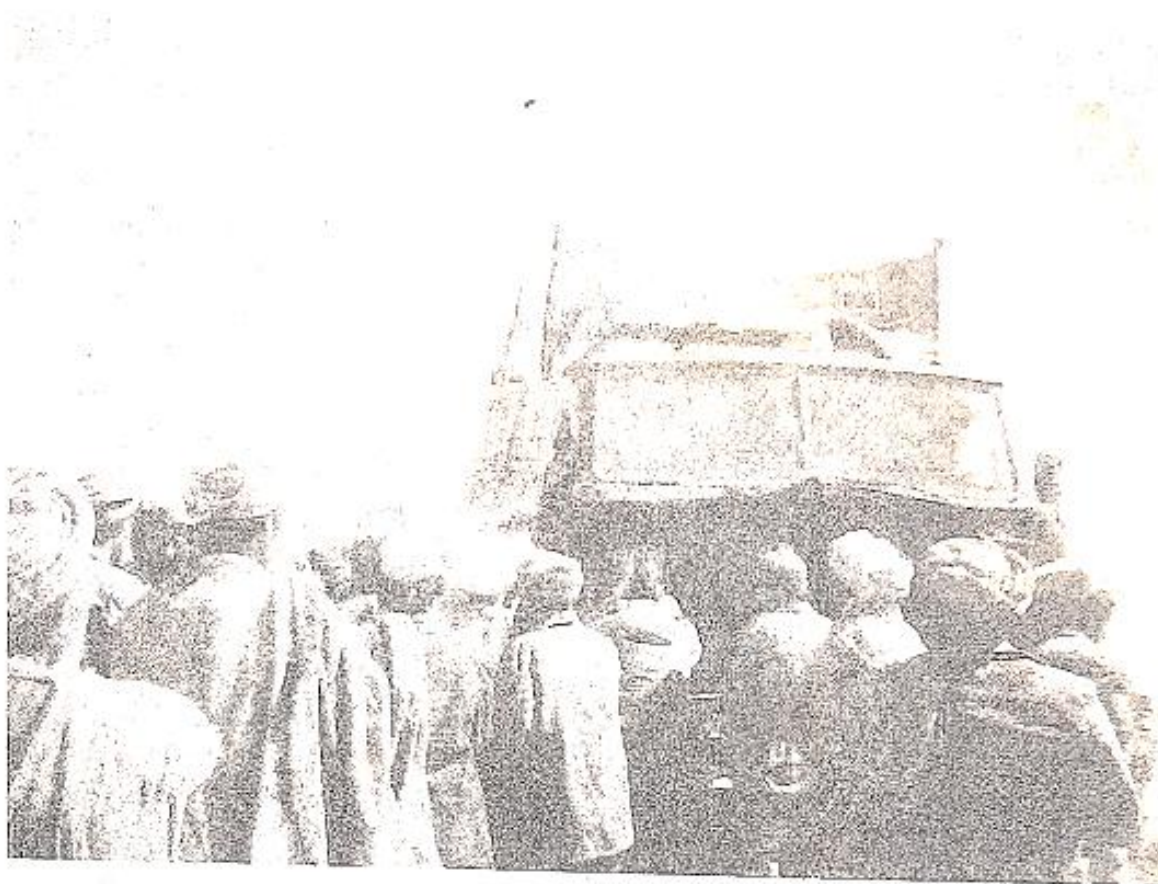




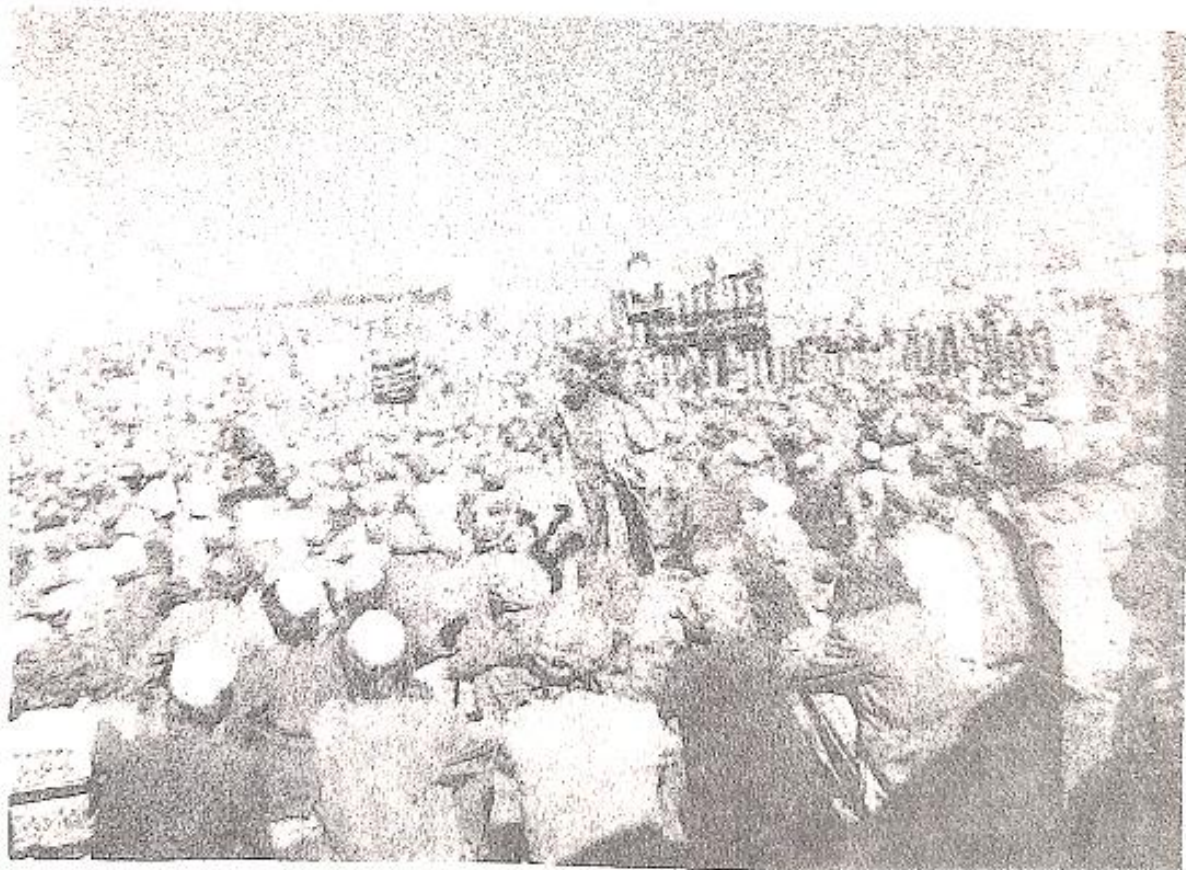


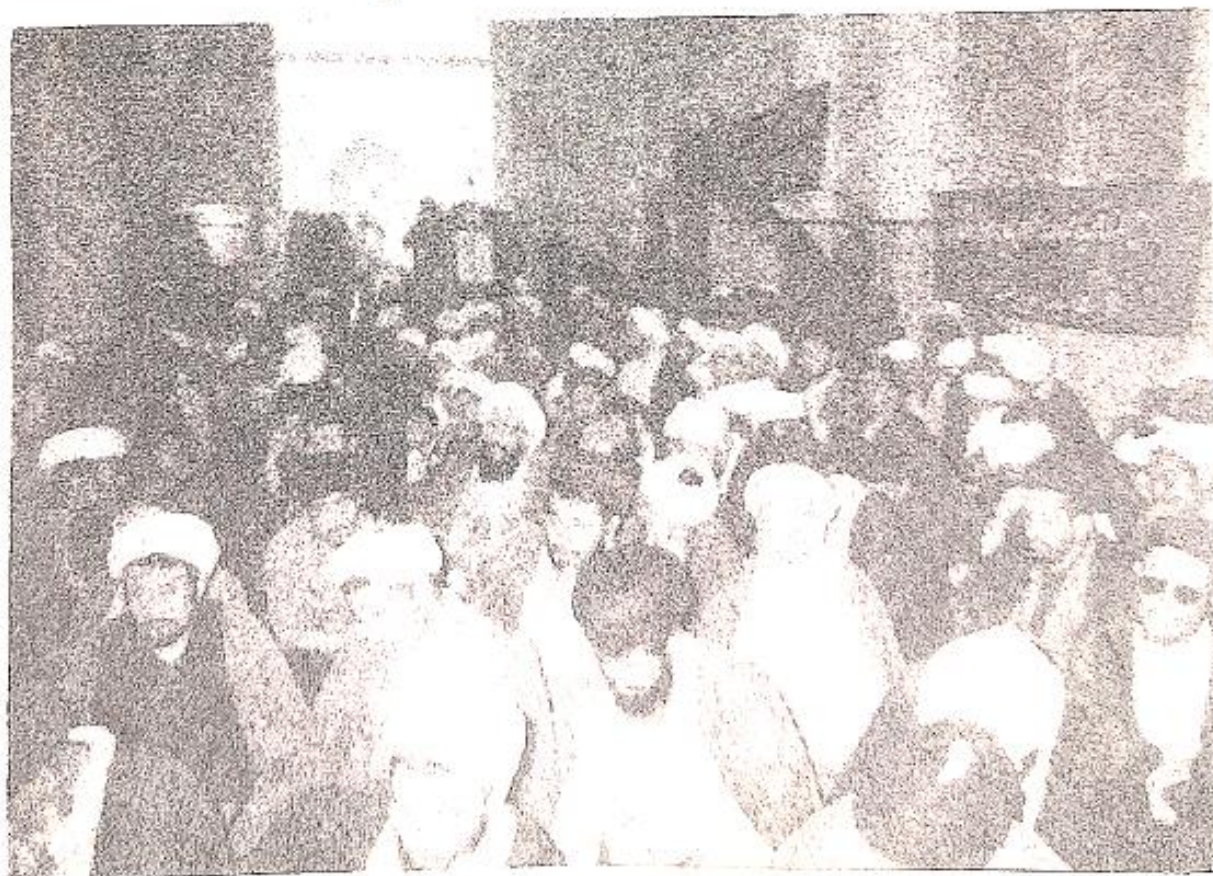
دیدار آقایان بروجنی معاون وزیر امور خارجه و عداوی سفیر
جمهوری اسلامی ایران با حضرت آیت الله بهشتی

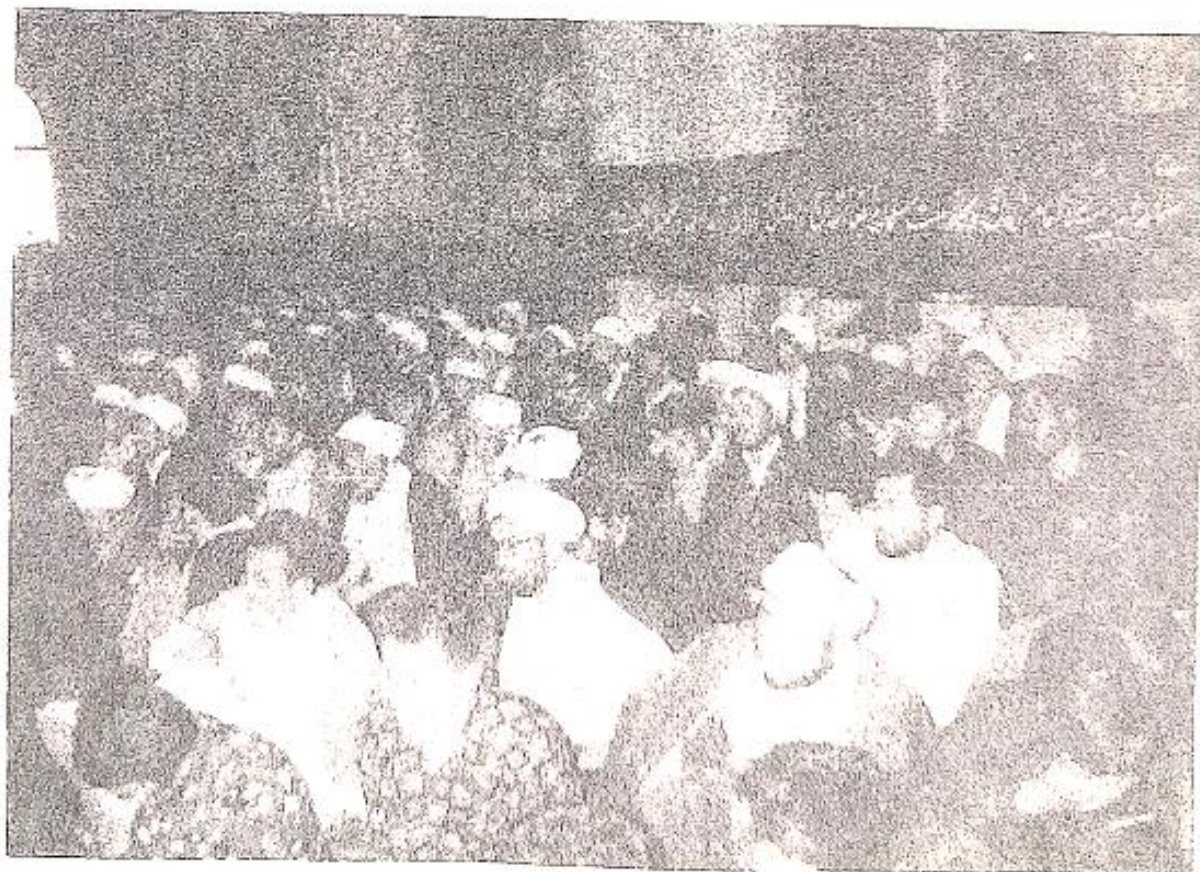
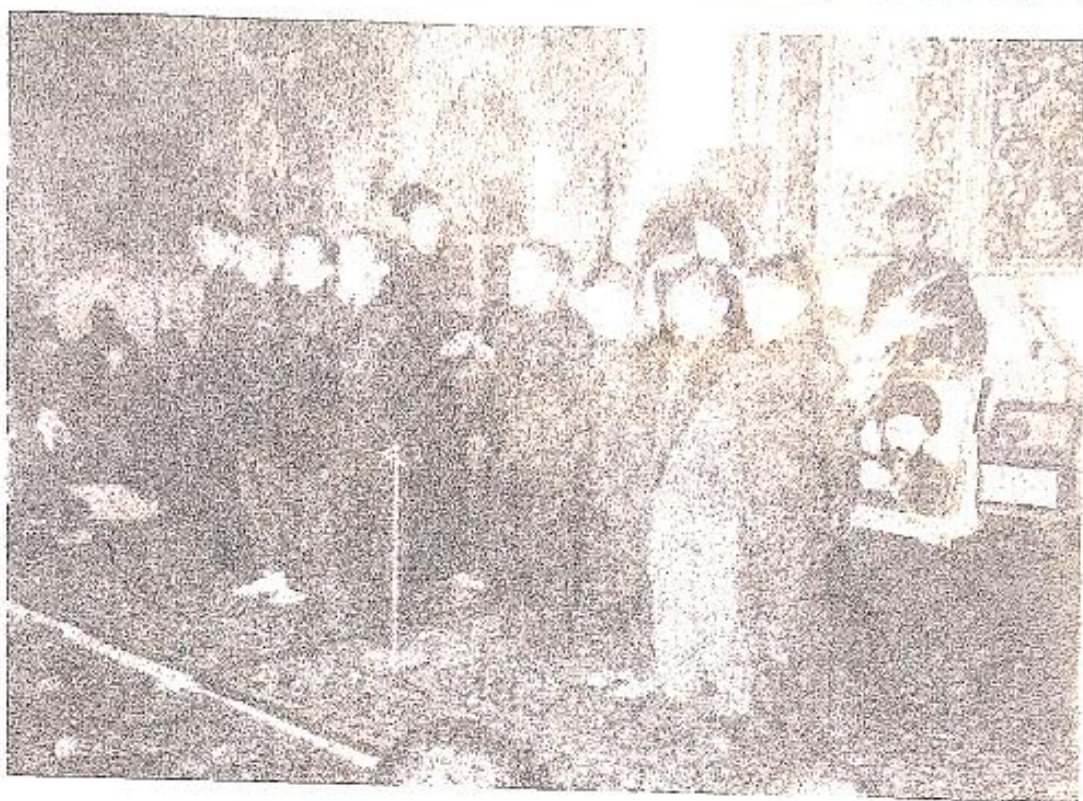
کابل سال ۱۳۷۲













از این مکتب خوب دربار علق دربار بود حضرت محمد هم